

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دو فصلنامه علمی-ترویجی
پژوهشنامه موعود

با استناد به نامه شماره ۱۵۷۲۸ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه های علمیه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۷ دو فصلنامه پژوهشنامه موعود از شماره یک به رتبه علمی-ترویجی ارتقا یافت.
بر اساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دارد.

سال پنجم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز:

پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا؛ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

مدیر مسئول:

حجت الاسلام و المسلمین مجتبی کلباسی

سردبیر:

حجت الاسلام و المسلمین مهدی یوسفیان

مدیر اجرایی و دبیر تحریریه:

حجت الاسلام و المسلمین سید علی کاظمی

ویراستار:

ابوالفضل علیدوست

مترجم انگلیسی:

حجت الاسلام و المسلمین حمید سعادت

اعضاء هیأت تحریریه (به ترتیب الفبا):

الهی نژاد، حسین (استاد تمام پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)

بهروزی لک، غلامرضا (استاد دانشگاه باقرالعلوم قم)

سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم (استاد حوزه علمیه قم)

شاکری زواردهی، روح الله (دانشیار دانشگاه تهران پردیس فارابی)

صفری فروشانی، نعمت الله (استاد جامعه المصطفی العالمیه)

عرفان، امیرمحسن (استادیار دانشگاه معارف اسلامی قم)

کلباسی، مجتبی (استاد حوزه علمیه قم)

مروجی طبسی، نجم الدین (استاد حوزه علمیه قم)

یوسفیان، مهدی (فاضل حوزوی، مدیر پژوهشکده مهدویت موعودگرایی انتظار پویا)



آدرس نشریه: قم، خیابان شهدا (صفاثیه) کوی ۲۲ (آمار) بن بست شهید علیان، بلاک ۲۴، تلفن:

۰۲۵۳۷۸۴۱۴۱۰؛ دورنگار: ۰۲۵۳۷۷۳۷۱۶۰؛ صندوق پستی: ۳۷۱۳۵۱۱۹

پست الکترونیکی: mouoodmag@gmail.com

وب سایت نشریه: www.mouoodmag.ir

کانال مجازی: @mahdaviatmag

شماره شاپا: ۰۴۱-۲۷۱۷

قیمت: ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال

راهنمای تدوین و نگارش مقالات

راهنمای تهیه و تنظیم مقاله

دو فصلنامه پژوهشنامه موعود زیر نظر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا می‌باشد و به منظور تبیین، بسط، ارتقای سطح دانش و آگاهی، نقد و نظر، آشنایی با مفاهیم جدید در حوزه مهدویت و موعودگرایی تأسیس شده است. این دو فصلنامه تلاش دارد آخرین دستاوردهای علمی متخصصان و اندیشمندان معارف مهدویت و موعودگرایی را به مخاطبان خود عرضه کند. مقاله‌های دریافتی پس از گذراندن مراحل ارزیابی منتشر می‌شود و در اختیار علاقمندان مباحث مهدویت و موعودگرایی قرار می‌گیرد.

الف) شرایط عمومی

۱. مقاله می‌باید با مباحث مهدویت و موعودگرایی ارتباط داشته باشد؛
۲. مقاله به تبیین و بسط مباحث مهدویت، ارتقای سطح آگاهی و دانش، نقد و نظر و آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی بپردازد؛
۳. حجم کل مقاله حداقل ۳۶۰۰ کلمه و حداکثر ۷۰۰۰ کلمه باشد؛
۴. فونت متن مقاله B Mitra با شماره ۱۴ و حاشیه ۱۰ باشد و فونت آیات و روایات B Mitra با شماره ۱۴ و پیرنگ و در محیط Word ارائه شود؛
۵. در صورت نیاز، ترجمه آیات و روایات و کلمات عربی و انگلیسی و توضیح مفاهیم در پاورقی آورده شود.
۶. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام، نام خانوادگی، مرتبه و جایگاه علمی/ تحصیلات، نشانی کامل پستی و نیز پست الکترونیکی به همراه شماره تماس، همراه مقاله ارسال شود؛

ب) نحوه تنظیم مقاله

- نظم و ترتیب منطقی مباحث به صورت ذیل رعایت شود.
۱. چکیده: چکیده مقاله حداکثر ۱۵۰ کلمه که حاوی بیان مسئله، هدف، روش، و یافته پژوهش باشد.
 ۲. واژگان کلیدی: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی پر تکرار، مرتبط با محتوا، که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: مقدمه مقاله معمولاً به تعریف مسئله، پیشینه پژوهش، ضرورت و اهمیت پژوهش، جنبه نوآوری، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله می‌پردازد.
 ۴. بدنه اصلی: بدنه اصلی، محتوای ترویجی بوده و می‌بایست موارد ذیل مورد نظر قرار گیرد:
 - تبیین و بسط مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - ارتقای سطح دانش و آگاهی مهدویت و موعودگرایی؛
 - نقد نظر در زمینه مباحث مهدویت و موعودگرایی؛
 - آشنایی مخاطبان با مفاهیم جدید مهدویت و موعودگرایی.
 ۵. نتیجه‌گیری: نتیجه مقاله گویای یافته‌های تفصیلی تحقیق است و به صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌شود و پاسخ اجمالی به سؤالات اصلی و فرعی مقاله داده می‌شود، لذا می‌بایست از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی،

مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود؛

۶. **ارجاعات:** ارجاع به صورت یورقی و به صورت ذیل آورده شود:

- **قرآن:** بقره: ۵۰.
 - **کتاب:** نام خانوادگی نویسنده، نام کتاب، شماره جلد و شماره صفحه. به عنوان نمونه: صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۲. ذکر شود.
 - **مجله:** نام خانوادگی نویسنده، عنوان مقاله، شماره صفحه.
 - **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی نویسنده، آدرس کامل صفحه.
۷. **ارجاع پایانی (فهرست منابع):** کتاب شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق در انتهای مقاله بر اساس شیوه‌های ذیل آورده شود:

- **کتاب:** نام خانوادگی، نام، **عنوان کتاب** (پر رنگ)، مترجم/ محقق/ مصحح، ناشر، تعداد جلد، نوبت چاپ، مکان چاپ، سال چاپ؛
- **مجله:** نام خانوادگی، نام، **عنوان مقاله** (پر رنگ)، نام نشریه، شماره نشریه، تاریخ نشر؛
- **صفحه اینترنتی:** نام خانوادگی و نام، عنوان مطلب، نام سایت، آدرس صفحه به صورت کامل؛
- **نرم افزار:** نام نرم افزار، شماره نسخه، مرکز تولید و پشتیبانی.

ج) تذکرات

- مطالب مقاله مبین آرای نویسنده یا نویسندگان آن است و بازتاب دیدگاه فصلنامه نیست؛
- تمامی مسئولیت مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن می‌باشد؛
- مقاله همزمان به جای دیگر ارسال نشده و به چاپ نرسیده باشد؛
- فصلنامه در ویرایش مقاله (به صورتی که به اصل مطلب صدمه نزند) آزاد است؛
- مقاله دریافتی در صورت تایید یا رد، بازگردانده نمی‌شود؛
- چاپ و نشر مقاله پس از گذراندن مراحل ارزیابی و پذیرش ضوابط فصلنامه امکان پذیر است؛
- نقل و اقتباس از مطالب فصلنامه به شرط ذکر دقیق و کامل منبع بلا مانع است.

د) شیوه‌های ارسال مقاله

۱. **حضوری:** مراجعه به دفتر مجلات واقع در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم

۲. **غیر حضوری** (ارسال لوح فشرده و فایل الکترونیکی):

- از طریق صندوق پستی به شماره: ۳۷۱۳۵/۱۱۹؛
- از طریق سایت به آدرس: www.mouoodmag.ir؛
- از طریق رایانامه به آدرس: mouoodmag@gmail.com؛
- از طریق فضای مجازی به آدرس: @mahdaviatmag.

فهرست مقالات

- تحلیل شناختی مسئله انتظار فرج، از منظر مقام معظم رهبری ۵
سید مجتبی معنوی
- ظرفیت فضای مجازی در بستر سازی همگرایی منتظران موعود ۲۷
خلیل الله احمدوند - پگاه امیری - حمیدرضا شهبازیان
- ترفند شناسی تضعیف باور مهدویت در فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن ۵۳
محمدحسین ساجدی فر (شهیدی)
- راهبردهای آموزشی توسعه فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی با تاکید بر نظام فکری رهبر
انقلاب ۸۱
مصطفی ابراهیمی
- بررسی و تحلیل تطبیقی دو جریان انحرافی مهدوی مدعی یمانی و مدعی خراسانی ۱۰۹
مهرداد ندرلو - نسرین امیری
- بررسی و نقد نظریات ژوزف الیاش در موضوع مرجعیت فقهی، سیاسی و اجتماعی علما در دوران
غیبت ۱۴۳
مسعود زائری
- ترجمه چکیده مقالات عربی-انگلیسی ۱۶۱

تحلیل شناختی مسئله انتظار فرج، از منظر مقام معظم رهبری

سید مجتبی معنوی^۱

چکیده

مقاله پیش‌رو، به «تحلیل شناختی مسئله انتظار فرج، از دیدگاه امام خامنه‌ای» می‌پردازد. هدف تحقیق، ارائه دیدگاه راهبردی و بافت فکری ایشان در مقوله «انتظار فرج» است. ضرورت پرداختن به این مقوله، رهایی از سوگیری‌های شناختی درباره انتظار فرج و پیشگیری از خطاهای ذهنی در اعتقاد به مهدویت است. روش تحقیق در مقاله از نوع «توصیفی - تحلیلی» بر پایه سخنان و آثار مکتوب مقام معظم رهبری است. با توجه به یافته‌های تحقیق، منظومه فکری ایشان بر یک نظام شناختی مبتنی است که انتظار فرج در پرتو آن، مقوله‌ای است مفهوم ساز، فرجام‌گرایانه و سازگار با جریان تمدن‌گرایی اسلامی. بازتاب ویژگی‌های ذهنی ایشان درباره انتظار فرج، ارائه نقشه راهی است که با ایجاد خودیابی شناختی در این راه، ثبات بینشی ایجاد می‌کند و مانع‌گرایش منفعلانه به مسئله انتظار فرج و از دست دادن این سرمایه اجتماعی می‌شود.

واژگان کلیدی: مهدویت، تحلیل شناختی، امام خامنه‌ای، انتظار فرج، سوگیری شناختی، تمدن جدید اسلامی.

۱. استاد مرکز تخصصی مهدویت و پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا. sm.manvi@chmail.ir

مقدمه

خطاهای شناختی درباره مهدویت، در موارد متعددی درک نادرستی از مهدویت ایجاد کرده است. گاه نكراء^۱ جایگزین عقل شده و زمام امور در اختیار مدعیان دروغین قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که حقیقت مسئله نه تنها دیده نشده، بلکه مورد انکار و تکذیب قرار گرفته است و معتقدان به آن، با مخالفت مدعیان روبه‌رو شده‌اند؛ چنان که معاویه با این ترفند مسئله امامت و ولایت امام علی علیه السلام را به چالش کشید و حقیقت تابناک آن را در پس شک و شبهه پنهان کرد و این امر موجب شد، به رغم تبیین مسئله امامت در غدیر در حضور شاهدان عینی، اصل آن مورد انکار قرار گیرد و خلافت اموی و عباسی به عنوان نسخه جعلی مورد پذیرش قرار گیرد.^۲

«واقفه» نیز با همین ترفند، امام کاظم را «قائم» خواندند تا با انکار مهدویت به هدف خود دست یابند.^۳ احمد بن هلال با همین روش نیابت عثمان بن سعید را با سؤال مواجه کرد.^۴ گاه جهل، منتظران را مرید غیر واقعی ساخته و خرافه‌گرایی و انحراف فکری به عرفان‌های کاذب رونق بخشیده است. در یک مورد، شلمغانی به بنی بسطام می‌گفت: روح پیامبر در محمد بن عثمان و روح علی در حسین بن روح و روح فاطمه زهرا در بدن ام کلثوم دختر محمد بن عثمان حلول کرده است.^۵

در سوی دیگر این اتفاق، شبهات و شایعات مهدویت مسیر را برای تطبیق‌گرایی هموار کرده است. محدود کردن انتظار و مهدویت به قالب‌های خودساخته نیز درک‌گزینی از این مسئله را در پی داشته و تن دادن به ظلم در آخر الزمان، ذهن منتظران را به عنوان امری مقدر و غیر قابل تغییر به خود مشغول کرده است که مجال برای پرداختن به آن‌ها در این مقاله نیست. فقط به اجمال می‌توان گفت اگر مقوله انتظار در منظومه‌ای فکری دنبال می‌شد، امروز شاهد وضع

۱. این تعبیر از امام علی علیه السلام درباره معاویه به کار برده شده است.

۲. برای آشنایی بیش‌تر با اصطلاح «نکرا» ر. ک: فراهیدی، ج ۵، ص ۱۱۵.

۳. طوسی، غیبت، ص ۶۵.

۴. کشی، رجال، ۵۳۵.

۵. طوسی، غیبت، ص ۴۰۴.

بهتری در این باره بودیم.

«تحلیل شناختی انتظار فرج از دیدگاه مقام معظم رهبری» نشان می‌دهد ایشان دارای منظومه فکری قابل توجهی است. این منظومه فکری بر یک نظام شناختی مبتنی است که تحقق ظهور امام مهدی را نیازمند ایجاد تمدن جدید اسلامی می‌داند. ایشان به نقشه راهی در این زمینه می‌اندیشند که با هدف غایی خلقت و نظام امامت هماهنگ و اراده خداوند به آن تعلق گرفته است. تاریخ در مسیر تکامل جریان دارد تا وعده الهی محقق شود.

«انتظار فرج»، به عنوان مقوله‌ای لاینفک از مهدویت در دیدگاه مقام معظم رهبری، متناظر به فرجام شیرین تاریخ و در جهت ایجاد تمدن جدید اسلامی است تا با گام‌های تمدنی مؤثر در هر عصر، اهداف الهی را که با معماری انبیا و ائمه شکل گرفته است؛ تکمیل کند. به این لحاظ، انتظار فرج خط مشی‌گذاری برای ایجاد تمدن جدید اسلامی به منظور رسیدن به هدف غایی ظهور است. این مقوله بر اراده بشری مبتنی است و تغییر اراده انسانی به تغییر اراده الهی، در جهت کمال تاریخ معطوف است.

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، مقوله انتظار فرج، کلی دیده نشده است و رویکرد جامعی برای تجزیه و تحلیل مقوله انتظار فرج در بافت فکری ایشان وجود دارد که به اجزای تشکیل دهنده انتظار و عملکرد آن و مدیریت دوران غیبت تا رسیدن زمان ظهور نظر دارد.

«تحلیل شناختی» از فراورده‌های علم شناختی به شمار می‌رود که با پیشینه انتزاعی در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است. از بررسی تحلیل شناختی، می‌توان دریافت، مفهوم آن از مقولات اضافه و نسبت به جنگ شناختی و سوگیری‌های شناختی شکل گرفته است تا مانعی در مقابل برجسته‌سازی شکاف در ساختارهای سنتی در مغز انسان‌ها باشد. در صورت تحقق تحلیل شناختی، درک حقیقت افزایش می‌یابد و با رویکردی جامع، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که دشمن، برای تغییر واقعیت اقبالی ندارد.^۱ براین اساس، امتیاز ویژه تحلیل شناختی، دستیابی به مدل شناخت مؤثر بر ذهن است.

۱. حاجی‌زاده، دوفصلنامه بازی جنگ، ش ۱۰، ص ۱۰۵.

بافت فکری رهبر انقلاب در مسئله انتظار فرج و بازتاب ویژگی‌های ذهنی ایشان در مقوله انتظار، گویای ذهنی پویا و آشنایی عمیق ایشان با زبان روایات در این باره است که جامعه منتظر کم‌تر با آن آشناست. تبیین دیدگاه ایشان در این مسئله، موجب توجه به مفاهیم نهفته در مسئله انتظار است که شناخت آن‌ها فرجام‌گرایی و آرمان‌گرایی را تقویت می‌کند. به این لحاظ، تحلیل انتظار فرج از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، از سوگیری‌های شناختی در این مقوله جلوگیری و آن را به مقوله‌ای مفهوم‌ساز و جریان‌ساز و آرمان‌گرایانه و تمدن‌ساز بدل می‌کند که این، به آشنا شدن جامعه منتظر با اجزای تشکیل دهنده انتظار و به کارگیری آن در میدان عمل منجر می‌شود.

پیشینه تحقیق

مقوله انتظار فرج از دیدگاه مقام معظم رهبری، در سال‌های اخیر تا حدی مورد مطالعه قرار گرفته است. ملکی راد، مبانی هستی‌شناسی انتظار را در منظومه فکری مقام معظم رهبری به بحث گذارده^۱ و الهی‌نژاد، اختیاری بودن ظهور را با رویکرد مثبت در اندیشه امام خامنه‌ای بررسی کرده است.^۲ خسروپناه و مؤمنی، اصول و مبانی حکمی قرآنی انتظار را از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی کاوش کرده‌اند^۳ و ملایی، ماهیت و مؤلفه‌های بنیادی انتظار را در اندیشه ایشان پژوهش کرده است.^۴

چنان که پیداست در پژوهش‌های پیشین، به مفهوم‌سازی و بعد آرمان‌گرایانه و فرجام‌گرایانه مقوله انتظار فرج از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، چندان پرداخته نشده است. هرچند، تحقیقات متعددی در زمینه تحلیل شناختی با جست‌وجو در اینترنت، قابل مشاهده است که تحقیقات مذکور، به لحاظ ماهیت این پژوهش، پیشینه آن به شمار نمی‌آیند و فقط به لحاظ روش،

۱. ملکی راد، مجله جامعه مهدوی، ش ۱، ص ۸۴.

۲. الهی‌نژاد، مجله جامعه مهدوی، ش ۱، ص ۳۳.

۳. همان، ص ۲۷.

۴. ملایی، مجله انتظار موعود، ش ۶۶، ص ۸۵.

پیشینه عام محسوب می‌شوند. به همین دلیل از آوردن آن‌ها صرف نظر می‌شود. شالوده فکری رهبر انقلاب اسلامی، گویای آن است که مقوله انتظار، مفهوم ساز، تمدن‌گرایانه و راهبردی فرجام‌گرایانه دارد که به خودیابی شناختی در مواجهه با مسائل نوپدید و خلق بینش تمدنی می‌انجامد.

۱. خودیابی شناختی در برابر مسائل نوپدید

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، «امامت» انسانی دویست و پنجاه ساله دیده شده است که غایت حرکت او «مهدویت» است. از دیدگاه ایشان، مقوله انتظار جزء لاینفک مهدویت است؛ آن هم مسئله‌ای که معماری و خط مشی آن را انبیا و ائمه پایه‌گذاری کردند تا در مسیر تکاملی تاریخ به سیر خود ادامه دهد. بر این مقوله، در روایات مختلف تأکید و فضایل پرشماری برای منتظران تعریف شده است؛ به گونه‌ای که انتظار، با مرگ پایان نمی‌پذیرد؛ زیرا از دیدگاه ائمه، مرگ منتظران در این راه، اخلاقی در اصل حرکت ایجاد نمی‌کند و مجاهدت آنان، حتی در صورت مرگ ایشان به ثمر خواهد نشست.^۱

از دیدگاه مقام معظم رهبری، تأکید روایات بر انتظار، توجه به غایت حرکت انسان دویست و پنجاه ساله است. این مسئله موجب خودیابی شناختی در مواجهه با مسائل نوپدید دوران غیبت می‌گردد و به منتظران کمک می‌کند تا به جایگاه و مسؤولیت خویش در ایجاد تمدن جدید اسلامی و حرکت در مسیر تکاملی تاریخ، توجه کنند و در مقابل مسائل نوپدید با حفظ هویت و ماهیت اسلامی خود، با یقین به تحقق وعده الهی در پی تغییر اراده انسانی در طرف اراده الهی باشند.

در بافت فکری امام خامنه‌ای و شناخت ایشان از لسان روایات، خودیابی منتظر و این‌که منتظر خود را بشناسد و درک کند که انتظار چه چیزی را می‌کشد، مسئله بسیار مهمی است. در گزارشی چنین مشاهده می‌شود:

۱. خزاز، کفایه الاثر، ص ۲۶۵.

امام صادق علیه السلام عملکرد عمار ساباطی را در دفاع از امامت و همراهی با ولایت رضایت بخش اعلام کردند و وقتی او علت این امر را از امام صادق جویا شد، آن حضرت به او فرمودند: «تو با سبقت بر دیگران در اطاعت از امام خویش و استقامت در مسیر ولایت، منتظر دولت حق هستی.» عمار که با خودیابی شناختی، دریافته بود در مواجهه با مسائل نوپدید چگونه به بهترین شکل ممکن امام را همراهی و به وظیفه‌اش درباره امامت عمل کند؛ از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند آیا رواست که با این وضعیت در شمار یاران قائم باشم؛ که امام صادق علیه السلام به او می‌فرماید: «آیا تو دوست نداری خداوند عدالت را در بلاد برقرار کند؟!»^۱

دقت در تعبیر «سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا مَا تُحِبُّونَ أَنْ يَظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَقُّ وَالْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ»؛^۲ نشان می‌دهد وجه قوت عملکرد عمار ساباطی نسبت به امامت، سازگاری عمل او با حرکت تمدنی ائمه و متناسب با سیر تکاملی و هدف غایی تاریخ است که اگر این سازگاری و تناسب، مورد توجه منتظران قرار گیرد، دل‌ها را متوجه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد کرد. لذا امام صادق علیه السلام انتظار او را ارزشمند دانسته و به او فرموده است: «لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ كَثِيرٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَأُحُدٍ فَأَبْشُرُوا.»^۳ تعبیر «فابشروا» در روایت گویای آن است که نگرش مذکور به انتظار، برای تحقق دولت حق، مسئله مهمی است که درک آن، منتظر را در جایگاه بالاتر از شهدای بدر قرار می‌دهد.

به همین دلیل، در بافت فکری مقام معظم رهبری، انتظار فرج به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن با ماهیت انتظار و مسئله مهدویت ناسازگار است و جامعه منتظر اگر در مقابل اتفاقات نوپدید، کنش‌گری تمدنی نداشته باشد و یا از اقدام اصلاحی برای بازگشت جامعه انسانی به مسیر حرکت تمدنی باز ماند، هویت خویش را نشناخته است. ایشان در این باره معتقدند: «این که انسان بنشیند دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را وجهه همت خود

۱. کلینی، کافی، ج ۱ ص ۳۳۵.

۲. همان.

۳. ص ۳۳۵.

نکند، صرفاً دل خوش کند به این که ما منتظریم، انتظار نیست.»^۱

۲. عقلانیت فرجام‌گرایانه در حرکت تاریخی

«عقلانیت و خردورزی» در اندیشه اسلامی مهم‌ترین شاخص امتیاز ایمان واقعی دانسته شده است.^۲ بررسی روایات نشان می‌دهد عاقل بودن پیروان ائمه برای آن‌ها از کثرت عمل ایشان مهم‌تر است. کثرت نماز، صدقه و حج، بدون عقلانیت، به آنان جایگاهی نمی‌بخشد.^۳ از آن‌جا که ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در حقیقت، ظهور کمال عقل است، انتظار ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در واقع و مقام عمل، انتظار تکامل عقول است.^۴

تبیین جنس و سنخ عقلانیت برآمده از ظهور، نیازمند تحقیقی مستقل است؛ اما با دقت در اندیشه اسلامی می‌توان دریافت که عقلانیت برآمده از ظهور، رسیدن به توحید، به عنوان هدف غایی ظهور و اطاعت از خداوند به عنوان ثمره آن است و عقلانیت سکولار مراد نیست؛ چنان که در زمان رسول خدا صلى الله عليه وآله شخصی نصرانی وارد نجران شد که از قدرت بیان و وقار و شکوه او حاضران به شگفت آمدند و گفتند این مرد چقدر عاقل است؛ اما پیامبر صلى الله عليه وآله آنان را از این بینش بر حذر داشتند و به ایشان فرمودند: «عاقل کسی است که به توحید رسیده است و از خداوند اطاعت می‌کند.»^۵ به این لحاظ، عقلانیت برآمده از ظهور، درک هدف غایی از ظهور و تلاش برای ایجاد جامعه اسلامی و تمدن توحیدی عاری از شرک و استکبار است.

از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی و با توجه به شناختی که ایشان از زبان روایات دارند، مقوله انتظار فرج، مفهومی مشیر به پرورش انسان‌هایی عاقل در مسیر حرکت تاریخ است که صف آن‌ها از خوارج و واقفه^۶ جداست و حکمرانی امام در نظر ایشان حاکمیت خداوند است که از

۱. خامنه‌ای، انسان دویست و پنجاه ساله، ص ۳۷۲.

۲. کلینی، کافی، ج ۱ ص ۱۱.

۳. همان، ص ۲۴.

۴. همان، ص ۲۵.

۵. حزانی، تحف العقول، ص ۵۴.

۶. در روایات از آن‌ها به عنوان «حمیر الشیعه» یاد شده است (کشی، رجال کشی، ص ۴۶۰).

طریق نظام امامت در اختیار بندگان قرار گرفته است تا با حرکت در مسیر تاریخ، تمدن جدید اسلامی را به فرجام شیرین خود برساند. در حقیقت، انتظار، ماهیتی سازنده برای عقلانیت فرجام‌گرایانه به شمار می‌آید که از امامت امام زمان خویش جدا نیست؛ چرا که انتظار، بدون رفتار عاقلانه برای جامعه منتظر در آینده پیش‌رو، آورده‌ای ندارد.

طبق روایات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید تا دفینه‌های عقول را استخراج کند و با تجمیع آن‌ها تکامل عقلانیت را تجلی بخشد. از این رو، انتظار فرج، مقوله‌ای برای طرح تجلی عقلانیت در فرجام تاریخ است. به این لحاظ، انتظار بدون عقلانیت، معنا و مفهومی ندارد و پیوند لازم را بین امام و جامعه برقرار نمی‌کند. در حقیقت، انتظار در پرتو تحلیل شناختی مقام مظم رهبری، دوری از «نکراء»^۱ است تا منتظر را در حوزه اقدام و عمل، از بدترین سوگیری شناختی منجر به امام‌ستیزی و ولایت‌گریزی در آینده تاریخ و هم‌زمان با ظهور بر حذر کند. مفهوم واقعی «عقلانیت» به گسستن از مدعیان دروغین، کنار گذاشتن خرافات و دوری از انحرافات و اختلافات در عرصه مهدویت منجر می‌شود. علاوه بر این، مخالفت با جهل که به عنوان مانعی بزرگ بر سر راه ظهور قرار گرفته است، به کمک عقل امکان‌پذیر است. دیدگاه امام خامنه‌ای در این باره چنین است:

جامعه ایده‌الی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را می‌سازد، بالا رفتن سطح اندیشه انسان است. هم اندیشه علمی انسان، هم اندیشه اسلامی انسان؛ یعنی در دوران ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شما باید نشانی از جهل و بی‌سوادی و فقر فرهنگی پیدا نکنید. آن‌جا مردم می‌توانند دین را به درستی بشناسند.^۲

۳. تلقی و فهم اخلاقی از انتظار

دقت در هدف غایی ظهور، نشان می‌دهد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌آید تا صف حزب شیطان و

۱. «نکراء» در روایات به ترفندهای معاویه برای ستیز با امامت اطلاق شده است.

۲. خامنه‌ای، انسان دویست و پنجاه ساله، ص ۳۳۹.

دشمنان اسلام را از دوستان آن جدا و زمین را لوث و وجود مستکبران تطهیر کند.^۱ از این منظر، مقوله انتظار ایجاد تحول اخلاقی و تخلق به محاسن اخلاقی است؛^۲ چنان که امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَام نیز التزام به محاسن اخلاقی را از یاران خود مطالبه می‌کند.^۳ از این رو، نادیده گرفتن پیوندهای دینی و اعتقادی در مقوله انتظار، گرفتار شدن به خطای تعارض رفتار با مفهوم است.

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، مقوله انتظار فرج، تلقی به اخلاق است. نظام شناختی ایشان، بر روایات و لسان اهل بیت مبتنی است که در آن‌ها تمام خیر و از بین رفتن بی‌اخلاقی در ظهور آن حضرت دانسته شده است.^۴ انتظار فرج با اعتقاد راسخ به امامت و رعایت تعهدات اخلاقی و اعتقادی، تمدن جدید اسلامی را سامان می‌بخشد و منتظر با روشن بینی در مسیر تکاملی تاریخ گام می‌نهد.

در بافت ذهنی رهبر انقلاب، انتظار بدون اخلاق، مفهومی ناقص از انتظار است که توان برقرار کردن پیوند با امام خویش را هم ندارد، چه رسد به این که او را یاری کند و در مقابل دشمنانش بایستد. به همین سبب، جامعه منتظر نمی‌تواند بدون ترسیم مرزهای اخلاقی جامعه‌ای آرمان‌گرا و مؤثر بر ایجاد تمدن جدید اسلامی باشد و به صرف منتظر بودن، هرگونه بد اخلاقی را با خود داشته باشد.

در بیانات مقام معظم رهبری، در خصوص این مطلب آمده است:

سربازی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد.^۵

۱. صدوق، امالی، ص ۶۳۲.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

۳. ابن طاووس، التشریف بالمنن، ص ۱۴۹.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۶.

۵. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان - ۱۳۸۱/۷/۳۰

۴. توجه به اراده انسانی در ستیزش تاریخی حق و باطل

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مسئله مهدویت، حرکت در مسیر تاریخ و سیر تکاملی آن، با توجه به نقش اراده‌های انسانی است. اسلام، گستره تاریخ و مسیر آن را در ستیزه‌جویی حق و باطل و ظلم و بی‌عدالتی، غلبه حق بر باطل و تحقق عدالت در پایان این ستیزش می‌داند که به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد.^۱

به همین سبب، این مسئله بسیار حائز اهمیت است که اراده انسانی از انتظار فرج به چه چیزی تعلق گرفته است. به تعبیر ساده، منتظران، چه چیزی را انتظار می‌کشند. آیا انتظار آنان برای این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و آنان صرفاً خواسته‌های شخصی خود را از او مطالبه کنند که طبعاً در این حال، به این نکته می‌اندیشند تا منویات انسانی به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اجرا شود و یا به فکر آن هستند که اراده خود را به اراده امام زمان متعلق کنند و دقیقاً همان چیزی را اراده کنند که او اراده کرده است.

در منظومه فکری مقام معظم رهبری، اراده انسان‌ها برای انتظار فرج، زمانی مثمر است که اراده انسانی به چیزی تعلق گیرد که اراده الهی به آن تعلق دارد. با شناختی که مقام معظم رهبری از روایات دارند، تعلق اراده انسانی به منویات انسانی و انتظار فرج برای دستیابی به آرزوی‌های صرفاً انسانی، با هدف غایی تاریخ‌سازگار است و بین آن و تمدن اسلامی سختی وجود ندارد؛ چنان که زمانی که قوم بنی اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام خواستند تا نزول باران به اراده ایشان باشد، به محصول دست نیافتند و از این که متضرر شده بودند، به سراغ موسی رفتند تا دلیل آن را بیابند که به حضرت موسی وحی شد آن‌ها به تقدیر الهی راضی نشدند و نتیجه اراده خود را دریافت کردند.^۲

در بافت فکری مقام معظم رهبری، بدون شک، اراده انسانی برای ظهور باید با فرجام تاریخ و متناسب هدف غایی آن هماهنگ باشد و این اتفاق بدون برنامه‌ریزی و تجمیع اراده‌ها حاصل

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۶۳.

نخواهد شد. از این رو، چشم دوختن به لحظه شگفتی‌ساز ظهور، بدون در نظر گرفتن اراده انسان‌ها، خطای شناختی بزرگی است که با حاکمیت توحید سازگاری ندارد؛ چنان که امام خامنه‌ای فرموده‌اند: «یکی از نشانه‌ها یا ارکان توحید، نبودن ظلم و نبودن بی‌عدالتی است.»^۱ از دیدگاه امام خامنه‌ای، لسان روایات با تأکید بر نقش اراده انسان‌ها در سیر حرکت تاریخ به سوی فرجام شیرین خود، این ذهنیت را ایجاد می‌کند که انتظار، اراده تحقق عدالت جهانی است. در سخنان ایشان اینگونه آمده است:

حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر می‌کنید؟ «الذی یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً»؛ نمی‌گویید که «یملاً الله به الارض دیناً». ... اگرچه قسط و عدل متعلق به دین است؛ اما هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می‌کند. این نظام اسلامی که به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجب‌ترین کارهاست.^۲

البته در منظومه فکری مقام معظم رهبری، خواستن رفاه و آرامش و آسایش با انتظار در تعارض نیست؛ اما مهم، توجه به این نکته است که اراده انسانی مثمر، باید با هدف غایی تاریخ هماهنگ و سازگار با تمدن جدید اسلامی باشد که در صورت این اتفاق، جامعه به رفاه نیز دست خواهد یافت؛ لکن آنچه این مسیر را هموار می‌کند توجه به مبارزه حق و باطل است که در صورت تعلق اراده انسانی به آن، انسان‌ها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند.

۵. نهادینه سازی بینش ظلم ستیزی

آنچه جامعه اسلامی و مهدویت را از سایر جوامع و اندیشه‌ها متمایز می‌کند، «هویت» آن است. هویت انتظار ایجاب می‌کند که منتظران با غایت و مبانی مهدویت هماهنگ و از آشوب

۱. رهبر انقلاب، دیدار قشرهای مختلف مردم، نیمه شعبان، ۱۳۷۸، khamene. ir.

۲. رهبر انقلاب، دیدار قشرهای مردم، نیمه شعبان، ۱۳۸۱، khamene. ir.

گسست‌های فرهنگی و تعارض‌های فرهنگی در امان باشند. به این لحاظ، بسیار مهم است که منتظران عیناً در پی مطالبه همان حقیقتی باشند که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای آن ظهور می‌کند. با دقت در دیدگاه امام خامنه‌ای در می‌یابیم آنچه به انتظار ارزش می‌بخشد و آن را در صدر اعمال امت پیامبر قرار می‌دهد، لحظه شماری و صبوری برای حل مشکلات شخصی و منطقه‌ای نیست، بلکه انتظار به معنای دقیق و وسیع آن، برای نابود کردن ظلم در سرتاسر جهان است. در حقیقت، انتظار ظهور برای حل مشکلات شخصی، از سوگیری‌های شناختی در این زمینه است. به همین لحاظ، ائمه علیهم السلام، افرادی را که از ظلم خسته شده بودند و تحمل طاقت‌فرسای آن را انتظار می‌پنداشتند گرفتار سویه شناختی و خارج از زمره منتظران می‌دانستند؛ چنان که وقتی حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام به منظور رهایی از گرفتاری درباره ظهور سؤال کرد؛ امام هشتم بدون این که پاسخ دقیقی به او بدهند، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را شخصیتی معرفی می‌کنند که زمین را از هرگونه جور پاک می‌کند و ریشه هر نوع ظلم را می‌خشکاند.^۱

در پرتو تحلیل شناختی انتظار از دیدگاه مقام معظم رهبری، ادراک صحیح مقوله انتظار، مانع سپر بلا قرار دادن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، در برابر مشکلات شخصی است؛ چراکه مفهوم انتظار فرج، در حقیقت، ریشه‌کن شدن ظلم از جهان و تطهیر زمین از هر گونه ظلم و جور است. با این نگرش، انتظار، مبارزه با ظلم در سرتاسر جهان است و منتظر در تلاش است تا ماهیت عمل خود را با قلع و قمع کردن ظلم و جور هماهنگ کند و این، همان معنای صحیحی است که می‌توان برای انتظار تعریف کرد و در روایات بر آن تأکید شده است.^۲ در سخنان امام خامنه‌ای در این زمینه آمده است:

امام زمان، جامعه‌اش را بر چندین پایه بنا می‌کند: اولاً، بر نابود کردن و قلع و قمع کردن ریشه‌های ظلم و طغیان؛ یعنی در جامعه‌ای که در زمان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ساخته می‌شود، باید ظلم و جور نباشد؛ نه این‌که فقط در ایران نباشد، یا در

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۷۲.

۲. همان، ص ۳۳۶.

جوامع مسلمان نشین نباشد؛ در هیچ کجای دنیا نباشد؛ نه ظلم اقتصادی و نه ظلم سیاسی و نه ظلم فرهنگی و نه هیچ گونه ستمی در آن جامعه، دیگر وجود نخواهد داشت. باید استثمار و اختلاف طبقاتی و تبعیض و نابرابری و زورگویی و گردن کلفتی از عالم ریشه کن شود.^۱

۶. انتظار فرج و خلق بینش تمدنی

از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی، انتظار فرج، با مهدویت در هم تنیده شده است. به تعبیر ایشان:

مسئله انتظار که جزء لاینفک مسئله مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است.^۲

به این لحاظ، در دیدگاه رهبر انقلاب، مقوله انتظار فرج، کلید واژه اصلی فهم دین است و توجه به آن، ذهن را در درک حقایق نهفته در ورای انتظار یاری می‌بخشد. در بافت ذهنی امام خامنه‌ای این مقوله، مسئله‌ای تمدن‌ساز و فرجام‌گرایانه است که به کنشگری تمدنی و بسیج اراده عمومی منجر می‌شود.

الف) انتظار فرج و کنش‌گری تمدنی

در اندیشه اسلامی، حرکت تاریخ و تحقق آرمان‌های الهی جبری نیست و اراده انسان، در رسیدن به قله‌های پیشرفت، دارای تأثیر بسزایی است. لذا خداوند متعال به انسان‌ها بشارت داده است در صورت مبارزه با طاغوت و انابه و عبادت خداوند، وعده الهی محقق خواهد شد.^۳ در دیدگاه مقام معظم رهبری، انتظار فرج جریانی تمدن‌ساز است که به بازسازی امت اسلام و تحقق وعده الهی می‌انجامد. در سخنان امام خامنه‌ای آمده است:

۱. خامنه‌ای، انسان دوپست و پنجاه ساله، ص ۳۳۹.

۲. دیدار با اقشار مختلف مردم، نیمه شعبان، khamene. ir، ۱۳۸۷.

۳. زمر: ۱۸.

من با اطمینان کامل می‌گویم این هنوز آغاز کار است، و تحقق کامل وعده‌ی
 الاهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه
 است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
 اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ
 بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
 الْفَاسِقُونَ»^۱.

ب) انتظار فرج، راهبردی برای بسیج اراده‌های عمومی

مقام معظم رهبری با منظومه فکری جامع الاطراف به مهدویت می‌نگرند. این منظومه فکری
 بر یک نظام شناختی مبتنی است که تحقق ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن دارای نقشه راه و
 خط مشی مشخصی است که در مسیر تکامل تاریخ جریان دارد تا وعده الاهی محقق شود. در
 این میان، آنچه شیعه و جامعه منتظر را از توقف و ایستایی در مسیر باز می‌دارد و به پیوند آن با
 ولایت استمرار می‌بخشد، «انتظار» است. بدون شک اگر واقفه و سایر فرقه‌های انحرافی به
 تحلیل شناختی انتظار رسیده بودند، از حرکت در مسیر تکاملی تاریخ و ایجاد تمدن جدید اسلامی
 و هدف غایی باز نمی‌ماندند.

در حقیقت، انتظار «سرمایه اجتماعی» و راهبردی برای بسیج اراده عمومی است که جامعه
 اسلامی را جریان‌های انحرافی و گرایش به واقفه‌رهایی می‌بخشد و در مسیر تکاملی تاریخ به
 حرکت در می‌آورد تا تمدن جدید اسلامی را بنا دهد و زمینه ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم آورد.
 در بافت فکری مقام معظم رهبری انتظار فرج، جریانی تمدن ساز و منتهی به جامعه توحیدی
 است. ایشان بر این باورند:

این مردم هستند که جامعه توحیدی را ایجاد می‌کنند و اگر از بنده خدا کاری بر
 نمی‌آید، خدا انبیا را بسیج نمی‌کرد. مردم را به پیروی از انبیا دعوت نمی‌کرد، این
 که ما فکر کنیم تفکر انقلاب و اصلاح جامعه به دست امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به تنهایی

۱. دیدار با جوانان خراسان شمالی، khamene. ir، ۱۳۹۱.

است، بدون این که از مردم کاری ساخته باشد؛ غلط است.^۱

دقت در توجه رهبر انقلاب به لسان روایات نشان می‌دهد بدون شک، مقوله انتظار باید با هدف غایی فرجام‌گرایانه و با تمدن جدید اسلامی سازگار باشد تا بتواند انتظار را از قالب‌های خودساخته و به اصطلاح کلیشه‌ای خارج کند و در مسیر حرکت تکاملی تاریخ قرار دهد.

از منظر مقام معظم رهبری، قانع بودن به وضع موجود با انتظار سازگاری ندارد؛ چرا که اگر بنا بود وضع موجود همان وضع مطلوب منتهی به ظهور باشد، توصیه و تأکید بر انتظار از سوی ائمه معنا نداشت. همچنین خسته شدن از وضع موجود و مشاهده ظلم و جور که بشر را مقهور کرده است، بدون تغییر آن؛ راهکار تسریع ظهور به شمار نمی‌آید. خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۲

در حقیقت، مقوله انتظار، باور به لزوم تغییر، اقدام عملی در زمینه تغییر، اراده تغییر از سوی مردم و تحقق تغییر از سوی خداوند است که به بازسازی جامعه اسلامی، تمدن‌گرایی جدید اسلامی و در نهایت، به ظهور می‌انجامد. در پرتو تحلیل شناختی انتظار در دیدگاه مقام معظم رهبری، انتظار فرج، راهبردی برای بسیج اراده عمومی است تا با پیوند آن به امامت و ولایت، جامعه اسلامی را در مسیر تکاملی تاریخ حرکت دهد. این حرکت هماهنگ با هدف غایی تاریخ و با تمدن‌گرایی جدید اسلامی سازگار است تا مقدمات ظهور را فراهم آورد. به این لحاظ، انتظار فرج، تفکری راهبردی برای ایجاد تمدن جدید اسلامی و شاخصی برای ارزیابی تمدن‌گرایی اسلامی است.

در منظومه فکری امام خامنه‌ای که بر نظام شناختی دریافتی از روایات مهدویت مبتنی است، تحقق ظهور بدون تغییر وضع موجود نفی شده است و بر تمیز و تمحیص و آزمایش جامعه در دوران غیبت تأکید شده است.^۳ تعبیر «لَا يَكُونُ الَّذِي تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْتَاقَكُمْ حَتَّىٰ تُمَخَّصُوا»؛

۱. خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی، ص ۷۴.

۲. رعد: ۱۱.

۳. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۹.

گویای آن است که با قانع بودن به وضع موجود، بدون آن که تمدنی جدید شکل بگیرد، اتفاق خاصی روی نخواهد داد و این وضعیت با انتظار سازگاری ندارد.

چنان که انتظار در منظومه فکری مقام معظم رهبری عبارت است از:

انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب که مسلّم با دست قدرت‌مند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن مهدی صاحب زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمٰنِ تحقق پیدا خواهد کرد.^۱

به همین دلیل، وقتی عبدالحمید واسطی خدمت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید و به آن حضرت گفت کسب و کار خود را به خاطر انتظار فرج کنار گذاشتیم و نزدیک است بعضی از ما دست نیاز به سوی دیگران دراز کند؛ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ اقدام او را تأیید نکرد.

آن حضرت برای این که سوگیری شناختی او را درباره انتظار به چالش بکشد، به او فرمود: «رَحِمَ اللهُ عَبْدًا حَبَسَ نَفْسَهُ عَلَيْنَا رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا.»^۲ تأکید بر احیای امر، گویای آن است که انتظار، جریان تمدن‌گرایانه‌ای است که به بازسازی امت اسلامی منجر می‌شود تا وعده الهی درباره آن محقق شود؛ چرا که انتظار فاقد تمدن‌گرایی و دور از هدف غایی؛ مقوله‌ای است مخرب و مخدر که به از کار انداختن جامعه اسلامی منجر می‌شود.

از دیدگاه امام خامنه‌ای، اگر جامعه منتظر، به هدف غایی انتظار توجهی نداشته باشد، با سوگیری شناختی در این زمینه مواجهه می‌شود و با توقف در آغاز راه، ذهن خود را بر معنای سطحی انتظار متمرکز می‌کند و با تخدیر فکر، به انتظاری منفعلانه تن می‌دهد که نه تنها در آن، تلاش برای ظهور و احیای امر اهل بیت دیده نمی‌شود، بلکه به ابزار کنترلی دشمن تبدیل و موجب تن دادن به ظلم و فساد می‌شود.

چنان که در دیدگاه رهبر انقلاب آمده است:

اگر جامعه بخواهد تمام نیروهایش را در یک جهت، به سوی یک هدف، بر علیه

۱. خامنه‌ای، انسان دویست و پنجاه ساله، ص ۳۳۷.

۲. برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۷۳.

قدرت‌های ضد اسلامی، بسیج کند، به یک نقطه قدرت متمرکز در متن جامعه اسلامی احتیاج دارد که تمام نیروها به آن بپیوندند، از او الهام بگیرند و از او تبعیت کنند؛ آن شخص امام است. او همانند دیده بان نیرومندی است که می‌تواند هرکس را در جبهه جنگ به کار مخصوص خود بگمارد. دیگران چنین قدرتی ندارند.^۱

براین اساس، تحلیل شناختی انتظار فرج، ذهن را از خطر تخدیر رهایی می‌بخشد و مقوله انتظار را به هدف غایی آن معطوف می‌کند تا با توجه به فرجام شیرین تاریخ، اراده انسان‌ها را برای ایجاد تمدن جدید اسلامی و تحقق وعده الهی به حرکت در آورد.

ج) انتظار فرج، سرمایه اجتماعی برای ظهور

بدون شک، انتظار فرج، برای گشایش مشکلات شخصی غفلت از مفهوم اصلی انتظار و هدف غایی آن است که گویای ناسازگاری خواست مردم با مطالبه امام است. این نگرش از سوی امام علی علیه السلام مورد انتقاد، از امت زمانش واقع شده است.^۲ در حقیقت، در این نگرش به اراده انسانی با رویکرد تمدنی به انتظار، توجهی دیده نمی‌شود.

ادراک حقیقت انتظار فرج، به عنوان خاستگاه اجتماعی نه فردی برای ظهور؛ به اندازه‌ای مهم است که وقتی ابی بصیر از امام صادق علیه السلام سؤال کرد امر فرج چه زمانی واقع می‌شود؛ امام صادق علیه السلام به او فرمود: «آیا تو هم از آنان هستی که در پی دنیا هستند؟!»^۳ تعبیر «وَأَنْتَ مِمَّنْ يَرِيدُ الدُّنْيَا» در روایت، نشان می‌دهد عده‌ای از منتظران هستند که با شاخص قرار دادن موقعیت خود، انتظارشان را متناسب با ظهور، ارزیابی و برای ظهور لحظه شماری می‌کنند تا به منافع شخصی خود دست یابند و حال آن‌که این انتظار به دلیل عدم سازگاری با جریان تمدن‌گرایی اسلامی و بازسازی امت اسلام فاقد ارزش است.

۱. خامنه‌ای، انسان دویست و پنجاه ساله، ص ۶۹۵.

۲. رضی، نهج البلاغه، ص ۱۹۴.

۳. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

زبان شناسی امام خامنه‌ای از روایات، گویای آن است که این افراد به سوگیری شناختی مورد تأیید خود، درباره مسئله انتظار گرفتار شده‌اند و مقوله انتظار را راهبرد بسیج کردن جامعه برای آماده سازی ظهور نمی‌دانند؛ در حالی که انتظار فرج، «سرمایه اجتماعی ظهور» است.

تأکید بر انتظار فرج، به عنوان برترین اعمال امت پیامبر ﷺ، نه بهترین اعمال فرد مؤمن؛ مشیر به این واقعیت است که بعد اجتماعی انتظار بر بعد فردی آن برتری دارد. امام خامنه‌ای در این زمینه معتقدند:

در جامعه‌ای که در زمان ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ساخته می‌شود، باید ظلم و جور نباشد؛ نه این‌که فقط در ایران نباشد؛ یا در جوامع مسلمان نشین نباشد. در هیچ کجای دنیا نباشد؛ نه ظلم اقتصادی و نه ظلم سیاسی و نه ظلم فرهنگی و نه هیچ‌گونه ستمی در آن جامعه، دیگر وجود نخواهد داشت. باید استثمار و اختلاف طبقاتی و تبعیض و نابرابری و زورگویی و گردن کلفتی از عالم ریشه کن شود.^۲

از نظر رهبر انقلاب، مقوله انتظار، فراتر از باور اعتقادی و تکلیف فردی است و به قدرتی اجتماعی اشاره دارد که علاوه بر این که خود فرج و گشایش امر منتظران به شمار می‌آید، بستر ظهور را فراهم می‌آورد. در حقیقت، انتظار خاستگاه اجتماعی ظهور است و امت اسلامی را در مسیر مطالبه انتظار، نه فقط برای آنان، بلکه برای جهانیان، به حرکت در می‌آورد.

در پرتو تحلیل شناختی انتظار از دیدگاه مقام معظم رهبری، می‌توان دریافت تا زمانی که انتظار به عنوان مسئله‌ای فردی مورد توجه قرار گیرد، به ظهور امام زمان نمی‌انجامد. شاهد این ادعا آن است که افراد متعددی را می‌توان یافت که آماده ظهور بودند و حتی توفیق تشریف به محضر امام مهدی (ع) را داشته‌اند؛ ولی انتظار آنان با این که ذره‌ای انحراف در آن نبوده، ظهور را در پی نداشته است. انتظار فقها، نمایان عام آن حضرت و بسیاری از افراد خودساخته را می‌توان از این سنخ دانست. از آن‌جا که به رغم تعدد آنان، انتظار ایشان بعد اجتماعی نداشته

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۲ ص ۶۴۴.

۲. خامنه‌ای، انسان دویست و پنجاه ساله، ص ۳۳۹.

است، ما شاهد ظهور آن حضرت نبوده‌ایم. در حقیقت، انتظار با این شکل به هم‌افزایی جامعه به عنوان سرمایه‌ای برای ظهور منجر نمی‌شود.

از دیدگاه ائمه علیهم‌السلام، مقوله انتظار، بزرگ‌ترین فرج دانسته شده است. تعبیر «انتظار الفرج من اعظم الفرج»^۱؛ گواه این است که انتظار فرج، خود خاستگاه فرج است. سنخ‌شناسی روایات انتظار و ذهنیت مقام معظم رهبری درباره آن‌ها به جامعه منتظر کمک می‌کند تا از تمرکز ذهنی منفی بر فتنه‌های دوران غیبت و سوگیری فاجعه‌سازی از فساد آخرالزمان در ذهن، اجتناب کند و به انتظار، به عنوان فرصتی برای پایان دادن به جولان طاغوت بنگرد. جامعه با این تحلیل می‌تواند وقوع فرج در مواجهه با هر مشکلی را از ذهن خود عبور دهد و از خطای شناختی بن‌بست انگاری در مشکلات دوران غیبت رهایی یابد.

از منظر مقام معظم رهبری، انتظار فرج، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین رفتار عصر غیبت است که در روایات مهدویت بر آن تأکید شده است. آنچه در این زمینه با رویکرد تحلیل شناختی ایشان اهمیت دارد، توجه به وسعت مفهومی انتظار است. در حقیقت، تحدید مفهوم انتظار به ظهور، ادراک‌گزینشی و گرایش به نتیجه‌گرایی در این زمینه است که از سوگیری‌های شناختی به شمار می‌رود؛ چرا که انتظار فرج، از دیدگاه ائمه علیهم‌السلام، حتی اگر به ظهور منجر نشود، راهبردی برای گشایش امور است. تعبیر «مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ»^۲؛ گویای آن است که هدف غایی انتظار، به ظهور امام مهدی محدود نشده است و آثار آن قبل از ظهور را نیز شامل می‌شود. به این لحاظ، معطوف دانستن انتظار به ظهور، به خطای شناختی بن‌بست انگاری در مشکلات غیبت منجر می‌شود. در سخنان رهبر انقلاب، با اشاره به این مطلب، آمده است: «انتظار فرج، یعنی در همه کارهایی که مشکلی وجود دارد، باید فرض وقوع فرج مورد نظر ما یکی از فرض‌های مسلمی باشد که هست؛ بن‌بست انگاری خیلی بد است»^۳.

۱. صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

۳. رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان، khamene. ir، ۱۴۰۲.

مقام معظم رهبری با سنخ‌شناسی زبان روایات انتظار، این مقوله را فرجام‌گرایانه و به فرجام‌شیرین تاریخ ناظر دانسته و براین باورند:

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای دارد. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی این‌که بشر اگر می‌بیند که طواغیت عالم ترک‌تازی و چپاول‌گری می‌کنند و افسار گسیخته به حق انسان‌ها تعدی می‌کنند، نباید خیال کند سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور شود بالاخره چاره‌ای نیست و بایستی به این وضعیت تن داد؛ نه، بدانند که این وضعیت گذراست: «للباطل جوله». آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت آن است، استقرار عدل است. وقتی به ما می‌گویند منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل‌گشوده شدن است. فرج یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار فرج می‌آموزد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان، ناامید دست روی دست بگذارد.^۱

۱. خامنه‌ای، انسان دویست و پنجاه ساله، ص ۳۵۵.

نتیجه‌گیری

توجه به منظومه فکری مقام معظم رهبری درباره انتظار فرج، درکی صحیح و عمیق از این مقوله، فراروی جامعه منتظر قرار می‌دهد و توجه به آن، نقشه راهی پیش روی آن می‌نهد که موجب رهایی از سوگیری‌های شناختی درباره انتظار فرج می‌گردد. از نظر امام خامنه‌ای، انتظار فرج، مقوله‌ای است مفهوم ساز، فرجام‌گرایانه و سازگار با جریان تمدن‌گرایی اسلامی. درک صحیح این مقوله، مانع از شکاف اعتقادی درباره انتظار می‌شود و سد راه شک و تردید و انحراف از عقیده مهدویت می‌گردد.

در بافت ذهنی امام خامنه‌ای، انتظار فرج، کلیدواژه مهم فهم معارف مهدویت و تلقی فهم اخلاقی و اعتقادی است. این مقوله، راهبردی برای بسیج اراده‌های عمومی است که به بازسازی جامعه اسلامی، ایجاد جریانی تمدن‌گرا و فرجام‌گرایانه می‌انجامد؛ بن‌بست‌های اجتماعی در پرتو آن گشوده می‌شود و سرمایه‌ای اجتماعی برای ظهور پدید می‌آید.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **امالی**، کتاب چپی، تهران، ۱۳۷۶.
۲. _____، **کمال الدین و تمام النعمه**، نشر الاسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی، **تحف العقول**، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن طاووس، سید علی، **التشريف بالمنن فی تعريف الفتن**، صاحب الامر، قم، ۱۴۱۶ ق.
۵. برقی، احمد بن محمد، **محاسن**، نشر دار الکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۷۱.
۶. خامنه‌ای، سید علی، **انسان ۲۵۰ ساله**، صهباء، تهران، ۱۳۹۰.
۷. _____، **طرح کلی اندیشه اسلامی**، مؤسسه ایمان جهادی، تهران، ۱۳۹۲.
۸. خزاز، علی بن محمد، **کفایه الاثر، بیدار**، قم، ۱۴۰۱.
۹. رضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، صبحی صالح، هجرت، قم ۱۴۱۴ ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، **غیبت**، دارالمعارف، قم، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العين**، قم، هجرت، ۱۴۰۹.
۱۲. کشی، محمد بن عمر، **رجال الکشی**، مؤسسه ال البيت، قم، ۱۳۷۱ ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. ملایی، حسن، **ما منتظریم**، بنیاد فرهنگی مهدی موعود، قم، ۱۳۹۶.
۱۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم **غیبت**، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
۱۷. ملایی حسن، **انتظار موعود**، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۶۶، محسن قرائتی، روح الله شاکری، ۱۳۸۰.
۱۸. الهی نژاد، **جامعه مهدوی**، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره ۱، نجف لک زایی، حسین الهی نژاد، ۱۳۹۸.
۱۹. حاجی زاده، محمد، **دوفصلنامه بازی جنگ**، شماره ۱۰، دانشگاه فرماندهی آجا. ستاد آجا، ۱۳۹۸.

ظرفیت فضای مجازی در بستر سازی همگرایی منتظران موعود

خلیل الله احمدوند^۱

پگاه امیری^۲

حمیدرضا شهبازیان^۳

چکیده

اعتقاد به ظهور منجی، در آموزه‌های بسیاری از ادیان الهی به چشم می‌خورد و همین امر می‌تواند به عنوان اصل مشترکی برای اتحاد پیروان این ادیان به کار رود. به همین دلیل، یافتن بستری برای همگرایی منتظران از اهمیت بالایی برخوردار است و لذا فضای مجازی به علت ظرفیت‌های بالای خود، از قبیل تسریع در انتقال اطلاعات، دسترسی آسان و وسعت مخاطبان؛ بدون تردید یکی از بهترین میدان‌ها برای اثرگذاری در این امر است. این پژوهش به صورت «توصیفی-تحلیلی» نگاشته شده و در پی پاسخ به این پرسش است که نقش فضای مجازی در همگرایی منتظران چیست و چگونه این فضا موجب تقویت یا تضعیف همگرایی منتظران می‌گردد؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که فضای مجازی می‌تواند در دو بعد مثبت و منفی تاثیر داشته باشد و سبب «همگرایی» یا «واگرایی» منتظران گردد. به عبارت دیگر، دغدغه‌مندان برقراری حکومت مصلح جهانی می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت فضای مجازی، امکان همگرایی منتظران منجی را از طریق اشاعه فرهنگ آینده‌پژوهی، تبیین وظایف منتظران، تبلیغات دینی و ... فراهم کنند. از سوی دیگر، فضای مجازی می‌تواند با تردیدافکنی به واسطه مشتبه کردن حق و باطل، ایجاد ناامنی‌های اخلاقی و ... سبب به تأخیر انداختن همگرایی منتظران، یا ایجاد واگرایی گردد.

واژگان کلیدی: موعودگرایی، همگرایی منتظران، حکومت مصلح جهانی، فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی.

ahmadvandkha@gmail.com

۱. هیات علمی دانشگاه رازی (نویسنده مسئول).

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه رازی کرمانشاه. Amiri.pegah1373@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق، دانشگاه رازی کرمانشاه. hamidreza.shahbazian@gmail.com

مقدمه

بیش تر ادیان الهی، تقریباً در یک نکته متفق القول هستند که نجات بخشی خواهد آمد و آنان را از ظلم می‌رهاند، و جامعه‌ای پر از عدل را به وجود خواهد آورد. هندوها انتظار دهمین تجلی ویشنو یا کالکی را دارند؛ بودایی‌ها ظهور بودای پنجم را منتظرند؛ یهودیان به جز مسیح (ماشیح) نجات دهنده‌ای نمی‌شناسند؛ مسیحیان، فارقلیط را می‌طلبند و دست آخر، مسلمانان به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قائل هستند (حسینی‌آصف، ۱۳۸۴، صص. ۱۵۰-۱۵۱). بنابراین «موعودگرایی»، آموزه مشترک بیش تر ادیان به شمار می‌رود و در همه ادیان و مکاتب در کنار فرجام‌شناسی، دارای نقش محوری و کلیدی است (امامی، تاج‌آبادی و خورشیدنام، ۱۳۹۵، ص ۶۷) و موجب همگرایی منتظران خواهد شد.

«فضای مجازی»، بالأخص شبکه‌های اجتماعی با ویژگی‌های بی‌نظیری همچون دسترسی آسان، وسعت اطلاعات، تنوع مخاطبان و سرعت بالا، به راحتی می‌تواند زندگی بشر را تحت تأثیر خود قرار دهد و تحولات مثبت و منفی عدیده‌ای را ایجاد کند. از سوی دیگر، ویژگی جهان شمولی، فرامنطقه‌ای، فرانژادی و فراقومی بودن اندیشه موعودگرایی می‌تواند توسط شبکه‌های اجتماعی، به درستی تبیین، معرفی و تبلیغ شود و در نتیجه موجب همگرایی منتظران و زمینه‌سازی برای حکومت مصلح جهانی گردد و یا آن‌که با غفلت از این ظرفیت، آثار سوء و تفرقه افکنانه‌ای را در میان منتظران بر جای گذارد.

با توجه به اهمیت اعتقاد به مهدویت در همه ادیان، اهمیت و کاربرد فضای مجازی در انتقال مفاهیم مهدویت و منجی و نیز تحقیقاتی که صورت گرفت؛ این پژوهش در پی پاسخ به سؤالات ذیل به روش «توصیفی-تحلیلی» نگاشته شده است:

پیشرفت تکنولوژی به خصوص فضای مجازی، دارای چه نقشی در همگرایی منتظران است؟ فضای مجازی و به طور خاص شبکه‌های اجتماعی، چگونه موجب تقویت یا تضعیف همگرایی منتظران می‌گردد؟

در این پژوهش، ابتدا مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه مسئله پژوهش صورت می‌گیرد و سپس متغیرهای مؤثر بر همگرایی منتظران تبیین می‌شود و در مرحله بعد به تبیین

موعود و منجی باوری و همگرایی منتظران مبتنی بر این اعتقاد به واسطه بررسی نقش‌های مثبت و منفی فضای مجازی پرداخته و در نهایت نتایج تحلیل ارائه می‌شود.

در زمینه موعودگرایی و فضای مجازی، پژوهش‌های مجزایی صورت گرفته است. در ذیل به نزدیک‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته با پژوهش پیش‌رو اشاره شده است:

عرفان (۱۳۹۴)، در کتاب «رسانه و آموزه مهدویت»، ضمن اشاره به اهمیت و جایگاه رسانه در روزگار کنونی، به رابطه دین و رسانه پرداخته و در ادامه به بررسی تأثیر رسانه به طور عام بر آموزه‌های مهدویت و نیز راهکارها و راهبردهای معارف مهدوی اشاره کرده است.

الهی‌نژاد (۱۳۸۷)، در کتاب «اتحاد و همگرایی در پرتو مهدویت و موعودگرایی»، به بررسی اتحاد و ابعاد آن به عنوان عامل استحکام و استواری جامعه، دیدگاه‌های علمای شیعه و اهل سنت در مورد وحدت و در انتها به نقش وحدت در همگرایی پرداخته و در فصل مجزایی به همگرایی مسلمانان در باور به مهدویت اشاره کرده است.

صادق‌نیا و لطفی (۱۳۹۷)، در مقاله «تحلیل کارکردی موعودباوری و نقش آن در تولید همگرایی در ادیان ابراهیمی» به بررسی نظریه همگرایی بر مبنای موعودباوری در میان ادیان ابراهیمی پرداخته و در ادامه به ویژگی‌های مشترک موعودباوری، از جمله خدا محوری و انکار حکومت غیر خدا اشاره کرده است.

شایان ذکر است که اکثر پژوهش‌های صورت گرفته، یا به طور مجزا به بررسی مباحث فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، مباحث همگرایی و موعودگرایی پرداخته، یا به نقش رسانه به صورت عام در مبحث مهدویت اشاره کرده‌اند؛ اما در این پژوهش با روش «توصیفی-تحلیلی» سعی بر آن است که به بررسی نقش مثبت و منفی فضای مجازی، در همگرایی منتظران پرداخته شود. از جنبه‌های مثبت فضای مجازی، می‌توان به تبیین همگرایی بر مبنای موعود-باوری، تبیین فرهنگ آینده‌پژوهی به واسطه این فضا و ارائه الگوی زندگی منتظرانه، به منظور آمادگی فکری، فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد. ناامنی‌های اخلاقی، سوء استفاده از بدعت‌های دینی و ... به عنوان جنبه‌های منفی در همگرایی منتظران هستند که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و تاکنون پژوهش مستقلی در این باره صورت نگرفته است.

بدنه اصلی مقاله

انسان فطرتاً موجودی است ارتباط طلب و پایه‌های فضای مجازی نیز بر تقویت و احیای فضای ارتباطی استوار است. با توجه به فراگیر بودن فضای مجازی و گسترش روزافزون کاربران آن و عدم محدودیت مکانی و زمانی و با عنایت به این که «عصر ظهور»، دوران علم و اندیشه، پیشرفت و رشد، ارتباطات سریع و همگانی است؛ لذا باید از ظرفیت بی نظیر فضای مجازی، به خصوص شبکه‌های اجتماعی در جهت تبلیغ و ترویج آموزه‌های مهدویت برای همگرایی منتظران در سطح جهانی بهره جست. این مهم، با شناخت دقیق عملکرد فضای مجازی و بررسی نقش آن در همگرایی جهانی منتظران همراه است. لذا برای تبیین بحث و پیشبرد مطلب نیاز است به چند مفهوم کاربردی در این باره اشاره گردد.

۱. فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی مجازی و کارکردهای آن

«فضای مجازی» یا «سایبر» در لغت متشکل است از دو واژه «فضا» و «مجازی» و بر اساس یکی از مشهورترین تعاریف صورت گرفته، عبارت است از: «قلمرویی جهانی در بستر محیط اطلاعاتی متشکل از شبکه‌های به هم وابسته‌ای از زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و داده‌های ساکن، شامل اینترنت، شبکه‌های مخابراتی، سیستم‌های کامپیوتری، و پردازنده‌ها و کنترل کننده‌های تعبیه شده»^۱.

به عبارتی، می‌توان فضای مجازی را، جهان ارتباط متقابل رایانه‌ها و جامعه حاصل از این ارتباط‌ها دانست^۲ که در این فضا، ارتباط افراد از طریق رایانه و از راه دور، بدون توجه به جغرافیای فیزیکی است.^۳ از جمله بسترهایی که امکان این نحو از ارتباط را فراهم می‌آورند،

۱. هاشم‌زادگان و غلامی، نقد و بررسی مبانی فقهی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در پالایش فضای مجازی (فیلترینگ)، ص ۶۵۵.

۲. تاجیک و کاظمی، رابطه فضای مجازی (اینترنت) با تغییرات فرهنگی و دینی کاربران مدیریت فرهنگی، ص ۲۰.

۳. عسکرزاده و جوادیان نیک، تأثیرات فرهنگی فضای مجازی در عرصه دین، ص ۱۰۶.

می‌توان به شبکه‌های اجتماعی، نظیر اینستاگرام، واتساپ و تلگرام.. اشاره کرد.^۱

اگر پیدایش «اینترنت» را در پایان هزاره دوم، مهم‌ترین اتفاق تاریخ بنامیم؛ می‌توان ظهور «شبکه‌های اجتماعی» را یکی از بزرگ‌ترین تأثیرات این پدیده در آغاز هزاره سوم دانست. این شبکه‌ها، برنامه‌هایی کاربردی یا سیستم عامل‌های مبتنی بر «وب» هستند که امکان انواع ارتباط بین کاربران را از طریق اطلاعات، دیدگاه‌ها، پیام‌ها، تصاویر و... فراهم می‌کنند.^۲ خدمات شبکه اجتماعی امروزه بیش‌تر بر جامعه مجازی آنلاین و ارتباطات کامپیوتر واسط، متمرکز است.^۳

یکی از نظریه‌پردازان مشهور علوم ارتباطات، معتقد است که هر اندازه ارتباطات انبوه‌تر، پیچیده‌تر و عملیاتی‌تر باشد، دسترسی بهتری به اطلاعات وجود دارد و برای مشارکت در عرصه‌های عمومی فرصت‌های بیش‌تری برای مردم به وجود می‌آید و توانایی افزون‌تری برای تحمل جریان‌های سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد.^۴

در واقع، شبکه‌های اجتماعی برای افزایش و تقویت تعاملات اجتماعی در فضای مجازی طراحی شده و از طریق برنامه‌های کاربردی مختلف، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.^۵ شناخت سواد رسانه‌ای و سواد فضای مجازی، موجب آشنایی کاربران با ویژگی‌ها و کارکردهای این فضا، و بهره‌مندی صحیح از آن در همگرایی منتظران موعود می‌گردد. برخی به اشتباه، فضای مجازی را با اینترنت یا دیگر شبکه‌های حاصل از فناوری ارتباطات و

۱. سورین و تانکارد، نظریه‌های ارتباطات، ج ۱، ص ۲۶.

۲. سعادت، محمدی و شیری، بررسی تأثیر وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر برندسازی مقصدهای گردشگری (مورد مطالعه: گردشگران خارجی استان خوزستان، ص ۴۵-۴۶).

۳. معمار، عدلی پور و خاکسار، شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)، ص ۱۵۷.

۴. تقی پور، محمد طاهری و سلطانی فر، رابطه سواد رسانه‌ای با میزان پذیرش شایعات در بین مخاطبان شبکه‌های اجتماعی، ص ۹۶.

۵. لندرانی، رسولی و پورشهریاری، رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با رفتارهای پرخطر دانشجویان، ص ۳۰-۲۹.

اطلاعات یکسان دانسته و گاهی، سواد رسانه‌ای را همان سواد مجازی قلمداد کرده‌اند.^۱ سواد رسانه‌ای، به مخاطبان رسانه‌ها می‌آموزد که از حالت انفعالی خارج و به معادله متقابل و فعالانه-ای وارد شوند و مخاطب به نحو هوشمندانه‌ای از رسانه‌ها بهره‌مند گردد. سواد فضای مجازی، فهم ویژگی‌ها و ارکان فضای مجازی و دقت در استفاده بهینه و صحیح آن قلمداد می‌گردد.^۲ بنابراین، همان‌طور که اشاره شد، برای دستیابی به سواد فضای مجازی، می‌باید به ویژگی‌های فضای مجازی و کارکردهای مهم شبکه‌های اجتماعی اشراف پیدا کرد که برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: بسیج‌کنندگی و سازماندهی، حلقه‌های مخاطبان، چند رسانه‌ای بودن، ادغام فناوری‌ها، جهانی بودن، جست‌وجو شدن، اطلاع‌رسانی و خبررسانی، شفاف شدن^۳، جذابیت، تنوع مخاطبان به لحاظ مرزهای جغرافیایی و فکری، مشارکت فعال، آزادی اطلاعات و ارتباطات و فضای باز گفت‌وگو.

این نوع ارتباطات، در کاهش معضله‌های ترافیکی، آلودگی صوتی، آلودگی هوا، هزینه‌های حمل و نقل، محدودیت زمانی و مکانی، افزایش سرعت انتقال اطلاعات، سرعت شیوه‌های ارتباطی، دسترسی به اطلاعات و ... بسیار مؤثر است.^۴

البته شبکه‌های اجتماعی، با وجود فواید بسیار، دارای کارکردهای منفی نیز هستند که شناخت این کارکردهای منفی می‌تواند ما را در شناخت کامل شبکه‌های مجازی در جهت دستیابی به سواد فضای مجازی یاری رساند. برخی از این کارکردهای منفی مختصراً عبارتند از: رعایت نکردن شئون عفت، هرزه‌بینی و هرزه‌نگاری، توهین، انتشار اطلاعات خصوصی افراد، ارتباط احساسی با غیرهمجنس و مشتبه شدن حق و باطل و ...^۵

۱. آزادی احمدآبادی، فتحعلی و خیامی، تعریف و واکاوی مفهوم سواد رسانه‌ای با آن، ص ۵-۲۸.

۲. همان.

۳. لندرانی، رسولی و پورشهریاری، رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با رفتارهای پرخطر دانشجویان، ص ۳۲-۳۳.

۴. میرزایی، صدیقی و صفری قهرودی، بررسی ویژگی‌های ارتباطی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تاثیر آن‌ها بر روابط اجتماعی کاربران ص ۲۲۶.

۵. خان محمدی و شاملی، نقش خانواده در رصد و کنترل اخلاقی فرزندان در شبکه‌های اجتماعی، ص ۴۸۶.

پس از اطلاع و شناخت نسبی از معنای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، آگاهی از معنای همگرایی نیز مورد نیاز است تا زمینه ورود به بحث فراهم شود که در ادامه به آن می‌پردازیم:

۲. همگرایی بر مبنای موعود باوری

«همگرایی» روندی است که بر مبنای آن، گروه‌های مختلف به سبب منافع مشترک با حفظ استقلال داخلی خود تشکیلات جدیدی را می‌آفرینند که فعالیت‌های آن به نفع تمامی اعضا است. به نظر می‌آید واژه همگرایی در امور مختلفی به کار برده می‌شود؛ اما در اصل به مسائل فرهنگی مربوط است.

«همگرایی فرهنگی» نوعی فرآیند تغییر است که طی آن، مشخصه‌های دگرسان در فرهنگ اقوام و ملت‌های مختلف، با گذشت زمان به گونه‌ای به هم نزدیک می‌شوند که همه آن‌ها به نسبت بالایی از همانندی می‌رسند؛ بی‌آن‌که هیچ‌گونه عامل تاریخی، نظیر مهاجرت یا فرهنگ‌پذیری در این همانند شدگی‌ها دخالتی داشته باشد. در همگرایی، پدیده‌های مورد بحث، مشخصه‌های فرهنگی‌اند که هر چند از لحاظ جغرافیایی از یکدیگر جدا هستند؛ شباهت آن‌ها به هم چنان است که گویی خاستگاه مشترکی دارند.^۱

اکنون و پس از شناخت مفاهیم و مبانی نظری، همگرایی منتظران را از رهگذر فضای مجازی مورد بررسی قرار می‌دهیم؛ اما نخست باید دانست آیا اعتقاد به وجود یک منجی و نجات بخش در ادیان و مکاتب مختلف وجود دارد و چگونه می‌توان این اعتقاد را وسیله همگرایی قرار داد؟ موعودگرایی، آموزه مشترک بیش‌تر ادیان به شمار می‌رود که در کنار فرجام‌شناسی، نقش محوری و کلیدی داشته و دارد.^۲

«منجی باوری»، یعنی اعتقاد به این‌که نجات‌دهنده‌ای در راه است که نظم فعلی را دگرگون

۱. لطفی، صادق‌نیا، کلباسی و مفتاح، نقش موعود باوری در همگرایی ادیان ابراهیمی، ص ۱۸.

۲. امامی، تاج‌آبادی و خورشید نام، موعودگرایی در غرب از اعتقاد تا انتقاد سیری در مبانی و مفاهیم موعود پژوهی معاصر، ص ۶۷.

خواهد کرد و حکم‌فرمایی رحمت و صلح جهانی را به جای آن خواهد نشانند.^۱

اعتقاد مشترک به آمدن منجی موعود و بنیانگذار حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی؛ در ابعاد بسیار گسترده در کتاب‌های مقدس و ادیان بزرگ به چشم می‌خورد و در این دنیای تاریک از ظلم و فساد، دری را به سوی نور امید و نوید ظهور مصلح جهانی بر دل جهانیان می‌گشاید.^۲ لذا باتوجه به این‌که شناخت و بینش انسان، شالوده‌گرایی‌ها و رفتارهای وی است، در گام نخست، موعودباوری باید به ایجاد بینش مشترک در ادیان ابراهیمی منجر گردد تا بتواند بر همگرایی این ادیان، مؤثر واقع شود.

اگر باور اعتقادی بین پیروان ادیان، مشترک باشد؛ این عنصر مشترک می‌تواند در استحکام روابط و تقویت پیوند در میان پیروان ادیان تأثیر داشته باشد. بنابراین، باور به ظهور منجی، به رغم اختلافاتی که در کیفیت ظهور و نامگذاری شخص منجی است؛ فصل مشترک همه ادیان می‌باشد و می‌تواند با جمع کردن مردم حول محور خودش، شبکه مستحکمی از روابط را ایجاد کند و به استحکام روابط و همگرایی در میان آن‌ها منجر شود.^۳ بنابراین، باور مشترکی که فرهنگ انتظار از طریق باور به منجی موعود، نوید آن را می‌دهد؛ می‌تواند پیروان ادیان را در محور خودش جمع کند و زبان و فرهنگ مشترکی را پدید آورد و اعتماد بیش‌تر مردم نسبت به همدیگر را موجب گردد و در سایه آن، نظم اجتماعی نیز تقویت و تثبیت شود.^۴

«موعودگرایی» در اوضاع نابسامان اجتماعی معاصر می‌تواند تئوری جدیدی ارائه کند که ضمن نامشروع و نامعقول دانستن وضع موجود، به آموزه‌های انقلاب‌آفرین برای تغییر این وضعیت تبدیل شود. باور به موعود، به معنای اعتراض به «وضع موجود» و معرفی «وضع مطلوب» است.^۵

۱. لطفی، صادق نیا، کلباسی و مفتاح، نقش موعود باوری در همگرایی ادیان ابراهیمی، ص ۱۶-۱۷.

۲. عرب، منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام، ص ۱۶۷.

۳. ملکی راد و حسن زاده، نقش فرهنگ انتظار در تقویت سرمایه اجتماعی، ص ۷۰.

۴. همان، ص ۵۰.

۵. صادق نیا و لطفی، تحلیل کارکردی موعودباوری و نقش آن در تولید همگرایی در ادیان ابراهیمی، ص ۷۹.

جان هیک معتقد است: «همه ادیان بزرگ و متکامل جهانی به نوعی، ساختاری نجات-شناسانه دارند. در این ادیان، عقیده به انتقال از یک حیات اساساً معصیت بار به وضعیتی کاملاً امیدبخش و بهتر وجود دارد.»^۱ و با توجه به این که اندیشه انتظار و منجی گری، اندیشه ای جهانی و فراملیتی است که تمام قلمروهای جغرافیایی و انسانی را در بر می گیرد و در پایان تاریخ، بشر از برکات و دستاوردهای آن بهره مند می شود؛ اعتقاد به منجی مصلح جهانی برای جامعه بشری، سرمایه ای ارزشمند تلقی می گردد.^۲

پیروان تمام ادیان و مذاهب اعتقاد دارند که در یک مقطع تاریخی که وضع جهان تیره و تاریک و جامعه بشری با بحران روبه رو می شود، فساد و ظلم و بی دینی همه جا را فرا می گیرد. در این وقت است که یک منجی با تأیید دست غیبی ظهور می کند و ریشه ظلم و فساد را از جهان بر می کند. این مژده و نوید، هم در کتاب های آسمانی یهود و نصارا و کتاب مقدس زرتشتیان آمده است و هم در کتاب های مقدس دیگر ادیان و مذاهب دیده می شود. همه ادیان بر عقیده به منجی موعود به سر می برند و هر ملتی، او را به لقبی مخصوص می شناسد.^۳

اندیشه موعودباوری با برجسته کردن عناصر مشترک ادیان الهی، از ظرفیت بسیار بالایی برای تقریب و همزیستی مسالمت آمیز میان ادیان مختلف برخوردار است^۴ و تردیدی نیست که فضای مجازی با ویژگی های پیش گفته، می تواند نقش ویژه ای در این زمینه ایفا کند و سبب همگرایی منتظران گردد.

۳. نقش فضای مجازی در همگرایی منتظران موعود

دین گریزی و دین ستیزی، یکی از مهم ترین چالش های ادیان در جامعه امروزی است. این

۱. هیک، فلسفه دین، ج ۱، ص ۲۵.

۲. حبیبی نژاد و حیاتی، انتظار ظهور منجی آخرالزمان در ادیان الهی (زرتشت، یهود، مسیحیت)، ص ۴۸-۴۹.

۳. مقوله مهدویت و اعتقاد به منجی موعود، برگرفته از سایت <http://313adine.ir>.

۴. محمدی و ذریه، موعود باوری به مثابه مبنایی جهان شمول در شکل گیری تمدن اسلامی (از منظر قرآن و کتب مقدس)، ص ۵۲.

وضعیت موجود، اهمیت و توجه به همگرایی را هویدا می‌کند. برای تحقق همگرایی، باید بر مفاهیمی تأکید کرد که بیش‌ترین شباهت را میان آن‌ها نشان می‌دهد. موعودباوری و نجات فرجام‌بخش جهان توسط منجی، آموزه مشترکی است که می‌تواند بستر مناسبی در این زمینه را فراهم کند.^۱

امروزه فضای مجازی نیز چنان گسترش یافته که بخشی از زندگی انسان‌ها شده است؛ تا حدی که در برخی موارد، اجرای امور روزمره بدون آن دشوار خواهد بود. در عین حال، این فضا نیز به مثابه دیگر ابزار، جنبه‌های مثبت و منفی فراوانی دارد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «فضای مجازی، دنیایی رو به رشد، وسیع و غیرقابل توقف است که فرصت‌های بزرگ، در عین حال تهدیدهایی را هم می‌تواند به همراه داشته باشد.»^۲

بنابراین، شناخت درست این فضا و نوع استفاده از آن می‌تواند اهداف مثبت و سازنده را با سرعت بالا و در سطح گسترده‌تری تحقق بخشد.^۳ همچنین عدم شناخت آن و سوء استفاده دشمنان از آن، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به بار خواهد آورد.

۴. نقش مثبت و مؤثر فضای مجازی بر همگرایی منتظران موعود

اعتقاد به منجی موعود در همه ادیان، به عنوان عقیده‌ای مشترک می‌تواند حلقه اتصالی بین افراد جوامع مختلف با فرهنگ‌های گوناگون، ایجاد کند تا به این وسیله بتوانند با هم مرتبط و متحد شوند و استغاثه همگانی طلب منجی موعود را در سراسر جهان طنین‌انداز کنند.

با توجه به این‌که دین، برنامه‌ای مدون برای بهبود زندگی بشر است و به زندگی حقیقی محدود نیست، بلکه زندگی مجازی را نیز در برمی‌گیرد؛ از این رو، می‌توان از فرصت‌های فضای مجازی برای پیشبرد اهداف دینی، از جمله اعتقاد مشترک به موعود باوری، بهره‌برد.^۴ در همین

۱. لطفی، صادق نیا، کلباسی و مفتاح، نقش موعود باوری در همگرایی ادیان ابراهیمی، ص ۲۴۶.

۲. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، بی تا.

۳. نجفی و واحدی، فرصت‌های فضای مجازی رویکرد دینی-آموزشی، ص ۳۲.

۴. همان، ص ۴۲.

زمینه و با بهره‌گیری از شیوه‌های ذیل در شبکه‌های اجتماعی می‌توان زمینه‌های همگرایی هرچه بیش‌تر منتظران را فراهم آورد:

۱.۴. اشاعه فرهنگ آینده‌پژوهی

«آینده»، پایدارترین آموزه‌ای است که مورد توجه ادیان الهی، به خصوص اسلام بوده است که برخی از تعالیم و آموزه‌های آن، در زمینه آینده و متوجه ساختن انسان‌ها به فرجام جهان است.^۱

با توجه به عطش فزاینده افکار عمومی به اندیشه نجات‌بخش و آینده‌ساز، ضرورت بسط اندیشه انتظار منجی موعود، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؛ زیرا بشر معاصر در فضایی زندگی می‌کند که از یک سو به نجات‌بخشی برای رسیدن به سعادت تمایل فطری دارد و از سوی دیگر، هیچ آهنگ روح‌افزا و آرام‌بخشی که بتواند به ندای درونی و استغاثه فطری‌اش پاسخ دهد؛ نمی‌یابد. در چنین وضعیتی، به نظر می‌رسد عملیاتی کردن اندیشه «انتظار ظهور» و طرح «ایده حکومت عدل جهانی»، به عنوان اساسی‌ترین نیاز انسان معاصر، می‌تواند پاسخ‌گوی خلأ کنونی باشد؛ زیرا قرار دادن این طرح در مدار گفتمان جهانی، زمینه‌های فکری ضرورت چنین تبدیلی را در اذهان پدید خواهد آورد و انتظار عمومی را از اندیشه‌های متزلزل و نامتوازن، به سمت اندیشه عقلانی، فطری و جامع‌نگر، سوق خواهد داد.^۲

عصر حاضر، عصر آینده‌پژوهی توسط فضای مجازی است؛ تصویرپردازی و مدیریت آینده؛ یکی از راهبردهای اساسی برای اداره دهکده جهانی و توسعه حکومت مصلح جهانی به‌شمار می‌آید.

امروزه سرعت تحولات اطلاعات به شیوه‌ای است که این اطلاعات به بصیرت تمامی قشرها و سازمان‌ها برای رویارویی با آینده‌ای محتمل و مرجح نیازمند است. بشر به طور فطری در پی آینده‌ای روشن است و رسیدن به این آینده، در گرو شناساندن منجی حقیقی از منجی کاذب

۱. کارگر، آینده‌پژوهی مهدوی، ص ۱۹.

۲. عرفان، راهکارهای غلبه پیام مهدوی بر فرهنگ عامه پسند در رسانه‌ها، ص ۴۲-۴۳.

است که در صورت همراهی با سنت‌ها و قوانین الهی و توجه به نشانه‌هایی که از آینده در معارف دینی مطرح شده است، می‌تواند جامعه را به سوی تصویرپردازی متعالی سوق دهد و زمینه‌های رشد معنوی و پیشرفت را نیز فراهم کند.

متخصصان امر می‌توانند به بهترین شکل از ظرفیت فضای مجازی بهره ببرند و با بارگذاری اطلاعات و منابع مرتبط با آینده‌پژوهی برای گروه‌هایی با گرایش‌های مختلف، ذهن‌ها را به خود معطوف کنند و آن‌ها را در کشف حقیقت یاری دهند. افزون بر آن، با توجه به این‌که بیش‌ترین کاربران و مخاطبان اینترنت را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند و بخشی از اوقات روزانه آنان به این محیط اختصاص دارد؛ طبعاً آنان بیش از سایر قشرها در معرض تأثیرپذیری فرهنگی قرار دارند و این ارتباط می‌تواند زمینه تعالی و افزایش معلومات و رشد مهارت‌های مختلف آن‌ها را فراهم سازد^۱ و از سوی دیگر آنان را در معرض آسیب‌های اخلاقی و روانی قرار دهد.

۲.۴. اشاعه فرهنگ انتظار

«انتظار»، امید به آینده و حاکمیت مطلق حق در تمام جهان در آخرالزمان؛ یکی از مسائل حیاتی اسلام است.^۲ انتظار، به معنای چشم به راهی، حرکت رو به جلو، نظر و تأمل داشتن به آینده، قرار گرفتن در جهت و مسیر درست است. انتظار در چشم‌انداز آینده پژوهی، از حالت چشم به راهی و امید بستن صرف به آینده فراتر می‌رود و به آینده‌نگری، یعنی تأمل و جست‌وجو در حوادث و شناخت و معرفت درست اوضاع و رویدادها تبدیل می‌شود. مهم‌ترین رکن انتظار، شناخت درست آینده و مسئولیت‌شناسی برای رسیدن به وضعیت مطلوب است که می‌توان از آن با عنوان «علم‌الانتظار»، «انتظار پویا» و «انتظار مثبت و سازنده» یاد کرد.^۳

در فرهنگ شیعی، انتظار، صرفاً چشم به راهی ناشی از حالت روحی روانی معمول و متعارف نیست، بلکه ناشی از نوعی اعتقاد درونی و محرک است که به بیرون سرایت می‌کند و به عمل

۱. حیدری دهکردی، ظرفیت‌های فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان، ص ۶۳-۶۴.

۲. هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۱۹۴.

۳. غفاری، مقیمی و پور عزت، الگوی مناسب خط مشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی مبتنی بر آینده موعود، ص ۱۷.

می‌انجامد. در واقع، مفهومی هدایت‌بخش است که به تصمیمات و اقدامات عملی اصلاح‌گرایانه در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی منجر می‌گردد.

محتوا و مفاهیم دینی را می‌توان از طریق فضای مجازی، به تمام جوامع بشری ابلاغ کرد؛ زیرا در این فضا، مخاطبان و کاربران از سایر مناطق جهان به صورت تعامل دوسویه و گفتمان مجازی می‌توانند با هم در ارتباط باشند.^۱

متولیان دغدغه‌مند می‌توانند با کمک گرفتن از استادان، فرهنگیان، طلاب و متخصصان و با استفاده از قابلیت‌های متنوع شبکه‌های اجتماعی در قالب‌های مختلف، فرهنگ انتظار را حول دو محور «ارائه الگوی سبک زندگی منتظرانه» و «ایجاد آمادگی فکری، فرهنگی و اجتماعی» در فراسوی مرزها اشاعه و جهانی کنند؛ به نحوی که باعث همگرایی آن‌ها و در نتیجه زمینه‌ساز ظهور حکومت واحد جهانی شود.

۳.۴. ارائه الگوی سبک زندگی منتظرانه

فضای مجازی، فضای جدیدی برای شکل‌دهی نوعی زندگی (که زندگی دوم نامیده می‌شود) در اختیار بشر قرار می‌دهد که براساس آن، فرد می‌تواند با چهره مطلوب و دلخواه خود در این فضا حضور پیدا کند و با دیگران به تعامل بپردازد.^۲

جامعه منتظر باید از تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های خود نهایت بهره را ببرد و الگوی سبک زندگی ویژه‌ای ارائه کند؛ زیرا جامعه‌ای که در انتظار ظهور منجی به سر می‌برد، لازم است خود را به اهداف جامعه موعود نزدیک و در ابعاد مختلف بینشی، ارزشی و رفتاری با اندیشه مهدویت سنخیت پیدا کند و در آن مسیر گام بگذارد و از این جهت، سبک زندگی متناسب با آن را رقم بزند.^۳

۱. حیدری دهکردی، ظرفیت‌های فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان، ص ۶۸.

۲. بیدی، شریفی نیا و حاتمی، تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی، ص ۲۰.

۳. ضمیری، کارگر و ملکی راد، کارکرد مهدویت در ارائه الگوی سبک زندگی اسلامی، ص ۸.

۴.۴. ایجاد آمادگی فکری، فرهنگی و اجتماعی

یکی از وظایف مهم منتظران، آمادگی برای پذیرش حکومت واحد جهانی است؛ یعنی رسیدن به مرحله‌ای از تاریخ که در آن، همه انسان‌ها زیر پرچمی واحد گرد آیند، سلاح‌های وحشتناک از جهان برچیده شود، طبقه‌بندی به استعمارگر و استعمارشده از میان برود، کشمکش‌ها و بازی‌های خطرناک سیاسی و نظامی ابرقدرت‌ها برای همیشه به دست فراموشی سپرده شود و رقابت‌های ناسالم و ویرانگر اقتصادی، جای خود را به تعادل همگانی انسان‌ها در راه بهتر و پاک‌تر زیستن بدهد. باید سطح افکار مردم جهان، چنان بالا برود که بدانند «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیایی»، مسئله قابل توجهی در زندگی بشر نیست و تفاوت رنگ‌ها، زبان‌ها و سرزمین‌ها نمی‌تواند نوع بشر را از هم جدا کند. پس تعصب‌های قبیله‌ای و گروهی باید برای همیشه از بین برود و اندیشه واهی «نژاد برتر» زایل شود.

مردم جهان باید از ستم‌های موجود خسته شوند و تلخی این زندگی تک بعدی را احساس کنند و نهایتاً، برای انقلابی همه‌جانبه بر اساس ارزش‌های جدید، آمادگی لازم را در خود به وجود آورند.^۱ بنابراین، شایع شدن گفتمان مهدویت بین سطوح فکری جوامع مختلف و توجه استراتژیک به اخبار غیبی آخرالزمان، بستر فرهنگی مناسبی می‌طلبد. بعضی رسوبات غلط فرهنگی یا تلقی‌های اشتباه دینی می‌تواند موانعی برای جلوگیری از پیدایش این بستر فرهنگی باشد.^۲

نخستین وظیفه انسان منتظر، خودسازی و تربیت جسم و روح خویش و کسب آمادگی لازم برای ظهور است؛ چرا که حکومت صالحان، نیازمند افراد صالح است. بنابراین، هر فرد باید در تهذیب نفس خویش، کوشش لازم را انجام دهد. یعنی هر شخص باید در کسب علم، معرفت و ایمان کامل کوشش کند که به فضایل اخلاقی نایل و صاحب تقوا و ورع الهی شود و نفس خود را

۱. در انتظار خورشید (وظایف منتظران)، برگرفته از سایت <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3282/4303/34829>

۲. قنبریان، رویکرد استراتژیک به ظهور، ص ۱۹۸.

از همه آلودگی‌ها برهاند.^۱

شیوه‌های خودسازی را می‌توان به وسیله برگزاری دوره‌های دورهمی آنلاین با عناوین مختلف در شبکه‌های اجتماعی مجازی، یا از طریق معرفی آثار مرتبط در این زمینه و بارگذاری آن در گروه‌ها و کانال‌های مجازی، یا پرسش و پاسخ مجازی با حضور استادان مجرب آموزش داد. با توجه به این‌که مستکبران جهانی در پی این هستند که مخاطب را به مسائل زودگذر و امیال پوچ مشغول و از رسیدن به زندگی سعادت‌مندانه دور کنند؛ مبلغان هوشمند و متخصص با بهره‌گیری از توان و ظرفیت شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان خادمانی فرهنگی با تولید محتواهای مفید و جذاب، در قالب سخنرانی، کلیپ مذهبی، عکس نوشته، حکایت، نثر ادبی، داستان کوتاه و موعظه‌های دینی به اشاعه فرهنگ انتظار پردازند، و با این شیوه، امکانات لازم را برای همگرایی سایر منتظران در سراسر جهان و زمینه تشکیل حکومت مصلح جهانی فراهم آورند.

بنابراین، با بهره‌گیری از امکانات فضای مجازی و با استفاده از دور راه ارائه الگوی سبک زندگی منتظرانه و ایجاد آمادگی فکری، فرهنگی و اجتماعی، می‌توان فرهنگ انتظاری پویا و فعال را در جهان گسترش داد و بدین وسیله سبب تقریب و همگرایی منتظران در سراسر جهان فارغ از دین و اعتقادات ایشان شد.

۵.۴. امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر»، از مهم‌ترین واجبات دینی است که شارع مقدس، شرایطی برای تحقق وجوب آن بیان کرده است. چهار شرط اصلی امر به معروف و نهی از منکر، عبارتند از: علم و آگاهی، احتمال تأثیر، اصرار بر گناه و نبودن ضرر و مفسده. شرط پنجم نیز با عنوان عدالت، توسط برخی از فقها بیان شده است. یکی از عرصه‌های امر به معروف و نهی از منکر در عصر فناوری، فضای مجازی است. با توجه به این‌که این فضا نیز همسو با فضای واقعی پیش

۱. حسینی مطلق، راه وصال، ج ۱، ص ۱۶۳.

می‌رود، شرایط وجود امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، همان شرایط وجود آن در فضای حقیقی است که فقها بر آن تأکید دارند؛ هر چند از حیث چگونگی عملکرد، تذکر زبانی، فعلی و سایر موارد تفاوت‌هایی میان آن دو وجود دارد.^۱

همچنین با عنایت به این‌که مهم‌ترین عرصه مبارزه با دشمن و جهاد در عصر کنونی، فضای مجازی است؛ حضور فعال در این عرصه، برای مقابله با اهداف سوء سازندگان غربی این فناوری‌ها باید در اولویت ملت‌های مسلمان، از جمله نیروهای فعال و بانگیزه جوان قرار گیرد.^۲ با توجه به این‌که بیش‌تر کاربران فضای مجازی را قشر جوان تشکیل می‌دهند، این انحراف به ایجاد آثار مخربی در جامعه منجر می‌شود. این، در حالی است که نهادهای سیاست‌گذار و متولیان برای این مسئله برنامه‌ای روشن و روش‌مند تدوین نکرده و یا به این امر اهتمام ندارند. بنابراین، فضای مجازی با توجه به احتمال اثر و حوزه تأثیر آن، بستر مناسبی برای امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شود تا از طریق آن بتوان هویت و سبک زندگی ناب اسلامی را ترویج کرد. لذا شناخت شیوه‌های صحیح آن مبتنی بر فضای ارتباطی و تعاملی نو، امری ضروری است.^۳

با روشن شدن جایگاه فعلی اجرای امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، بهره‌گیری از دو راهبرد اصلی شناخت و تبیین معروف و منکر در فضای مجازی و آموزش و تبلیغ این دو؛ می‌تواند وضعیت را در آینده رو به بهبود سوق دهد.^۴ لذا منتظران موعود، هم خود باید اعمال نیک انجام دهند و از منکرات دوری کنند و هم امر به معروف و نهی از منکر برای دیگران باشند، تا بدین وسیله، افراد به تدریج به جرگه منتظران موعود بپیوندند و این حلقه روز به روز وسیع‌تر گردد.

۱. آسمانی بیگدلی و امامیان، شرایط امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، ص ۱۵۵.

۲. قاسمی سیانی، شبرودی و اسحاقیان ریزی، ضرورت جهاد در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی، ص ۳۹.

۳. رمضانی و برزویی، راهبردهای امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، ۱۱۵.

۴. همان، ص ۱۴۱.

۶.۴. تبلیغات اندیشه منجی

عمده ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی (مستقیم یا غیرمستقیم)، در اختیار مستکبران است. آن‌ها به عنوان مبدع این فضا، به گونه‌ای عمل کرده‌اند که اولاً، خودشان حداکثر استفاده از این فضا را ببرند و ثانیاً، به نحو چشمگیری بر فعالیت دیگران در این فضا نظارت کنند تا جایی که هر گروه و دسته‌ای که خارج از این جبهه باشد، هم برای فعالیت خود به دشمن، نیاز و وابستگی فناورانه‌ای دارد و هم این‌که اگر در محدود مواردی بتواند با تکیه بر دانش خود از زیر سلطه مستکبران بیرون بیاید، باز هم به دلیل برتری‌های متعدد دشمن در این زمینه، فعالیت آن‌ها در معرض خطر دائم قرار دارد.

لذا باید به گونه‌ای رفتار کرد که تبلیغ در این فضا بتواند از دید دشمن مخفی بماند، یا لاقلاً حساسیت او را برانگیخته نکند و همچنین بتواند به‌رغم برتری سخت‌افزاری دشمن، جریان‌های مختلفی را همسو با اندیشه‌های متعالی به راه بیندازد و این‌مطلب، ضرورت تبلیغ در فضای مجازی را آشکار می‌کند.^۱

یکی از فرصت‌ها و امتیازات خاص فضای مجازی، مانایی مطالب و محتوای ارائه شده در این فضا است. مطالب تبلیغی، به این معنا که اگر در تبلیغ سنتی، مطالب در همان زمان ارائه، برای عده خاص حاضر، قابل استفاده است؛ تبلیغ اینترنتی این محدودیت را ندارد و مخاطب هر زمان که بخواهد، می‌تواند به مطالب دسترسی داشته باشد. همچنین علاوه بر مخاطبان بالفعل که مطالب را مستمراً پیگیری می‌کنند؛ مخاطبان بالقوه‌ای وجود دارند که از راه‌های دیگری، مطالب را مشاهده و استفاده می‌کنند.^۲

۵. بایسته‌های تبلیغ اندیشه منجی موعود در عرصه جهانی:

▪ ستادهای تبلیغات دینی باید اندیشه منجی را واقع‌بینانه و مطابق با نیازهای بین‌المللی و با

۱. حسینی صفا و غیاثوند، ظرافت‌ها و عوامل تأثیرگذار تبلیغ دین در بستر فضای مجازی، ص ۸۵-۸۶.

۲. حیدری دهکردی، ظرفیت‌های فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان، ص ۷۰.

ادبیات جهانی و امکانات پیشرفته، ارائه کنند؛

▪ در صحنه بین‌الملل، در تبلیغ اندیشه منجی باید تا حد ممکن بر مشترکات تکیه کرد. به عنوان نمونه، باورداشت منجی در ادیان و تکیه بر اشتراکات در این زمینه، بسیار راه‌گشا است. در ترویج اندیشه منجی بیش از تکیه بر استدلال، بایستی آن را با عواطف انسانی آمیخته کرد؛

▪ تبیین و ترویج اصول، آرمان‌ها، و نیازهای گم‌شده بشر در عرصه بین‌الملل که اندیشه منجی پاسخگوی آن است؛ همچون عدالت جهانی، صلح جهانی، امنیت جهانی، رفاه عمومی، رشد و بلوغ فکری و تعالی و کرامت انسانی، در این زمینه راه‌گشا خواهد بود؛

▪ تلاش رسانه‌ای در جهت بازترسیم دستاوردهای عظیم عصر ظهور، نظیر فرهنگ‌سازی جامع در عصر ظهور، بازسازی کرامت انسانی و گسترش بندگی خدا؛

▪ موعود شناسی تطبیقی ادیان، از جمله موضوعات مفید در این عرصه است.^۱

بنابراین، تبلیغ اندیشه منجی موعود که مؤلفه مشترک بسیاری از ادیان است. آن هم در فضای مجازی با خاصیت جهان شمولش. به طور قطع می‌تواند منتظران و موعودباوران تمام جهان را متحد و برای ظهور آماده کند.

اکنون و پس از اطلاع از تاثیرات مثبت فضای مجازی در همگرایی منتظران در تمام عالم، باید دانست فضای مجازی به رغم نقش مثبت و موثری که بر ایجاد همگرایی منتظران ایفا می‌کند؛ همانند بسیاری از پدیده‌های جدید دیگر، می‌تواند تهدیداتی را به همراه داشته باشد:

۱.۵. تأثیر مخرب فضای مجازی بر همگرایی منتظران موعود

با توجه به وضعیت جهان کنونی، نمی‌توان مرزهای دینی و فرهنگی را از آسیب‌ها مصون پنداشت؛ چون در این اوضاع و احوال، اینترنت و فضای مجازی، فضای سیال و مّوآجی را به وجود می‌آورند که زمینه تحمیل سبک زندگی و ارزش‌های غلط به جای ارزش‌های دینی و

۱. عرفان، راهکارهای غلبه پیام مهدوی بر فرهنگ عامه پسند در رسانه‌ها، ص ۴۳.

فرهنگ بومی فراهم خواهد شد.^۱

این فضا به منزله چاقوی دو لبه است؛ در عین حال که نقش‌های مثبت فراوانی در همگرایی منتظران ایفا می‌کند، تهدیدهایی را نیز به همراه دارد، لذا باید با شناخت آن‌ها، زمینه‌های همگرایی منتظران را استحکام بخشید و از واگرایی آنان جلوگیری کرد.

۲.۵. تردیدافکنی و فتنه‌گری به واسطه‌ی مشتبه کردن حق و باطل

«حق»، دارای معانی گوناگونی است؛ اما در تمامی موارد، نوعی «ثبوت» در آن مشاهده می‌شود (خواه ثبوت تکوینی و حقیقی باشد، یا ثبوت قراردادی و اعتباری)، و «باطل» عبارت است از امری که هنگام بحث و تحقیق، حقیقت و ثباتی ندارد.^۲ پس اگر باطل با حق مخلوط نمی‌شود، بر طالبان حق پوشیده نمی‌ماند و اگر حق از باطل جدا و خالص می‌گشت، زبان دشمنان قطع می‌گردید؛ اما قسمتی از حق و باطل را می‌گیرند و به هم می‌آمیزند و آنجا است که شیطان بر دوستان خود چیره می‌گردد، و تنها آنان که مشمول لطف و رحمت پروردگارند نجات خواهند یافت.^۳

فضای مجازی دنباله‌رو زندگی واقعی بشر است؛ یعنی در این فضا نیز تقابل همیشگی جبهه حق و باطل وجود دارد. در برخی موارد، حق و باطل به گونه‌ای مشتبه شده‌اند که شناخت آن‌ها برای افراد عادی میسر نیست. بنابراین، اگر دانشمندان، استادان، علما، طلاب، فرهنگیان، دانشجویان و اهل فرهنگ، فضای مجازی را از حق پر کنند؛ حضور باطل در این فضا کم‌رنگ‌تر خواهد شد.^۴ همچنین متخصصان آگاه به اوضاع روز و فضای مجازی، هنگام مشتبه شدن حق و باطل، باید به روشنگری افکار عمومی بپردازند و ابعاد فتنه را روشن کنند، و با اطلاع‌رسانی به

۱. حسینی صفا و غیاثوند، ظرافت‌ها و عوامل تأثیرگذار تبلیغ دین در بستر فضای مجازی، ص ۸۵.

۲. حاجی سلطانی، شاخصه‌های حرکت‌های اجتماعی حق و باطل در قرآن، ص ۴۴.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، ص ۷۱.

۴. حیدری دهکردی، ظرفیت‌های فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان، ص ۶۳.

موقع و هشدارهای خویش، جبهه حق را یاری دهند.^۱

مستکبران و دشمنان، به دنبال اختلاف افکنی و فتنه‌انگیزی بین جوامع مختلف هستند و در این زمینه در فضای مجازی از هر شیوه‌ای بهره می‌گیرند و لذا راه‌اندازی کانال‌ها و گروه‌هایی به منظور پاسخگویی به شبهات و روشنگری، راهکاری مؤثر برای خنثا کردن توطئه‌های دشمنان، خصوصاً در مباحث موعودگرایی و منجی آخرالزمان است و منتظران موعود جهانی باید در زمینه کشف حقیقت و دوری از انحرافات و تحریفات، با عمل به مسئولیت‌هایشان در این مسیر با عزمی راسخ حرکت و زمینه وحدت جامعه جهانی را محقق کنند.

ضروری‌ترین عمل برای منتظران موعود، استفاده از ظرفیت‌های فضای مجازی و بر طرف کردن موانع همگرایی‌شان است که با اتحاد و همبستگی، زمینه‌ساز ظهور منجی موعود را فراهم کنند.

۳.۵. ناامنی‌های اخلاقی

بزرگ‌ترین فتنه بعد از شرک، فتنه اخلاق زشت و ناپسند است. در آخرالزمان، فتنه‌های کور و خطرناکی وجود دارد که امروزه علاوه بر فضای حقیقی، فضای مجازی را در بر گرفته و به نوعی، گسترش فتنه اخلاقی در این فضا دارای امکانات بیش‌تری است و به میزانی که افراد از تقید سلامت دینی و اخلاقی خارج گردند، به همان نسبت در این جنگ خاموش آسیب خواهند دید. به عبارتی خروج از آرمان‌های فطری و الهی، و فرو رفتن در باتلاق ناامنی اخلاقی، موجب کم‌رنگ شدن همگرایی منتظران می‌گردد.^۲

برخی ناامنی‌های اخلاقی که فضای مجازی، بستر مناسبی برای ترویج آن‌ها فراهم کرده است؛ عبارتند از: از بین رفتن حریم خصوصی و اخلاقی میان زن و مرد، دنیا طلبی، از بین رفتن حریم احترام میان فرزندان و والدین، قرار دادن عکس‌های مستهجن، روی آوردن به آلات لهو و لعب و موارد بی‌شمار دیگری که مستند روایی نیز دارند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حجة الوداع از این موارد

۱. حاجی خانی و بیدسرخ، راهکارهای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی با تکیه بر آیات و روایات، ص ۱۳.

۲. حسینی بهارانیچی، فتنه‌های آخرالزمان، ص ۵۸-۶۱.

به فتنه‌های آخرالزمان یاد فرموده‌اند.^۱

مهم‌ترین مولفه مؤثر بر ناامنی اخلاقی در این فضا، عدم آگاهی و اطلاع‌رسانی و ضعف سواد رسانه‌ای افراد است^۲ و به نسبتی که برخورد ناکارآمد فرهنگی و منفعلانه در مخاطب فضای مجازی وجود داشته باشد، نقش مخرب و منفی آن، به همان نسبت، افزایش می‌یابد که نتیجه چنین تهدیدهای اخلاقی که غرایز و شهوات را هدف قرار می‌دهند دوری از گرایش فطری طلب منجی و در نهایت، کاهش همگرایی منتظران خواهد بود.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۴۵۵-۴۵۹.

۲. نصری و اعظمی، جرایم مرتبط با امنیت اخلاقی در فضای مجازی، ص ۱۱۴.

نتیجه‌گیری

موعود باوری و اعتقاد به ظهور یک منجی برای نجات و هدایت جهان مسئله‌ای است که به رغم تمام تفاوت‌ها مورد تایید ادیان الهی قرار گرفته و وجه اشتراک آن‌ها می‌باشد. لذا توجه به این نکته مهم و تاکید بر اشتراکات می‌تواند پیروان ادیان الهی را در این مورد، متحد و آنان را برای ظهور منجی آماده کند. در این زمینه، فضای مجازی به واسطه ویژگی‌های منحصر به فرد، از قبیل جهان شمول بودن و قابلیت دسترسی گسترده، می‌تواند نقش مهمی را در این زمینه ایفا کند که این پژوهش، با روش «توصیفی - تحلیلی» به بررسی این نکته مهم، یعنی نقش فضای مجازی در همگرایی و اتحاد منتظران و موعود باوران پرداخت و پس از بررسی‌های مختلف مشخص گردید فضای مجازی در این زمینه دارای فرصت‌ها و تهدیدهایی است که می‌بایست توأم با یکدیگر مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، با دقت در مشخصات و کنش‌های صورت گرفته در این فضا، باید گفت فضای مجازی در همگرایی منتظران موعود دارای دو نقش مثبت و منفی می‌باشد که این دو رویکرد، باید مورد توجه و اهتمام فعالان این حوزه قرار گیرد. نقش‌های مثبت، شامل اشاعه فرهنگ آینده پژوهی، اشاعه فرهنگ انتظار، امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغات اندیشه منجی و نقش‌های منفی، شامل تردیدافکنی و فتنه‌گری به واسطه مشتبّه کردن حق و باطل، ناامنی‌های اخلاقی، که با در نظر گرفتن این نکات و حضور هوشمندانه در فضای مجازی، می‌توان از این ابزار به بهترین شکل در جهت اتحاد و همگرایی منتظران منجی موعود در تمام ادیان بهره جست و از تهدیدهایی که می‌تواند سبب واگرایی و ایجاد شکاف میان موعود باوران گردد، جلوگیری کرد.

منابع

قرآن

۱. آزادی احمدآبادی، علی؛ فتحعلی، سعید و خیامی، عبدالکریم. **تعریف و واکاوی مفهوم سواد رسانه‌ای با آن**، دین و ارتباطات، شماره ۲۸، سال ۱۴۰۰.
۲. آسمانی بیگدلی، امیر، و امامیان، حسن. **شرایط امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی**. Pure lif (زندگی ناب)، شماره ۵، سال ۱۳۹۵.
۳. امامی، سید مجید؛ تاج آبادی، حسین؛ و خورشید نام، عباس. **موعودگرایی در غرب، از اعتقاد تا انتقاد؛ سیری در مبانی و مفاهیم موعود پژوهی معاصر**. مشرق موعود، شماره ۳۹، سال ۱۳۹۵.
۴. بیدی، فاطمه؛ شریفی نیا، محمد حسین؛ و حاتمی، محمد. **تأثیر فضای مجازی بر سبک زندگی**. Pure life (زندگی ناب)، شماره ۴، سال ۱۳۹۷.
۵. تاجیک، محمدرضا و کاظمی، نازنین. **رابطه فضای مجازی (اینترنت) با تغییرات فرهنگی و دینی کاربران**، مدیریت فرهنگی، شماره ۲۲، سال ۱۳۹۲.
۶. تقی‌پور، امیرعباس؛ محمدطاهری، محمودرضا؛ و سلطانی‌فر، محمد. **رابطه سواد رسانه‌ای با میزان پذیرش شایعات در بین مخاطبان شبکه‌های اجتماعی**. دین و ارتباطات، شماره ۶۰، سال ۱۴۰۰.
۷. حاجی‌خان، علی؛ بیدسرخ، علی. **راهکارهای مبارزه با فتنه‌های اجتماعی با تکیه بر آیات و روایات**. پژوهشنامه معارف قرآنی (آفاق دین)، شماره ۱۵، سال ۱۳۹۲.
۸. حاجی‌سلطانی، رضوانه. **شاخصه‌های حرکت‌های اجتماعی حق و باطل در قرآن**. (پایان نامه کارشناسی ارشد). گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، سال ۱۳۹۷.
۹. حبیبی‌نژاد، رضا و حیاتی، فاطمه. **انتظار ظهور منجی آخرالزمان در ادیان الهی (زرتشت، یهود، مسیحیت)**. پارسه، سال شانزدهم، شماره ۲۷، سال ۱۳۹۵.
۱۰. حسینی‌آصف، حسن، **باور شناخت موعود در ادیان و مکاتب مختلف**. انتظار موعود، شماره ۱۵، سال ۱۳۸۴.
۱۱. حسینی‌صفا، محسن و غیاثوند، زهرا، **ظرافت‌ها و عوامل تأثیرگذار تبلیغ دین در بستر**

۱۲. **فضای مجازی**، Pure life (زندگی ناب)، شماره ۱۸، سال ۱۳۹۸.
۱۳. حسینی بهارانچی، محمد. **فتنه‌های آخرالزمان**. بینش آزادگان، اصفهان، ۱۳۹۰.
۱۴. حسینی مطلق، محمدرضا. **راه وصال**، پارسیان، قم، ۱۳۷۹.
۱۵. حیدری دهکردی، مرضیه، **ظرفیت‌های فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان**. Pure life (زندگی ناب)، شماره ۲۰، سال ۱۳۹۹.
۱۶. خان محمدی، کریم و شاملی، علی‌اکبر، **نقش خانواده در رصد و کنترل اخلاقی فرزندان در شبکه‌های اجتماعی**. دین و ارتباطات، شماره ۶۰، سال ۱۴۰۰.
۱۷. رضانی، محمدجواد، و برزویی، محمدرضا. **راهبردهای امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی**. Pure life (زندگی ناب)، شماره ۱۵، سال ۱۳۹۷.
۱۸. سعادت، رویا؛ محمدی، اسفندیار و شیرینی، قاسمعلی، **بررسی تأثیر وب و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر برندسازی مقصدهای گردشگری** (مورد مطالعه: گردشگران خارجی استان خوزستان). (پایان نامه کارشناسی ارشد). رشته مدیریت بازرگانی - بازرگانی بین‌الملل؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام. ۱۳۹۶.
۱۹. سیدرضی، محمدبن حسین، **نهج‌البلاغه**، مترجم: محمد دشتی، چاپ الهادی، تهران، ۱۳۸۵.
۲۰. صادق‌نیا، مهرباب و لطفی، محمد مهدی، **تحلیل کارکردی موعودباوری و نقش آن در تولید همگرایی در ادیان ابراهیمی**. انتظار موعود، شماره ۶۲، سال ۱۳۹۷.
۲۱. صمدی، قنبرعلی؛ **اندیشه انتظار و جهانی شدن**، فصلنامه علمی پژوهشی انتظار موعود، شماره ۲۵ و ۲۶، سال ۱۳۸۷.
۲۲. ضمیری، محمدرضا؛ کارگر، رحیم، و ملکی راد، محمد. **کارکرد مهدویت در ارائه الگوی سبک زندگی اسلامی**. اسلام و مطالعات اجتماعی، شماره ۲۴، سال ۱۳۹۸.
۲۳. عرب، مهین، **منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام**، الهیات تطبیقی، شماره ۱۱، سال ۱۳۹۳.
۲۴. عرفان، امیر محسن. **راهکارهای غلبه پیام مهدوی بر فرهنگ عامه‌پسند در رسانه‌ها**. انتظار موعود، شماره ۴۳، سال ۱۳۹۲.

۲۴. عسکرزاده، ملیحه، و جوادیان نیک، سمیه، **تأثیرات فرهنگی فضای مجازی در عرصه دین**. Pure life (زندگی ناب)، شماره ۱۸، سال ۱۳۹۸.
۲۵. غفاری، رحمان؛ مقیمی، سید محمد و پورعزت، علی اصغر، **الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی مبتنی بر آینده موعود**، مدیریت اسلامی، شماره ۲، سال ۱۳۹۵.
۲۶. قاسمی سیانی، محمد؛ شیروی، مرجان، و اسحاقیان ریزی، امیر حسین، **ضرورت جهاد در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی**. Pure life (زندگی ناب)، شماره ۱۹، سال ۱۳۹۸.
۲۷. قنبریان، محسن، **رویکرد استراتژیک به ظهور**. انتظار موعود، شماره ۲۳، سال ۱۳۸۶.
۲۸. کارگر، رحیم، **آینده پژوهی مهدوی**. انتظار موعود، شماره ۲۸، سال ۱۳۸۸.
۲۹. لطفی، محمد مهدی؛ صادق نیا، مهرباب؛ کلباسی، مجتبی و مفتاح، احمد رضا، **نقش موعود باوری در همگرایی ادیان ابراهیمی (رساله دکتری)**، رشته مطالعات تطبیقی ادیان (گرایش الهیات مسیحی)، دانشکده ادیان، دانشگاه ادیان و مذاهب، تهران، ۱۳۹۷.
۳۰. لندرانی، سارا؛ رسولی، رویا و پورشهریاری، مه‌سیما. **رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با رفتارهای پرخطر دانشجویان**. (پایان نامه کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ۱۳۹۸.
۳۱. محمدی، شریفه و ذریه، محمد جواد. **موعود باوری به مثابه مبنایی جهان شمول در شکل‌گیری تمدن اسلامی (از منظر قرآن و کتب مقدس)** قرآن، فرهنگ و تمدن، شماره ۵، سال ۱۴۰۰.
۳۲. معمار، ثریا؛ عدلی پور، صمد و خاکسار، فائزه، **شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت (با تأکید بر بحران هویتی ایران)**. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۴، سال ۱۳۹۱.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر. **تفسیر نمونه**. چاپ دهم، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۱.
۳۴. ملکی‌راد، محمود و حسن‌زاده، حسین. **نقش فرهنگ انتظار در تقویت سرمایه اجتماعی**. عصر آدینه ویژه هنر موعود، سال چهاردهم، شماره ۳۴، سال ۱۴۰۰.
۳۵. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، **دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت با رهبر انقلاب**، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له.

<http://Farsi.khameni.ir/speech.cont?id.۳۷۵۷۸>

۳۶. میرزایی، خلیل؛ بهرنگ، صدیقی و فاطمه، صفری قهرودی. *بررسی ویژگی‌های ارتباطی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تاثیر آن‌ها بر روابط اجتماعی کاربران*. مطالعات علوم اجتماعی ایران، شماره ۳۷، سال ۱۳۹۲.

۳۷. نجفی، فاطمه، و واحدی، مهدی. *فرصت‌های فضای مجازی؛ رویکرد دینی-آموزشی*. Pure life (زندگی ناب)، شماره ۲۰، سال ۱۳۹۹.

۳۸. نصری، لادن؛ اعظمی، رضا. *جرائم مرتبط با امنیت اخلاقی در فضای مجازی*. رهیافت پیشگیری از جرم، شماره ۲، سال ۱۳۹۶.

۳۹. هاشم‌زادگان، علیرضا؛ غلامی، علیرضا. *نقد و بررسی مبانی فقهی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در پالایش فضای مجازی (فیلتربینگ)*. دین و ارتباطات، سال بیست و هشتم، شماره ۶۰، سال ۱۴۰۰.

۴۰. هاشمی شهیدی، اسدالله. *ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان*، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴.

۴۱. ورنر سورین، جیمز تانکارد. *نظریه‌های ارتباطات*، مترجم: علیرضا دهقان، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۱.

۴۲. هیک، جان، *فلسفه دین*، مترجم: بهزاد سالکی، انتشارات بین المللی الهدی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۹۰.

۴۳. در انتظار خورشید، وظایف منتظران.

<https://hawzah.net/fa/Magazine/View/۳۴۸۲۹/۴۳۰۳/۳۲۸۲>

۴۴. مقوله مهدویت و اعتقاد به منجی. <http://adine.ir/question/۳۱۳>

ترفند شناسی تضعیف باور مهدویت در فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن

محمدحسین ساجدی فر(شهیدی)^۱

چکیده

فضای مجازی جولانگاه افرادی است که با ترفندهای گوناگون، به دنبال تردیدآفرینی و تضعیف باور به آموزه اصیل مهدویت هستند. شناخت این افراد و ترفندهای آن‌ها در جهت ایجاد تضعیف باور به مهدویت کمک شایانی در شناخت بهتر راهکارهای مقابله با آن‌ها خواهد داشت.

این نوشتار با روش «توصیفی - تحلیلی»، در صدد بیان ترفندهای تضعیف باور به مهدویت در فضای مجازی و ارائه راهکارهای مناسب برای مصون سازی مخاطبان در این فضا می‌باشد.

از مهم‌ترین ترفندهای شناسایی شده در این پژوهش، می‌توان به انکار و ایجاد شبهه و تردید، تحریک و بازی با احساسات، ایجاد آشفتگی در ذهن، اخلاص در عقاید، ایجاد تفرقه و برهم زدن وحدت اشاره کرد. همچنین راهکارهای مقابله نیز شش مورد است که می‌توان به ایجاد شبکه ملی اطلاعات، ساخت شبکه‌ای اختصاصی از سوی صدا و سیما، ایجاد پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های مجازی و نرم افزارهای به روز و چندزبانه، جلوگیری از سلطه دشمن بر فناوری اطلاعات اشاره کرد.

واژگان کلیدی: مهدویت، ترفند شناسی، فضای مجازی، راهکارها، شبهات، شبهه افکنی.

مقدمه

رشد روز افزون فضای مجازی در جوامع جهانی، موجب تغییر جدی در ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها شده است و بشر را به سمت جدیدی از نوع زندگی و زیست در فضای مجازی برده است. همچنین ارائه کاربردهای مختلف و اعجاب انگیزی که در این فضا به مخاطب عرضه می‌شود، باعث شده است که کم‌تر کسی در سراسر جهان، زیر سایه سنگین جهان مجازی نرفته و در زندگی خویش با آن درگیر نشده باشد.

فضای مجازی فعلی کشور، بر خلاف اکثر کشورهای پیشرو در صنعت تکنولوژی، نظارت دقیقی بر آن وجود ندارد و زمینه‌ای گسترده برای دسیسه دشمنان خارجی مخالف با عقاید شیعه را فراهم کرده است؛ اما اصلاح وضعیت فعلی کار پیچیده‌ای نیست، و استمرار در اجرای مواردی که دست اجانب را از انحراف فکری جوانان در فضای مجازی کوتاه می‌کند، می‌تواند راه برون رفت از مخمصه موجود را به روی کشور باز کند.

وضع قوانین نه چندان سختگیرانه، اما بجا و صحیح در مورد فضای مجازی و گرفتن کنترل کامل این فضا از دست گردانندگان فضای مجازی جهانی، می‌تواند مسیر صحیح استفاده از فضای مجازی را به دور از آسیب‌ها و خطرهای جدی آن در اختیار عموم قرار دهد. همان‌گونه که پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه استقلال سیاسی، نظامی و برخی صنایع بزرگ کشور را فراهم کرد، جدا کردن دست اجانب از فضای مجازی کشور زمینه استقلال در فضای مجازی و استفاده از ظرفیت آن در جهت رشد و بالندگی مردم کشور فراهم خواهد کرد.

امروزه فضای مجازی کشور، اعم از شبکه‌های اجتماعی، پیام‌رسان‌ها، سایت‌ها و وبلاگ‌های گوناگون، تبدیل به یک بستر مناسب و سهل الوصول برای نشر عقاید باطل و شبهات دینی در آموزه مهدویت شده است.

در حال حاضر، ارائه خدمات و کاربردهای فراوان فضای مجازی، موجب علاقه بیش از پیش جوانان به این فضا را فراهم، و در کنار فرصت‌های بی‌نظیر آن^۱، خطرهای اعتقادی فراوانی را نیز

۱. موسی پور، قابل دسترسی از: <https://201.ir/EgvkA>

ایجاد کرده است.^۱ شناخت ترفندهای فرقه‌های انحرافی مختلف برای انحراف عقیده جوانان در فضای پرمخاطره مجازی در کنار شناخت راهکارهای مواجهه با آن، از جمله ضروریات مقابله با جریان‌های فکری معاند با اسلام حقیقی در فضای مجازی، به ویژه در آموزه مهدویت می‌باشد. در این مقاله به روش «توصیفی-تحلیلی» ابتدائاً به بیان ترفندهای مختلف آسیب‌رسان به اعتقادات دینی و آموزه مهدویت پرداخته شده، و سپس راهکارهای مقابله با عوامل آسیب‌زای موجود را بیان کرده است.

کتاب «رسانه و آموزه مهدویت»، نوشته امیرمحسن عرفان در سال ۱۳۹۴ که در باب موضوعاتی نظیر کارکردهای رسانه در زمینه مقابله با شبهات و بحران‌ها سخن به میان آورده است و در مورد کارکردهای مختلف مقابله با شبهات مختلف در رسانه موارد مختلفی را ذکر کرده است که اشتراکاتی با این مقاله دارد؛ اما در این مقاله به طور خاص در زمینه فضای مجازی که یکی از شاخه‌های رسانه محسوب می‌شود، کارکردهای متفاوتی ارائه شده است. همچنین کتاب «شبکه عنکبوتی»، نوشته محمد کهوند که در سال ۱۳۹۵ به رشته تحریر در آمده، به ارکان رسانه‌های جدید و جذب و نفوذ آن‌ها و همچنین تاثیرگذاری آن‌ها پرداخته است و از این لحاظ با این مقاله اشتراکاتی دارد؛ اما در خصوص آموزه مهدویت و تضعیف آن در فضای مجازی سخنی به میان نیاورده، که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

مفهوم شناسی

۱. **فضای مجازی:** نمی‌توان فضای مجازی را با اینترنت مترادف دانست؛ اما اینترنت ابزار ورود به فضای مجازی و سامانه‌ای جهانی از شبکه‌های رایانه‌ای به هم پیوسته است که از "مجموعه پروتکل اینترنت" برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، اینترنت، شبکه شبکه‌هاست که از میلیون‌ها شبکه خصوصی، عمومی، دانشگاهی، تجاری و دولتی در اندازه‌های محلی و کوچک تا جهانی و بسیار بزرگ تشکیل شده است که این شبکه‌ها با آرایه

۱. دهقانی آرانی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/orvqd>

وسیع‌تری از فناوری‌های الکترونیکی و نوری به هم متصل شده‌اند.^۱

۲. مهدویت: فرهنگ مهدوی عبارت است از: (بیان‌اندیشه‌ها، باورها، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت، تبیین ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای آن، تعیین هنجارها و الگوهای رفتاری - کرداری مرتبط با آن، تولید نمادها، نشانه‌ها و علائم نمادین برای توسعه و استحکام آن، تولید آیین‌ها و آداب و رسوم تازه و تقویت آیین‌های پیشین، ابداع و نوآوری‌های ارتباطی رسانه‌ها در حوزه شبکه‌های انسانی حقیقی و مجازی، توسعه و بسط مهارت‌های مورد نیاز، مانند زمینه‌سازی ظهور، انتظار سازنده، روش‌های یاری مهدی موعود عجل الله تعالی.)^۲

۳. ترفند: در لغت به معنای دزدی، تزویر و مکر است و مراد از ترفند شناسی، شناساندن حيله‌ها، مکرها و تزویرهای فرقه‌های انحرافی و در مجموع گردانندگان اصلی فضای مجازی در سراسر جهان است.^۳

۱. ترفندها

تنوع استفاده از ترفندهای گوناگون در ایجاد شک و شبهه در مورد مباحث دینی و اندیشه مهدویت در فضای مجازی، موجب شده است که مخاطب در رویارویی با ترفندهای مختلف، دچار سردرگمی شود و در مقابل استدلال‌های بی پایه و اساس منکران دین و مهدویت دست خود را خالی از جواب ببیند.^۴ اطلاع از ترفندهای آنان در مقام پاسخگویی به شبهات بسیار موثر است. در ادامه به بیان ۸ ترفند در این زمینه خواهیم پرداخت.

۱.۱. انکار و ایجاد شبهه و تردید

«انکار اساس مهدویت»، که اغلب از جانب سلفیان صورت می‌گیرد، بالتبع افراد نا آگاه را نیز در این باور همراه می‌کند. کانال‌ها و گروه‌های متعدد در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای با

۱. عظیمی، درآمدی بر فرهنگ و عناصر آن، مجله دین و ارتباطات، شماره ۳۷.

۲. سیاح طاهری، حقیقت مجازی (درباره فضای مجازی چه بدانیم و چه بگوییم؟)، ص ۴۶.

۳. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۱۱۴۳.

۴. پورزند، قابل دسترسی از: <https://201.ir/OegPj>

هزینه‌های گزاف در این زمینه فعالیت دارند، و تا کنون به خوبی توانسته‌اند باورهای بسیاری از جوانان سنی مذهب و متاسفانه شیعیان را به سمت وهابیت و انکار ماهیت مهدویت و انگار این نکته که چنین شخصی در روزگاری ظهور خواهد کرد تا بساط ظلم و جور را در سراسر جهان براندازد و حکومتی بی بدیل به منظور تحقق عدالت تشکیل دهد؛ سوق دهند.^۱ همچنین تردید و تشکیک آفرینی در این که اصلاً چنین شخصی وجود خارجی ندارد، از جمله ترفندهایی است که بیش از پیش مورد توجه بخشی از مستشرقان قرار دارد. این اعتقاد مستشرقان که برگرفته از باور اهل سنت است، مغرضانه و هدفمند به مخاطب القا می‌کند که شخصی مانند مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ اما مهدی مورد نظر شیعه، اصلاً وجود ندارد.^۲

در ادامه، به اختصار به دو شبهه پرتکرار در زمینه تردید و تشکیک در باور به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می‌کنیم:

- شبهه اول در مورد ولادت آن حضرت است، مبنی بر این که ولادت ایشان، فقط از طریق حکیمه خاتون نقل شده است، و حال آن که حکیمه خاتون معصوم نمی‌باشد^۳؛ پس چگونه شیعیان می‌توانند نقل شخصی را قبول کنند که معصوم نیست، آن هم در این امر مهم، که دلالت می‌کند بر اثبات ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که از اصول مذهب شیعیان می‌باشد؟

به همین دلیل است که در فضای مجازی و رسانه‌های مختلف، با طرح شبهه در مورد مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمینه انکار و ایجاد شبهه درباره تولد امام سعی و تلاش می‌کنند.

- شبهه دوم در خصوص عمر طولانی ایشان است و این سوال را مطرح می‌کنند که چطور ممکن است شخصی بیش‌تر از هزار سال عمر داشته باشد؟^۴ اهل سنت و مطرح‌کنندگان آن، معتقدند این مسئله دلیلی محکم بر بطلان این عقیده شیعه درباره مهدویت است. بعضی از بزرگان اهل سنت، با وجود این که اصل وجود منجی و موعود و ظهور چنین شخصی

۱. گفت‌وگوی تفصیلی فارس، ابراهیمی، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/RQQPy>

۲. منهاج السنة، ج ۱ و ۲، ص ۲۶-۳۱ و المنتقی من منهاج الاعتدال فی نقض کلام اهل الرفض والاعتزال، ص ۲۸.

۳. القفاری، أصول مذهب الشیعه، ج ۲ ص ۱۰۲۴.

۴. ملاحسنی، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/KjKzM>

در آخرالزمان را قبول دارند؛ در زمینه طول عمر و زنده بودن ایشان تردید کرده‌اند.

دکتر احمد محمود صبحی که از نویسندگان معاصر اهل سنت به شمار می‌رود، می‌گوید: «زنده ماندن مهدی علیه السلام بیش از هزار سال جای تردید دارد و این خود موجب سست کردن عقیده به مهدویت از ریشه و اساس است.»^۱ او معتقد است، از محکم‌ترین اعتراضاتی که به شیعه شده، همین اعتقاد به طول عمر امام زمان نزد بزرگان شیعه است.

شفاعت، ارتباط و ملاقات با حضرت، منجی بودن حضرت، اصل امامت، عدالت و شاخه‌های عصر ظهور، از دیگر عناوینی است که به صورت جدی و نظام مند، مورد شبهه افکنی و تردید آفرینی از جانب فرقه‌های انحرافی است و فضای مجازی بهترین سکو برای هدف قرار دادن اعتقادات قشر وسیعی از جوانان شیعه می‌باشد.

۲.۱. تحریک و بازی با احساسات

در دنیایی که اکثر جوامع با بحران‌هایی از قبیل هویت و معنویت دست و پنجه نرم می‌کنند، بسیاری از افرادی که مدعی هستند به منبعی از نور و حقیقت رسیده و می‌توانند از مردم در راه مانده‌ی بی هویت در ادیان مختلف دستگیری کنند! آن‌ها به خوبی می‌دانند عموم مردم که معمولاً نگاهی سطحی، نه عمیق، به دین دارند، دقیقاً دارای چه ضعفی هستند و لذا آنان با طرح ادعاهای به ظاهر متقن و علمی، به سوء استفاده از احساسات مردم می‌پردازند.

باتوجه به ضعف عقیده بسیاری از جوانان در زمینه آموزه مهدویت و مولفه‌هایی که صرفاً بر پایه احساس، استوار و در ذهن آن‌ها نقش بسته است، به راحتی امکان تغییر و تبدیل آن مولفه‌ها به نوعی باور غلط‌تر از قبل را در ذهن آن‌ها ایجاد کرده است که بسیار سریع می‌توان به انحراف کشیده شود.^۲

توجه به این مطلب ضروری است که ساده انگاری در مقوله دین، از دلایل اصلی جذب جوانان

۱. صبحی، نظریه امامه لدی الشیعه الاثنی عشری، ص ۴۱۱.

۲. گزارش ایسنا، بیانات آیت الله مکارم شیرازی در دیدار اعضای جامعه اسلامی مهندسين، قابل دسترسی از:

<https://201.ir/WnEQC>

به جریانات انحرافی است^۱ و قطعاً ضعف در بیان حقیقت مهدویت نیز بر آن موثر است. البته کم کاری در این زمینه به خوبی مشهود است و عدم پاسخگویی دقیق و فوری به این افراد که با تحریک احساسات، به راحتی عقیده جوانان را دستخوش تغییر داده‌اند، موجب تمایل افراد زیادی به خصوص در قشر جوان به این مدعیان شده است. البته که افراد تحصیل کرده کمتر جذب چنین افرادی می‌شوند؛ چرا که افراد تحصیل کرده نگرش حداقلی به دین ندارند و معمولاً سوالات دینی-مهدوی را واکاوی می‌کنند و استدلال‌های نه چندان قوی فرقه‌های انحرافی را با حقایق دین تطبیق می‌دهند و در نتیجه از دام مدعیان و منکران نجات پیدا می‌کنند.

احمد اسماعیل، از کسانی است که به خوبی با تحریک احساسات افرادی که متأسفانه متدین نیز بوده‌اند، خود را پسر و فرستاده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی و فرقه انحرافی یمانی را ایجاد کرد. به طور مثال، او در یکی از پیج‌های شبکه اجتماعی اینستاگرام که فعالیت فراوانی نیز در این شبکه دارد و ظاهراً توسط پیروان او اداره می‌شود، بیان کرد: «پدرم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مرا از محل دفن مادرم زهرا عجل الله تعالی فرجه الشریف آگاه نموده‌اند!»^۲

امثال احمد اسماعیل با تحریک احساسات متدینان و بازی با عقاید ایشان، با طرح ادعای معجزه، افرادی را نیز از این طریق به فرقه خود دعوت کرده‌اند. این، یک نمونه از خروارها ادعاهای واهی است که از جانب مدعیان دروغین مهدویت در فضای مجازی در حال بازنشر بین جوانان است.^۳

۳.۱. ایجاد آشفته‌گی در ذهن

منظور از «ایجاد آشفته‌گی ذهنی»، عدم ثبات، ناراحتی، افکار منفی و پریشانی ذهنی است که موجب اضطراب و عدم تمرکز بر عقاید صحیح انسان می‌شود و در نهایت، فرد نسبت به

۱. گزارش مهر، مصاحبه با روزبهرانی، مدیر گروه نقد فرق انحرافی مرکز تخصصی کلام و ادیان حوزه علمیه قابل دسترسی از:

<https://201.ir/YUNoX>

۲. پیج اینستاگرام ظهور کرد، قابل دسترسی از: <https://201.ir/kdQgY>

۳. تحریریه موسسه آینده روشن، قابل دسترسی از: <https://201.ir/YXIWb>

اعتقادات و باورهای خود که در نظام اسلامی-شیعی شکل گرفته است، بدبین می‌شود و در این زمینه تحلیل‌های غلطی ارائه می‌کنند.

شخصی که دچار این نوع آشفتگی ذهنی شده است، همه چیز، از جمله سیستم مدیریت اجتماعی، رهبر جامعه و دولتمردان و حتی کارگزاران آن را در جزئی‌ترین مسائل زندگی خود مقصر می‌داند و این، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای آشفتگی ذهن یک فرد در نظام جامعه اسلامی است.

برای ایجاد این تشویش ذهنی، ابزارهای گوناگونی در دسترس قرار دارد؛ اما در دهه اخیر که رشد فناوری و ارتباطاتی جهان، رشد مبهوت‌کننده‌ای داشته است؛ بین تمامی رسانه‌های موجود، فضای مجازی را می‌توان اصلی‌ترین عامل و ابزار برای تشویش و آشفتگی اذهان برشمرد.^۱

با شروع پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نظام سلطه از هیچ دشمنی با نظام جمهوری اسلامی فروگذاری نکرد، بلکه صرفاً ابزار دشمنی را تغییر داد. فتنه‌انگیزی و ترویج فساد با شیوه‌های جدیدی که الان در دسترس تمامی مردم قرار دارد، شدت بیش‌تری گرفته و اثر پذیری آن دشمنی نیز، در تمامی مردم نفوذ کرده و فضای مجازی و اینترنت، در کنار تمامی حسن‌های خود، آسیب‌های جدی بر پیکره اعتقادی مردم، به خصوص جوانان وارد آورده است.^۲ حجم تبلیغات علیه نظام جمهوری اسلامی، حجم وحشت‌آوری است. تعداد رسانه‌ها - با شیوه‌های گوناگون - علیه نظام جمهوری اسلامی در دنیا رقم عجیبی است.

فلان جوانی که اهل فلان کشور آفریقایی است یا فلان کشور آسیایی است یا فلان کشور عربی و غیرعربی است؛ وقتی می‌نشینند پای اینترنت یا می‌نشینند پای فلان رسانه بین‌المللی یا در دست می‌گیرد فلان مطبوعه بین‌المللی را، از کجا بفهمد که آنچه در این جا نوشته است نسبت به ایران اسلامی، خلاف واقع است؟ حضور شما در حج، در این عرصه بین‌المللی، این فرصت را به شما

۱. غلامی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/wwWtP>

۲. نقدی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/CwHYD>

می‌دهد که حقایق را منتقل کنید؛ نه فقط با زبان، بلکه با زبان و عمل. حقایق اسلام را بگویید، حقایق شیعه را بگویید، حقایق انقلاب اسلامی را بگویید، ماجراهایی را که امروز وجود دارد، بگویید.^۱

کسی که زمانه را می‌شناسد؛ یعنی وقتی اوضاع و احوال محیط خود و محیط پیرامونی‌اش و محیط جهان را می‌داند و می‌فهمد جریان‌های گوناگون جهانی کی‌هایند، کجایند، اهدافشان چیست، چه جور با هم مواجه می‌شوند؛ دچار اشتباه نمی‌شود؛ در قضایای گوناگون، قضاوت اشتباه نمی‌کند و دچار اشتباه نمی‌شود.

البته دشمن مرتب دارد تحلیل‌باران می‌کند. این تعداد رسانه‌هایی که آمارش را چندی پیش این‌جا آوردند و به ما دادند، اصلاً دهشت‌آور است. این‌ها غیر از رسانه‌های اینترنتی است. اینترنت که دیگر یک دنیای بی‌مرز و خارج از محدوده‌ای است. منظور، همین ماهواره‌ها و رادیوها و تلویزیون‌هاست. تحلیل‌هایی که در این رسانه‌ها مرتباً با هدف مقابله با جمهوری اسلامی و نظام اسلامی و ملت ایران داده می‌شود، سرسام‌آور است. حالا آن‌هایی که انبوه تولید می‌کنند، می‌دانند که مردم به همه این‌ها گوش نمی‌دهند؛ می‌گویند هر مقداری که می‌شود، باید تلاش کرد.^۲

واقعیت حال حاضر جامعه ایران اسلامی، این است که دشمن با سرمایه‌گذاری‌های سرسام‌آور در رسانه و فضای مجازی در حال مدیریت نوعی عملیات روانی گسترده بر تمامی مردم، به ویژه در مورد جوانان است که این تمرکز دشمن تا الان نیز موجب کلی بافی‌های دروغین و فریب‌دهنده، تضعیف ایمان دینی، القای پوچ بودن شریعت و در عین حال، سوق دادن افکار به سمت بی‌بند و باری و هرزگی در جامعه اسلامی شده است^۳، و دشمن بر این امید است که در چنین جامعه‌ای، افکار و تمایلات عموم مردم، دیگر به سمت معنویت و هویت دینی پیش

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۲/۶/۲۰ قابل دسترسی از: <https://khl.ink/f/23963>

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۰/۰۲/۰۶، قابل دسترسی از: <https://khl.ink/f/17082>

۳. حسینی، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/UGgKF>

نخواهد رفت و دیگر چیزی به نام اسلام شیعی باقی نخواهد ماند؛ و این باور، ان شاء الله با تبیین حقایق دینی و آموزه‌های غنی شیعی، محقق خواهد شد.

۴.۱. اخلال در عقاید، ایجاد تفرقه و برهم زدن وحدت

شیطان امروز که با استفاده از اینترنت و ماهواره و روش‌های ارتباطی مدرن و فوق مدرن سراغ مخاطبان می‌آید؛ حرف‌های مدرنی نیز دارد؛ سخت‌افزارش را مدرن کرده، نرم‌افزار مدرن هم دارد. شبهه‌آفرینی دارد، اخلال در عقیده دارد، ایجاد تشویش در ذهن دارد، تزریق ناامیدی دارد، ایجاد اختلاف دارد. شما در مقابل این روش‌ها چه کار می‌کنید؟ از کارهای این‌ها گول نخوریم؛ اختلاف برای آن‌ها بیش‌ترین و بزرگ‌ترین نعمت است.^۱

فضای مجازی بستری مناسب، برای تحریک انتقادهای اجتماعی، ایجاد اختلافات قومی و قومیتی، ترویج ایدئولوژی‌های ضد دینی، کنترل دیدگاه‌های عمومی مردم علیه حکومت و ترویج اخبار جعلی با هدف تحریک مردم است که نمونه اخیر آن فتنه «زن، زندگی، آزادی» بود که یکی از علل ایجاد آن، عدم کنترل صحیح بر نشر اخبار غیر صحیح از جانب رسانه‌های وابسته به خارج از کشور بود.

از این رو، حفظ عقاید دینی صحیح و صیانت از آن‌ها، در فضای مجازی اهمیت بسزایی در باورداشت به آموزه مهدویت دارد. در حال حاضر، وهابیت به دروغ ادعا می‌کند که مهدویت مورد اعتقاد شیعه با اهل سنت هیچ اشتراکی ندارد و شیعه از آن علیه اهل سنت سوء استفاده می‌کند، در حالی که شیعه و اهل سنت در مقوله مهدویت اشتراکات فراوانی دارند و بی‌تردید مهدویت، از مباحث مهمی است که نه فقط وحدت بخش بین تشیع و تسنن است بلکه وحدت بخش بین تمامی مذاهب در سراسر جهان است و حربه‌های دشمنان و فرقه‌های ضد شیعه، مانند وهابیت و سلفیت با دنبال کردن اهداف خود در فضای مجازی، به دنبال ایجاد تفرقه و اخلال در عقاید مسلمین و از بین بردن وحدت بین آنان است. لازمه مبارزه با این امر، تبیین متقابل، در برابر

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰ قابل دسترسی از: <https://khl.ink/f/17659>

شبهاتی است که امروزه علیه باورهایی مانند مهدویت در فضای رسانه‌ای دشمن درحال پیگیری و برنامه ریزی است.^۱

۱.۵. از بین بردن قداست

یکی از اهداف نظام سلطه و رسانه‌های آنان، به ویژه در فضای مجازی، از بین بردن و زیر پا گذاشتن باورهای اصیل دینی است که با مهدویت نیز ارتباطی مستحکم دارد. باید توجه داشت که فرقه‌های مختلف و جریان‌های انحرافی ضد شیعی، به نحوی در صدد آسیب و قداست زدایی از اندیشه‌های جبهه مقابل در فضای مجازی و رسانه‌های خود هستند و برای تضعیف باور معتقدان به آن از هیچ تلاشی فروگذاری نکرده و نمی‌کنند.^۲

به طور مثال، تضعیف جایگاه امامت و ولایت، تضعیف باورهای مهدویت (ارتباطات و ملاقات با امام، فایده امام غایب، اصل وجود امام، ویژگی‌های شخصیتی و حکومتی ایشان)^۳، تضعیف ولایت فقیه^۴، زیارت امام زمان و توسل به آن حضرت، ضدیت با مقام مرجعیت و جایگاه روحانیت، از جمله مواردی است که مورد هجمه و تقدس زدایی فرق انحرافی قرار گرفته است.

توهین و افترا نیز در قداست زدایی بی تاثیر نیست. ناسزاگویی و فحاشی به طرف مقابل یا به باور او، از مواردی است که آن دسته از مخالفانی که از هر جهت وامانده‌اند و امیدی ندارند، بی محابا (بالاخص در فضای مجازی) به تمامی ارزش‌ها و باورهای طرف مقابل حمله ور شده و او را آماج سخنان زشت و زنده خود قرار می‌دهند.

۱.۶. ارائه منجی و نجات دهنده کاذب

مخالفان اسلام ناب محمدی، به منظور مقابله با اندیشه مهدویت در قدم اول نمونه‌های کاذبی از منجی و نجات دهنده را در رسانه و فضای مجازی تبلیغ کرده، و در قدم بعدی که

۱. خاضع، قابل دسترسی از: <https://201.ir/xcQxz>

۲. عاملی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/QitVd>

۳. طالعی فر، قابل دسترسی از: <https://201.ir/KEKIn>

۴. طباطبایی نژاد، قابل دسترسی از: <https://201.ir/YIOkn>

مهم‌تر از قدم اول است، با جایگزین کردن منجی کاذب با منجی حقیقی (امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) به جهانیان القا می‌کنند که اصلاً باورداشت مهدویت در اسلام مورد اختلاف است و سپس بر این اعتقاد پافشاری می‌کنند که به جای مهدی که خود هدایت شده است؛ اشخاص مهدی (هدایت شده) دیگری هستند که آن‌ها را معرفی می‌کنند.^۱

در واقع آن‌ها، اول به خوبی و به گونه‌ای که مخاطب، شیفته واقعی شخصیت مهدی شود؛ چهره سازی می‌کنند و سپس مهدی واقعی را معرفی نمی‌کنند و منجی کاذبی را جایگزین امام زمان علیه السلام می‌کنند و از آن چهره دروغین، تا جایی که امکان دارد، برای وارد کردن ضربه به اسلام و باور به مهدویت حقیقی استفاده و بعد از اتمام ظرفیت استفاده از مدل دروغین مهدویت او را حذف می‌کنند.^۲

جریان بهاء‌الله، داعش، طالبان، یمانی، جبهه النصره و القاعده همگی مواردی هستند که به عنوان یک مدل کاذب از منجی معرفی شدند و تماماً افکار جهانیان را علیه اسلام حقیقی و اندیشه مهدویت شوراندند و بدبین کردند.

نمونه‌های فراوانی از جذب و گرایش جوانان از طریق فضای مجازی به داعش موجود است. به عنوان نمونه، «عمران» با نام مستعار «سیف الاسلام» که از اعضای فعال داعش در شهر کراچی بود، توسط بخش ضد تروریسم سازمان اطلاعات مرکزی پاکستان دستگیر شد. عضو دستگیر شده داعش از شهر کراچی پاکستان، در اعترافات خود در باره ترفندها و راه اغفال افراد و جذب آن‌ها گفت:

داعش با استفاده از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به دنبال جذب نسل جوان است. این عضو فعال داعش در پاکستان و همدستانش بیش از ۵۰ صفحه در شبکه‌های مختلف اداره می‌کردند و از این طریق و استفاده از احساسات مذهبی نسل جوان و نوجوان اقدام به اغفال و شست‌وشوی مغزی آن‌ها

۱. جمعی از نویسندگان، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/pwQJN>

۲. رحیمی، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/RfuWC>

می نمودند.^۱

۱.۷. تغییر و تخریب دین

«تغییر و تحریف دین»، به خصوص در آموزه مهدویت، از جمله مواردی است که برای انحراف عقاید معتقدان به امام زمان بسیار به کار می‌رود. تغییر گزاره‌های دینی در آموزه مهدویت، اولاً، موجب تأثیر بر مسلم‌ات شیعیان شده و سپس به مرور باعث انحراف از دین می‌گردد.^۲ یک نمونه بسیار شایع آن، این است که در زمان ظهور، خشونت طلبی امام بسیار زیاد است و در آن برهه کسی که گناهی، ولو در خفا انجام داده باشد، از تیغ امام زنده نخواهد ماند و صرفاً کسانی زنده خواهد ماند که هیچ‌گاه نماز اول وقت به جماعت در مسجدشان ترک نشده باشد!^۳ در ادامه فرآیند مهدی‌هراسی و ترساندن مردم از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و نمایش چهره خشن از آن امام مهربانی؛ به عنوان نمونه، کشیشان مسیحی تبشیری به برخی روایات تمسک می‌کنند و می‌گویند: در مدت هشت ماهی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کند، مردم را به قتل می‌رسانند. بدیهی است که قرار نیست حضرت مهدی و حضرت مسیح علیه السلام، بیایند و مردم را قتل عام کنند، بلکه در آخرالزمان، این حجت‌های الهی برای حاکم شدن آرامش بر دنیا، با جنگ طلبان و ظالمان مبارزه و جنگ خواهند کرد، ولو این‌که در این راه ظالمانی همچون دجال، سفیانی و یاران ستم پیشه این‌ها نیز کشته شوند.

شبهه افکنی کشیشان مسیحی صهیونیست در این زمینه و انتساب این‌گونه جنایات به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عملی ناجوانمردانه است.^۴ این افراد به گونه‌ای چنین شبهاتی را مطرح می‌کنند که تصور می‌شود، این‌ها رسانه‌های جبهه دجال هستند و علیه امام مهدی و حضرت مسیح علیه السلام فعالیت و تلاش می‌کنند تا به تبرئه و پاکسازی وجهه دجال و سفیانی بپردازند؛ در حالی که این

۱. سرویس بین الملل خبرگزاری حوزه، قابل دسترسی از: <https://201.ir/KfujB>

۲. نوری، قابل دسترسی از: <https://201.ir/NTDaF>

۳. تحریریه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قابل دسترسی از: <https://201.ir/aYNCl>

۴. طباطبایی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/XcyRE>

جنایات به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتباطی ندارد. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با چنین افرادی که چنین کاری را انجام می دهند، مبارزه می کنند و ادعای آنان دروغی آشکار است و به هیچ وجه قابل پذیرش نیست. رسانه های دین ستیز و ضد شیعی با کمک فضای مجازی پا را از این نوع شبهات فراتر گذاشته و هر گروه و فکری را که به اسلام ناب محمدی متعلق باشد و در گسترش آموزه مهدویت سعی داشته باشد مورد هجمه، تخریب و تحریف خود قرار می دهند.^۱

۱.۸. جعل روایات و استفاده از روایات ضعیف

سوء استفاده از روایات، امری نیست که مختص عصر حاضر باشد، بلکه از صدر اسلام نیز این رویکرد، بسیار مورد استفاده فرقه های انحرافی مختلف قرار گرفته تا اینان، فضیلت دیگران را از بین ببرند و متقابلاً برای جریان خود فضیلت سازی و ایجاد مشروعیت کنند.^۲

از سمت دیگر، متأسفانه استفاده از روایاتی که مشکلات سندی متعددی دارند در بین معتقدان به وجود نازنین امام زمان، امری انکار ناپذیر است، و برداشت های ناصحیحی که از آن ها صورت می گیرد، گاه موجب وهن مذهب نیز می شود.^۳

تقطیع و تطبیق، ساخت روایات، و در مجموع، سوء استفاده از روایات، از عوامل اصلی و تسهیل کننده انحراف در دین و در ادامه، فرقه سازی هایی است که در تاریخ تکرار شده است.^۴

به عنوان نمونه، دولت عباسی با جعل روایات، مدعی بودند مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان عباس است. دقیقاً کاری که فرقه احمدالحسن، بابیت و بهائیت کردند، همین تطبیق گرای غلط بود که با تفسیر و تقطیع اشتباه از روایات، عقاید خود را به مردم معتقد و غیر معتقد به آموزه مهدویت تحمیل کردند.

به طور کلی، روایات ضعیف، از جمله عوامل دخیل در تضعیف تشیع و بالتبع تضعیف مهدویت

۱. گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، قابل دسترسی از: <https://201.ir/aSIVi>

۲. خاموشی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/YsMnX>

۳. ملکی راد، قابل دسترسی از: <https://201.ir/sqZLj>

۴. جمعی از نویسندگان، قابل دسترسی از: <https://201.ir/hUZA0>

است و موجب این شده است که افرادی که ضد تشیع و امام زمان هستند، به راحتی اصل مهدویت و وجود امام زمان را منکر شوند یا در آن تشکیک ایجاد کنند.^۱

محدثان و علمایی همچون شیخ مفید، شیخ طوسی و شیخ صدوق، به دلیل شرایط سختی که داشتند، مانند درگیری با مخالفان و شرایط تقیه، غالباً این فرصت را پیدا می‌کردند که با جمع آوری روایات، آن‌ها از بین نروند؛ اما فرصت پالایش صحیح روایات را نداشتند. شخصی مانند علامه مجلسی نیز هدف از جمع آوری بحار الانوار را همین نکته می‌داند.

لذا احادیث و روایات ضعیف در کتاب‌های شیعه وارد شده و متأسفانه، مباحث مهدویت نیز پر از اخبار ضعیفی است که در کتاب‌های حدیثی ملاحظه می‌شود. مشکل عمیق‌تر این جاست که از همین روایات ضعیف که در کتاب‌های مختلف و نوشته‌های پژوهشگران به ظاهر متخصص وجود دارد، تطبیق‌هایی صورت می‌گیرد که با آموزه‌های صحیح مهدوی مطابق نیست و بلافاصله بعد از هر حادثه‌ای مانند جنگ، سیل و زلزله به آن پرداخته می‌شود و مردم و جوانان چشم انتظار ظهور امام زمان را با کلماتی همچون قیام یمانی در یمن (به واسطه جنگ یمن با عربستان و کشورهای غربی) به ظهور ایشان امیدوار می‌کنند و بعد که خبری از ظهور نشد، می‌گویند بداء حاصل شد!^۲

کم نیست قلب جوانان و اعتقادات کسانی که به واسطه حرف‌های غلط به استناد روایات ضعیف، مورد آسیب قرار گرفته است و بی تردید بستر فضای مجازی برای نشر چنین برداشته‌های ناصحیحی که صورت می‌گیرد، بی گمان انتخاب اول است.^۳

علاوه بر مطالب مذکور، فرقه‌های انحرافی مختلف با استناد به این احادیث ناصحیح، تاکنون در مخدوش کردن آموزه مهدویت و چهره واقعی اسلام برای جهانیان و جوانان موفق بوده‌اند و احادیث ضعیف را دستاویز قابل قبولی برای رسیدن به اهداف شوم خود می‌دانند.^۴

۱. صادقی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/eFSqR>

۲. فؤادیان، قابل دسترسی از: <https://201.ir/opprq>

۳. صادقی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/HpjTE>

۴. علیزاده موسوی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/eTJNW>

۲. راهکارهای مقابله

در این بخش، مهم‌ترین و اصلی‌ترین راهکارهای موجود برای مقابله با ترفندهایی که از سوی مخالفان آموزه‌های دینی و مهدوی در فضای مجازی فعلی مورد استفاده قرار گرفته، بیان شده است.

قطعا مواردی از راهکارها با اهتمام جدی ارکان حکومت و برخی دیگر با همت بخشی از مسئولان ذی ربط و همچنین برخی راهکارها با همت فعالان مسلط به فضای مجازی و آموزه‌های دینی، به ویژه در اندیشه مهدویت قابل اجرا می‌باشد.

۲.۱. جلوگیری از سلطه دشمن بر فناوری اطلاعات

فضای مجازی بهترین ابزار برای سلطه طلبانی است که می‌خواهند مرزهای سلطه خود را در سایر سرزمین‌ها افزایش و با تکیه بر مدیریت افکار، جوامع دیگر را به سمت تامین نیازهای خود سوق دهند، و قطعا تفکر جوانان یک کشور می‌تواند بیش‌ترین فشار را بر رهبران حکومت، برای برآورده کردن نیازهای خود بیاورد.^۱

اگر فناوری‌های جدید ارتباطاتی در اختیار کشور باشد و دسترسی دشمن در آن به صفر برسد، راه مقابله با تسلط دشمن بر فناوری اطلاعات بسیار آسان خواهد شد و می‌توان امیدوار بود که مانع گسترش اهداف نظام سلطه در کشور باشیم. لذا مهم‌ترین راهکار مقابله با هجمه دشمنان در فضای مجازی، کنترل تمام و کمال آن در داخل کشور است^۲؛ چنان که از آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»؛ (و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است)؛ استفاده می‌شود؛ باید به سمت استقلال در فضای مجازی حرکت کنیم.

صاحبان و گردانندگان اصلی فضای مجازی می‌دانند که استقلال کشورها در فضای مجازی از اصلی‌ترین راه‌های مقابله با آنان است و لذا سعی دارند با استفاده از افراد فریب خورده و نفوذی

۱. سلامی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/jDbmw>

۲. احمد نیا، قابل دسترسی از: <https://201.ir/kXYKS>

خود، در کشورهایی که به سمت استقلال در حکمرانی مجازی در حرکتند، مردم را مجاب کنند که استقلالی در کار نیست و صرفاً قرار است دیواری بین شما و جهان کشیده شود و از اطلاعات شما انحصاراً علیه خودتان در داخل کشور استفاده گردد؛^۱ درحالی که واقعیت کاملاً وارونه است؛ استقلال در فضای مجازی به معنای قطع ارتباط با دیگران و اپلیکیشن‌های خارجی نیست، بلکه بدین معناست که اجازه ندهیم داده‌های حیاتی و مهم شهروندانی که از فضای مجازی استفاده می‌کنند، به بیگانگان برسد و و هر چیزی به داخل کشور وارد یا از آن خارج نشود و در عین حال، دسترسی به داده‌های مفید علمی برای همگان میسر باشد.^۲

آیا استقلالی که در نظام جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده، موجب این شده است که کسی از مبدا ایران نتواند به کشورهای مختلف و یا با مبادی خارجی به ایران سفر کند؟ تورهای مسافرتی فراوانی با آفر (تخفیف)‌های مختلف در دسترس همگان قرار دارد و البته برای مسافر در داخل کشور شرایط و ضوابطی در نظر گرفته شده است.

استقلال در فضای مجازی به همین معناست. قرار نیست در واقع، دیواری کشیده شود و کاربرد فضای مجازی به پیام‌رسانی همچون ایتا یا روبیکا محدود گردد، بلکه قرار است با حفظ حریم خصوصی، او از دسترسی دشمنان در فضای مجازی، در امان نگه داشته شود و از او علیه منافع کشور استفاده نگردد و در عین حال، او نیز به سایر اپلیکیشن‌ها و سایت‌ها دسترسی داشته باشد، به شرط رعایت قوانین و ضوابطی معقولی که همه کشورها با توجه به نظام خود (که متشکل از باورها و اعتقادات مختلفی است) دارند.^۳

همین مسئله مهندسی اطلاعات، این ابزارهای جدیدی که وارد میدان شده است، این‌ها همه ابزارهایی هستند برای تسلط بر فرهنگ یک کشور. بنده با این حرف نمی‌خواهم بگویم این ابزارها را از زندگی خودمان خارج کنیم؛ نه، این‌ها ابزارهایی هستند که می‌توانند مفید واقع

۱. گزارش نبض فناوری، قابل دسترسی از: <https://201.ir/uYrHb>

۲. گزارش کیهان، قابل دسترسی از: <https://201.ir/MRGdi>

۳. نصیری، قابل دسترسی از: <https://201.ir/livxU>

بشوند؛ اما سلطه دشمن را از این ابزارها بایستی سلب کرد.^۱

بنابراین، ضروری است کنترل فناوری را به جهت سوء استفاده دشمن از او سلب کرد و اجازه نداد زمینه‌ای برای تغییر باورها، فرهنگ و آداب و رسوم دینی کشور ایجاد کند، و در مقابل، از ابزار فناوری برای رشد و اعتلای باورهای دینی، ملی و مذهبی، و مطابق با فرهنگ کشور نهایت استفاده را برد و از یک ابزار خطرناک که کشور را بارها در مقاطع مختلف دچار آشوب و هرج و مرج کرده است، یک فرصت عالی ساخت.^۲

۲.۲. ایجاد شبکه ملی اطلاعات

کج فهمی، غفلت و کم کاری در زمینه شبکه ملی اطلاعات، موجب شده است که جامعه و تقریباً تمامی جوانان کشور، به منظور رفع نیازهای خود، از فضای مجازی یله و رهای فعلی استفاده کنند و حتی نیروهایی که برای جنگ نرم آموزش دیده‌اند و باید در فضای مجازی اثر گذار باشند، از باب ضرورت برای عقب نماندن از قافله، از همین فضا برای پیگیری و پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند و یکی پس از دیگری، در فضای مجازی فعلی با قوانینی مواجه می‌شوند که ارزش‌های دینی و اسلامی در آن قوانین رنگ و بویی ندارد و در نهایت موجب حذف آن‌ها خواهد شد.^۳

در مسئله فضای مجازی، آنچه از همه مهم‌تر است، مسئله شبکه ملی اطلاعات است. متأسفانه در این زمینه کوتاهی شده است. این‌که ما به عنوان این‌که نباید جلو فضای مجازی را گرفت، در این زمینه‌ها کوتاهی کنیم، این، مسئله‌ای را حل نمی‌کند و منطق درستی هم نیست... کشورهایی که شبکه ملی اطلاعات درست کرده‌اند و [فضای مجازی را] کنترل کرده‌اند

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۹۵/۰۳/۱۴ قابل دسترسی از:

<https://khl.ink/f/33259>

۲. بزرگی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/qTPiG>

۳. طاهری، قابل دسترسی از: <https://201.ir/dEZQh>

به نفع ارزش‌های مورد نظر خودشان، یکی دو تا نیستند.^۱

«شبکه ملی اطلاعات»، به عنوان زیر ساخت ارتباطاتی فضای مجازی کشور، از مهم‌ترین پروژه‌های فعلی در عرصه حکمرانی فضای مجازی کشور است و ایجاد آن، با توجه به رویکردهای جهانی و ضرورت‌های ملی، موجب مقابله با حجم وسیعی از شبهات، مفاسد اخلاقی و توهین به مقدسات، رشد و پرورش باورهای اصیل فرهنگی، سرعت بالای اینترنت، صیانت از اعتقادات اسلامی و دینی و بهره مندی از مزایای اقتصادی صنعت و زیست بوم فضای مجازی خواهد شد.^۲

راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، موجب رشد و تعالی کشور می‌شود و بر ترویج ارزش‌های اسلامی، به ویژه آموزه مهدویت و همچنین مقابله با ترویج و سبک زندگی غربی بسیار اثر گذار خواهد بود.^۳

۲.۳. ساخت یک شبکه اختصاصی از سوی صدا و سیما

اگر زمانی شبکه ملی اطلاعات هم تشکیل شد، باز مقابله با حجم وسیع سوالات و شبهاتی که به اذهان جوانان و عموم مردم می‌رسد، به تنهایی از عهده فضای مجازی خارج است و ایجاد شبکه‌ای به منظور پاسخگویی به شبهات دینی و انحرافی که از سوی فرقه‌های منحرف دینی مطرح می‌شود؛ برای آموزه مهدویت ضروری است.

شبکه جهانی ولایت، نمونه موفق از این دست شبکه‌ها است. به نظر می‌رسد بسیار مناسب است که به تدریج این نوع شبکه‌ها با توجه به نیاز از سوی نهادهای مختلف تشکیل، و در قالب شبکه‌های تلویزیونی، رادیویی و خبرگزاری کار خود را شروع کنند. به عنوان مثال، معاون راهبردی قوه قضاییه سال‌ها پیش بیان کرد که قوه قضائیه برای انعکاس حجم کارهای خود،

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۶/۰۳/۲۲، قابل دسترسی از: <https://khl.ink/f/36824>

۲. نسبتی، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/qedmm>

۳. عرفانیان، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/ILjaI>

زبان گویایی ندارد و فعالیت‌های آن به جامعه اطلاع داده نمی‌شود و ضروری است در آینده نزدیک شبکه تلویزیونی، خبرگزاری و یا روزنامه‌ای به منظور اطلاع‌رسانی دقیق فعالیت‌های قوه قضاییه به مردم، توسط قوه قضائیه ایجاد شود.^۱

بنابراین، ایجاد یک شبکه جهانی، مانند شبکه ولایت (که برای تثبیت و استحکام بنیان‌های تئوریک و تقویت علمی مبانی نظری و پاسخ‌گویی به شبهات و سوالات و دفاع از اندیشه‌های متعالی اسلام ناب شیعی تاسیس شده است)^۲ برای آموزه اصیل مهدویت احتیاج است و قطعاً صدا و سیما با تاسیس آن، می‌تواند بسیاری از مشکلات اعتقادی و عقیدتی دینی و مهدوی جامعه را حل کند.

۲.۴. تقویت پایه‌های دینی فرزندان با تکیه بر کتاب‌های درسی و مدارس

جامعه دینی به تربیت دینی نیاز دارد تا افراد در آن استعدادهایشان را شکوفا کنند. شیوه تربیتی مدرسه بر شخصیت دانش‌آموزان بسیار مؤثر است. تربیت در همه ابعاد اعتقادی، عبادی و اخلاقی با توجه به ابعاد وجودی انسان، کار ساده‌ای نیست و لذا لازم است همه عوامل مؤثر بر تربیت در مدرسه و خارج از آن به طور هماهنگ به تربیت افراد بپردازند.^۳

با توجه به متون درسی و اهمیت مدارس که نقش اساسی در تربیت دینی دانش‌آموزان در نظام اسلامی دارند و همچنین روایت امام صادق: «بَادِرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِئَةُ»؛ (در آموزش حدیث به فرزندان‌تان شتاب کنید، پیش از آن‌که مرجئه [= منحرفان] زودتر از شما به سراغ آن‌ها بروند)^۴؛ ضروری است با اصلاحات لازم در کتاب‌های دینی، دانش‌آموزان را از خطر گسترش شبهات مختلف دینی مصون داشت و آن‌ها را برای مقابله با سوالات و شبهات مختلفی، از جمله شبهات مربوط به آموزه مهدویت آشنا کرد تا در مواقع لازم گرفتار دام فرقه‌های

۱. ذوالقدر، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/rHxy1>

۲. معرفی شبکه جهانی ولایت در سایت ولایت، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/jirwL>

۳. دهقانی، قاسمی سیانی، قابل دسترسی از: <https://20l.ir/SXKGk>

۴. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۴۷.

انحرافی و ادیان دیگر نگردند.

۲.۵. ایجاد پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های مجازی و نرم افزارهای به روز و چندزبانه

تاسیس شبکه‌های مجازی فعال و ایجاد پایگاه‌های اینترنتی به روز و جامع که زبان‌های مختلف را پوشش دهد؛ برای مقابله با مهدی‌هراسی، پاسخ به شبهات متعدد فرقه‌های انحرافی، و سوالات مربوط به مهدویت و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و به طور کلی مسائلی که هویت دینی را هدف قرار می‌دهند؛ از راهکارهای دیگری است که تا حدودی به آن توجه شده است؛ اما متأسفانه در مقابل حجم وسیع و کیفیت کاری که مخالفان اسلام شیعی و مهدویت انجام می‌دهند؛ همچنان ناچیز است.^۱

راهکار مهم دیگر که باید مورد توجه نهادهای حوزوی - که پاسخگویی دینی دارند - قرار گیرد؛ توجه به ساخت نرم افزارهای دینی-مهدوی است که از پایگاه‌های اینترنتی سهل الوصول‌تر هستند و به سرعت، اکثر پایگاه‌های اینترنتی فعال، برای حفظ مخاطب خود به سمت آن روی آورده‌اند و با بروزرسانی‌های مختلف، با توجه به علایق و نیازهای مخاطب، نرم افزارهای خود را پرکاربردتر می‌کنند.^۲

۲.۶. آموزش و تربیت مبلغان متخصص در فضای مجازی و سواد رسانه

حضور موثر و ارزشمند در فضای مجازی، مستلزم احاطه کامل بر آن و شناخت دقیق ابعاد و اضلاع آن و اطلاع دقیق از شرایط زمانی و مکانی است. این مهم، مبلغ را در رساندن به هدفی که دنبال می‌کند، یاری می‌رساند.^۳

از جمله مواردی که مبلغ می‌تواند با آن تاثیرگذاری بیش‌تری در فضای مجازی داشته باشد، شناخت نیاز و خواسته‌های کاربران مختلف، به کارگیری روش‌های مختلف اثر گذاری و

۱. عظیمی خرم‌آبادی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/PrXah>

۲. طباطبایی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/IUjgf>

۳. حسینی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/slQpA>

همچنین مخاطب شناسی در فضای مجازی است.^۱ لازمه حضور تبلیغی موثر بر فضای مجازی، یادگیری تکنولوژی‌ها و روش‌های جدیدی است که لازم است مبلّغ در کنار رصد دقیق جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی مختلف انجام دهد و در جهت دهی تبلیغ مجازی خود از آن استفاده بهینه کند.^۲ همچنین بهره‌گیری از ابزار چند رسانه‌ای (متن، فیلم، عکس، گرافیک و کلیپ) با هدف بسط دامنه فعالیت و حضور فعال‌تر در اینترنت و افزایش جذابیت اطلاعات و محتوای ارائه شده در فضای مجازی ضروری می‌باشد.^۳

۱. موظف رستمی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/DzioX>

۲. روح بخش، قابل دسترسی از: <https://201.ir/bwSWG>

۳. بیات، مقاله ضرورت تبلیغ دین از رسانه‌های نوین، ص ۳.

نتیجه‌گیری

«فضای مجازی» با زندگی حقیقی مردم به ویژه قشر جوان و نوجوان کاملاً تنیده شده است. در کنار تمامی محاسنی که در این فضا وجود دارد؛ تضعیف آموزه‌های دینی و بالتبع مهدوی در میان جوانان مشهود است و این، به دلیل رهاشدگی فضای مجازی در کشور است.

به منظور جلوگیری از آسیب‌های فعلی به قشرهای مختلف جامعه اسلامی-شیعی در کشور؛ در ابتدا لازم است ترفندهای دشمنان را برای تخریب عقیده در فضای مجازی شناخت و سپس برای مقابله آن، راهکار و تمهیداتی ارائه کرد.

ترفندهایی که در فضای مجازی بیش‌تر مورد اسفاده قرار گرفته است؛ جعل روایات و استفاده از روایات ضعیف، تغییر و تخریب دین، ارائه منجی و نجات دهنده کاذب، از بین بردن قداست، اخلال در عقاید، ایجاد تفرقه و برهم زدن وحدت، ایجاد آشفتگی در ذهن، تحریک احساسات و بازی با آن‌ها و انکار و ایجاد شبهه و تردید را شامل می‌باشد. مهم‌ترین راهکارهایی که برای مقابله با این ترفندها وجود دارد، عبارت است از:

ایجاد شبکه ملی اطلاعات، ساخت یک شبکه اختصاصی از سوی صدا و سیما، تقویت پایه‌های دینی فرزندان با تکیه بر کتاب‌های درسی و مدارس، ایجاد پایگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های مجازی و نرم افزارهای به روز و چند زبانه و آموزش و تربیت مبلغان متخصص در فضای مجازی و سواد رسانه.

واضح است که عملی کردن برخی از راهکارهای بیان شده، بدون توجه و اراده ارکان حکومت و نهادهای مرتبط و بدون مقابله با ترفندهای آتی دشمن در فضای مجازی، ممکن نخواهد بود.

منابع

قرآن کریم.

۱. عظیمی، کاظم، *درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن*، فصلنامه دین و ارتباطات، شماره ۳۷، اسفند ۱۳۸۹.
۲. بیات، حجت الله، *ضرورت تبلیغ دین از رسانه‌های نوین*، نشریه مبلغان، شماره ۹۲، تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲
۳. سیاح طاهری، محمدحسین، *حقیقت مجازی: درباره فضای مجازی چه بدانیم و چه بگوییم؟* مرکز ملی فضای مجازی، تک جلدی، تهران، ۱۳۹۵.
۴. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۵ جلدی، تهران، ۱۳۷۷.
۵. دهقانی زهرا، قاسمی سیانی محمد، *نقش مدرسه در تربیت دینی دانش آموزان*، سایت راسخون، قابل دسترسی از: <https://201.ir/SXKGk>
۶. پورزند، مصطفی، *ایجاد انحراف در اعتقادات و باورهای جوانان و نوجوانان هدف اصلی جنگ نرم و تهاجم فرهنگی*، سایت خبرگزاری جمهور اسلامی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/OegPj>
۶. القفقازی، ناصر بن عبدالله، *اصول مذهب شیعه*، نشر الفقهة، قم، ۱۴۲۳ ق.
۷. ملاحسنی امیرحسین، *پاسخ به شبهه طول عمر امام زمان*، سایت آپارات، قابل دسترسی از: <https://201.ir/KjKzM>
۸. مکارم شیرازی، ناصر، *ضعف اعتقادی جوانان خطری برای آینده کشور است*، سایت خبرگزاری ایسنا، قابل دسترسی از: <https://201.ir/WnEQC>
۹. شاکری، مصطفی، *عوامل اصلی گرایش افراد به سمت فرقه‌های انحرافی*، سایت خبرگزاری مهر، قابل دسترسی از: <https://201.ir/YUNoX>
۱۰. پیچ ظهور کرد، اطلاع از محل قبر حضرت زهرا(س)، اینستاگرام، قابل دسترسی از: <https://201.ir/kdQgY>

۱۱. تحریریه موسسه آینده روشن، *تحریک احساسات و عواطف مردم در زمینه مهدویت و ظهور فرقه‌های انحرافی*، سایت موسسه آینده روشن، قابل دسترسی از:

<https://201.ir/YXIWb>

۱۲. غلامی، رضا، *رابطه فضای مجازی و تشویش افکار عمومی*، سایت خبرگزاری فارس، قابل دسترسی از: <https://201.ir/wwWtP>.

۱۳. نقدی محمدرضا، *فتنه‌انگیزی دشمن در حوزه فضای مجازی*، سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی از: <https://201.ir/CwHYD>

۱۴. حسینی سید محمود، *سرمایه‌گذاری آمریکا در فضای مجازی علیه ایران با هدف ناامیدسازی جوانان است*، سایت خبرگزاری فارس، قابل دسترسی از: <https://201.ir/UGgKF>

۱۵. خامنه‌ای سید علی، *بیانات مقام رهبری در دیدار کارکنان حج*، سایت Khamenei.ir، قابل دسترسی از: <https://khl.ink/f/23963>

۱۶. —، *بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها*، سایت Khamenei.ir، قابل دسترسی از: <https://khl.ink/f/17082>

۱۷. —، *بیانات مقام معظم رهبری در جمع روحانیون شیعه و اهل سنت کرمانشاه*، سایت Khamenei.ir، قابل دسترسی از: <https://khl.ink/f/17659>

۱۸. —، *بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی*، سایت Khamenei.ir، قابل دسترسی از: <https://khl.ink/f/33259>

۱۹. —، *بیانات در دیدار مسئولان نظام*، سایت Khamenei.ir، قابل دسترسی از: <https://khl.ink/f/36824>

۲۰. خاضع سید جواد، *تبیین درست مباحث مربوط به مهدویت و پاسخ به شبهات*، سایت خبرگزاری ایسنا، قابل دسترسی از: <https://201.ir/xcQxz>

۲۱. عاملی سید حسن، *قداست زدایی از دین بزرگ‌ترین تهدید جوامع اسلامی*، سایت خبرگزاری مهر، قابل دسترسی از: <https://201.ir/QitVd>

۲۲. طالعی فرضا، *نقش فضای مجازی در ترویج مهدویت ستیزی*، سایت فرارو، قابل دسترسی

از: <https://201.ir/KEkIn>

۲۳. طباطبایی نژاد سید یوسف، **تلاش دشمن در فضای مجازی برای دورکردن مردم از ولایت**

فقیه، سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی، قابل دسترسی از: <https://201.ir/YIOkn>

۲۴. جمعی از نویسندگان، **جولان مدعیان دروغین در فضای مجازی**، سایت فاران، قابل

دسترسی از: <https://201.ir/pwQJN>

۲۵. رحیمی جواد، **شگرد فرقه‌های انحرافی مهدویت در فضای مجازی**، سایت منجی

دوازدهم، قابل دسترسی از: <https://201.ir/RfuWC>

۲۶. سرویس بین الملل خبرگزاری حوزه، **استفاده داعش از فضای مجازی برای جذب نسل**

جوان، سایت خبرگزاری حوزه، قابل دسترسی از: <https://201.ir/KfujB>

۲۷. نوری رضا، **تلاش دشمن از طریق فضای مجازی برای تغییر باورهای دینی**، سایت

خبرگزاری ایسنا، قابل دسترسی از: <https://201.ir/NTDaF>

۲۸. تحریریه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، **خرافات و شایعات مربوط به ظهور**

امام زمان علیه السلام، سایت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قابل دسترسی از:

<https://201.ir/aYNCI>

۲۹. طباطبایی محمدرضا، **مسیحیت تبشیری از زوایه‌ای دیگر**، سایت خبرگزاری فارس، قابل

دسترسی از: <https://201.ir/XcyRE>

۳۰. گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، **اعترافات عوامل شبکه دین ستیز**، سایت خبرگزاری

تابناک، قابل دسترسی از: <https://201.ir/aSIVi>

۳۱. خاموشی مجید، **پلایش احادیث در عصرنامه عجل الله تعالی فرجه الشریف و پدیده جعل**، سایت حدیث نت، قابل

دسترسی از: <https://201.ir/YsMnX>

۳۲. ملکی راد محمود، **برداشت نادرست از روایات مهم‌ترین آسیب مباحث مهدویت**، سایت

حدیث نت، قابل دسترسی از: <https://201.ir/YsMnX>

۳۳. جمعی از نویسندگان، **فرقه احمد الحسن، بدلی برای زمینه سازی در ظهور**، سایت فاران،

قابل دسترسی از: <https://201.ir/hUZA0>

۳۴. صادقی سید جعفر، *روایات ضعیف، دستاویز تشکیک مهدویت*، سایت ایبنا، قابل دسترسی

از: <https://201.ir/eFSqR>

۳۵. فؤادیان محمدرضا، *تطبیق آسیب جدی مباحث مهدویت*، سایت خبرگزاری شبستان، قابل

دسترسی از: <https://201.ir/opprq>

۳۶. صادقی لطیف، *برداشت‌های غلط از انتظار و مهدویت*، سایت خبرگزاری رسا، قابل دسترسی

از: <https://201.ir/HpjTE>

۳۷. علیزاده موسوی، *سوء استفاده داعش از روایات و نمادهای آخرالزمانی*، سایت بلاغ، قابل

دسترسی از: <https://201.ir/eTJNW>

۳۸. سلامی حسین، *فضای مجازی تنها راه باقی مانده برای دشمنان*، سایت خبرگزاری ایسنا،

قابل دسترسی از: <https://201.ir/jDbmw>

۳۹. احمدنیا امیرحسین، *سلب سلطه دشمن از فناوری و رسانه و کنترل آن‌ها*، سایت بصیرت

رسانه، قابل دسترسی از: <https://201.ir/kXYKS>

۴۰. گزارش نبض فناوری، *جهان، علیه انحصارگرایی آمریکا در اینترنت*، سایت نبض فناوری،

قابل دسترسی از: <https://201.ir/uYrHb>

۴۱. گزارش کیهان، *بستن راه نفوذ دشمن با استقلال فضای مجازی و تقویت پیام‌رسان‌های*

داخلی، سایت مشرق نیوز، قابل دسترسی از: <https://201.ir/MRGdi>

۴۲. طاهری فائزه، *بی توجهی به لایه محتوای شبکه ملی اطلاعات*، سایت خبرگزاری ایسنا،

قابل دسترسی از: <https://201.ir/dEZQh>

۴۳. بزرگی شیروود، *تغییر باورهای دینی و انقلابی مردم راهبرد دشمنان در فضای مجازی*

است، سایت خبرگزاری ایسنا، قابل دسترسی از: <https://201.ir/qTPiG>

۴۴. نصیریایی مجید، *طرح صیانت به دنبال فیلترینگ نیست*، سایت خبرگزاری مهر، قابل

دسترسی از: <https://201.ir/livxU>

۴۵. ذوالقدر محمدباقر، *افتتاح شبکه تلویزیونی قوه قضاییه*، سایت آخرین خبر، قابل دسترسی

از: <https://201.ir/rHxyl>

۴۶. عرفانیان مهدی، *مبانی دینی و قرآنی راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات*، سایت خبرگزاری تسنیم، قابل دسترسی از: <https://201.ir/ILjaI>
۴۷. نسبتی یاسمین، *شبکه ملی اطلاعات؛ تحکیم استقلال و امنیت ارتباطات کشور*، سایت خبرگزاری ایسنا، قابل دسترسی از: <https://201.ir/qedmm>
۴۸. عظیمی خرم‌آبادی کاظم، *زمینه‌سازی رسانه‌ای - تبلیغاتی ظهور مهدی موعود*، سایت موسسه آینده روشن، قابل دسترسی از: <https://201.ir/PrXah>
۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، مصحح و محقق: علی‌اکبر، غفاری؛ دار الکتب الإسلامية، چاپ اول، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۵۰. روح بخش، سید کاظم، *رمنز موفقیت در تبلیغ مجازی*، سایت خبرگزاری رسا، قابل دسترسی از: <https://201.ir/bwSWG>
۵۱. موظف رستمی، محمدعلی، *فضای مجازی و تبلیغات دینی*، سایت مسجد پژوه، قابل دسترسی از: <https://201.ir/DzioX>
۵۲. حسینی، محمد مصطفی، *بایسته‌های تبلیغ در فضای مجازی از نگاه رهبر معظم انقلاب*، سایت فصلنامه ره آورد نور، قابل دسترسی از: <https://201.ir/slQpA>
۵۳. طباطبایی، سید ابوالفضل، *نگاهی به نرم افزارهای مهدویت*، سایت موعود، قابل دسترسی از: <https://201.ir/IUjgf>

راهبردهای آموزشی توسعه فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر نظام

فکری رهبر انقلاب

مصطفی ابراهیمی^۱

چکیده

فضای مجازی منظومه و دامنه‌ای وسیع و گسترده است که همه ابعاد زندگی امروزه را در بر گرفته؛ وضعیت پیچیده‌ای ایجاد کرده و به جنبه‌های گوناگون زندگی شخصی و اجتماعی افراد وارد شده است. امروزه آموزش مفاهیم مهدویت به شیوه سنتی و مبتنی بر سخنرانی، به تنهایی جوابگوی آموزش نیست و تدریس، شیوه‌های جدیدی می‌طلبد. یکی از این رویکردها که شیوه‌های جدید را در آموزش مهدویت به وسیله راهبردهای جدید ایجاد کرده، استفاده از فضای مجازی است. پژوهش حاضر تلاش کرده است با بررسی جایگاه دو موضوع «مهدویت» و «شبکه‌های اجتماعی»، به استخراج و تبیین راهبردها و استراتژی‌ها در تقویت و توسعه آموزش معارف مهدویت بپردازد. یافته‌های این پژوهش به دنبال شناخت و ارائه راهبردهای تقویت آموزش فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری است. برای این امر، پس از شناخت مفاهیم و منظومه فکری رهبری انقلاب، به ارائه راهبردهای متناسب هفت گانه، در ذیل یک راهبرد کلان «تقویت و توسعه تعلیم و تربیت (خودسازی، جامعه‌پردازی، نظام‌سازی و تمدن‌سازی) مهدویت در شبکه‌های اجتماعی» پرداخته است.

واژگان کلیدی: فرهنگ مهدویت، شبکه‌های اجتماعی، راهبردهای آموزشی، نظام فکری رهبر معظم انقلاب.

مقدمه

در دنیای امروز گستره و حیطه نفوذ روزافزون و فراگیر تکنولوژی‌های جدید ارتباطاتی، در ابعاد مختلف، تمام بخش‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بشر را با تحولات و تغییرات مداوم و جدی، مواجه ساخته و از این رو، حیات اجتماعی و آرامش روحی انسان را با چالش‌ها و تغییرات روبه‌رو کرده است. بسط و دامنه روز افزون شبکه‌های مجازی در تمام شئون زندگی مردم، به ویژه نفوذ و حضور فعال این شبکه‌ها در بین آحاد جامعه، افکار و اعتقاد آن‌ها را تحت تاثیر قرار داده است. دامنه فراگیر اینترنت، همراه با عرضه محتوا و مطالب نوبه‌نو، سبب شده است تا شاهد حضور و نفوذ آن در تمام جنبه‌های زندگی بشر به ویژه در عرصه باور و اعتقاد آن‌ها باشیم. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، در تغییر نگرش در جامعه، مهم‌ترین نقش را بر عهده دارند. نقش شبکه اجتماعی در تغییر افکار عمومی به حدی است که مک کویل در نوشته‌های خود، کارکرد دیگری را تحت عنوان «بسیج اجتماعی» به مجموعه کارکردهای شبکه اجتماعی می‌افزاید.^۱

امروزه پرسش‌های جهت‌دار و شبهات دینی با انگیزه‌های گوناگون توسط افراد و گروه‌های مختلفی تولید و به شیوه‌های گوناگونی در شبکه‌های اجتماعی توزیع می‌شود. در وضعیت کنونی، به سبب گسترش امکانات شبکه‌های اجتماعی و آشنایی اکثر مردم با ابزارهای جدید ارتباطی، زمینه شیوع شایعات و شبهات دینی به صورت نگران کننده‌ای فراهم آمده و تولید و توزیع شبهه، بدون وقفه در حال گسترش و ورود به افکار مردم است.

در حال حاضر، مطالب زیادی در نقد دین، دینداری و ارزش‌های دینی در فضای مجازی دست به دست می‌شود که عموماً ادعاهایی بی‌اساس و مطالبی غیرمستند و باطل است؛ مطالبی که معمولاً با ادبیات تحریک کننده و در کنار هم قراردادن راست و دروغ و استفاده از الفاظ حساسیت‌زا، در تحقیر باورها و ارزش‌های دینی و متزلزل کردن شاکله فکری و اعتقادی مؤمنان سعی و تلاش دارند. در اغلب شبهاتی که توزیع می‌شود، هم ادعاهای نادرست ملاحظه می‌شود و

۱. مهرداد هرمز، مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم جمعی، ص ۷۶.

هم دلایل؛ دلایلی که با الفاظ ویژه و فضا سازی روانی، کوشش می‌شود به عنوان دلایلی موجه و مؤثر واقع شوند و مخاطب را خلع سلاح کنند و پایه‌های ایمان او را به لرزه درآورند. اندیشه‌ها و مکاتب گوناگون، از بستر شبکه‌های اجتماعی به منظور ارائه مطالب و عقاید مورد نظر خویش بهره می‌برند و فضای مجازی را به عنوان بستری برای تقابل و جنگ همه جانبه با اسلام و مذهب حقه شیعه و به طور خاص، اندیشه و عقیده مهدویت به کار گرفته‌اند.

مباحث حوزه دین در گردش دوران، فضایی مناسب برای گسترش مسائل و بالنده شدن تفکر عموم بوده است اما در این عصر «شبکه‌های اجتماعی» نقشی بی بدیل در جهت دهی فرهنگ و ارزش‌های دینی در عموم جامعه دارند. شبکه‌های اجتماعی که پدیده‌ای جذاب، فراگیر و دارای تنوع گسترده می‌باشد، علاوه بر نفوذ در میان قشرهای مختلف جامعه، به وسیله هویت ساز جدیدی تبدیل شده که از یک طرف، فضای مناسب برای انتقال و سو دهی معارف و از سوی دیگر، سبب تغییر و مقابله ارزشی و چالشی در هویت دینی، خصوصا در حوزه آموزه مهدویت گردیده است. از همین روست که مقام معظم رهبری درباره میزان اهمیت شبکه‌های اجتماعی جدید می‌فرمایند:

«امروز تأثیر شبکه‌های اجتماعی و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیش‌تر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است، روزه‌روز هم دارند این میدان را گسترش می‌دهند.»^۱

بر اساس تحلیل وضعیت فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی و نحوه مواجهه عموم جامعه با آن، تدوین راهبردها به منظور تقویت و توسعه آموزه مهدویت و برای مواجهه هوشمندانه با منافع و آسیب‌های شبکه‌های مجازی نیازمند برخاستن از مصدري متقن، قابل اتکا و مشروع است و بی تردید ضرورت دارد که مبنا و ریشه راهبردها، برآمده از اندیشه و تفکر مدبرانه، حکیمانه و آینده نگرانه باشد. در همین زمینه، این نوشتار تلاش کرده است الگوی راهبردی تقویت مهدویت در شبکه‌های اجتماعی را با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع کارمندان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۲/۲۸

دریافت و تحلیل کند. بدین منظور، ابتدا کلیدی‌ترین مؤلفه‌های شایسته‌تُمركز در مصاحبه اکتشافی با متخصصان، استخراج شده است و بعد از مشخص نمودن جایگاه فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی، تحلیل راهبردی ارائه خواهد کرد.

بنابراین، باتوجه به جایگاه ویژه فرهنگ مهدویت و شبکه‌های اجتماعی برای پی ریزی راهبردهای تقویت و توسعه‌ای در این فضا؛ ضروری است، موقعیت فرهنگ و آموزه مهدویت در فضای اجتماعی را شناسایی کرد. البته با توجه به مشاهدات مستقیم و مطالعات پیشینی، زمینه وضعیت فرهنگ مهدوی، به رغم گسترش‌ها و رشدهایی که داشته است، شاهد ضعف‌ها و آسیب‌هایی خصوصاً در شبکه‌های اجتماعی هستیم که مهم‌ترین این آسیب‌ها به سطحی ماندن فرهنگ مهدویت و ظهور جریان‌های انحرافی و ارائه تفسیرهایی کاملاً سطحی و منحرف از فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی جامعه امروز بر می‌گردد؛ اما راه حل بسیاری از موارد یاد شده در فضای مجازی با مدیریت راهبردی به وسیله تکیه بر ذهنیتی پویا، آینده‌نگر و جامع به آموزه پیشران مهدویت با توجه بر نظام فکری رهبر معظم انقلاب مرتفع خواهد شد. به عبارت دیگر، می‌توان ضرورت برنامه ریزی راهبردی را تعیین‌کننده توسعه و تقویت مهدویت در فضای مجازی دنیای امروز دانست. بنابراین، مهم‌ترین ابزارهایی که فرهنگ مهدویت، برای حصول موفقیت در حال و آینده می‌تواند از آن بهره ببرد، شناخت وضعیت و برنامه ریزی راهبردی می‌باشد.

دغدغه و مسئله اساسی پژوهش حاضر، فقدان برنامه و طرح راهبردی مشخص برای تعمیق فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی و مواجهه با چالش‌ها و آسیب‌های آن است. دغدغه مندی مقام معظم رهبری در مورد فضای مجازی و همچنین فقدان راهبردهای متناسب مبتنی بر بیانات و رهنمودهای ایشان در عرصه فضای مجازی فرهنگ مهدویت، ما را بر آن داشته است تا با بررسی وضعیت جاری فرهنگ مهدویت و انتظار در شبکه‌های اجتماعی، راهبردهای روزآمد متناسب و فراگیر برای تقویت و توسعه فرهنگ مهدویت در شبکه‌های مذکور مطابق بر نظام فکری رهبر معظم انقلاب، استخراج و ارائه گردد.

پیشینه پژوهش

۱. امیرمحسن عرفان، کتاب «شبکه اجتماعی و آموزه مهدویت»، ناشر: موسسه بنیاد فرهنگی

حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام و وَجَّهَ الشَّرِيف سال ۱۳۹۴.

در این کتاب نویسنده می‌کوشد الگویی خاص در ارتباط میان شبکه اجتماعی و آموزه مهدویت ارائه و با توجه به قابلیت‌های آموزه مزبور، به کاوش در مورد آن بپردازد. در بخش نهایی کتاب نیز به موضوعاتی نظیر کارکردهای تدوین راهبرد شبکه اجتماعی در عرصه مهدویت، بایسته‌های راهبردهای مهدوی شبکه اجتماعی، رصد محیطی شبکه اجتماعی در عرصه مهدویت و مدل پیشنهادی راهبردهای شبکه اجتماعی در زمینه مهدویت اشاره شده است.

۲. عبدالمؤمن حکیمی، پژوهش «راهبردهای مدیریتی فضای مجازی در اندیشه مقام معظم

رهبری»، فصلنامه میان رشته‌ای pure Life، ۱۳۹۸.

در این پژوهش، چارچوب نظری راهبردهای مدیریتی فضای مجازی، برگرفته از اندیشه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی؛ به عنوان پشتیبان نظری مباحث مطرح شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، با نگاه کلی به اندیشه‌های راهبردی مقام معظم رهبری درباره فضای مجازی، می‌توان عرصه‌های مختلف آن را، از جمله آموزش دینی، با به کارگیری راهبردهایی چون شناخت فرصت‌ها و تهدیدها، برنامه ریزی هدفمند، مقاوم سازی فرهنگی، به کارگیری روش‌های تبلیغاتی کارآمد، نظارت و پایش و قانون و اخلاق مداری مدیریت کرد.

۳. محسن پورسیدآقایی؛ محمد فهمیده و مهدی عمرانی قاسم‌زاده، راهبردهای فرهنگی

مهدویت برای جامعه و دولت زمینه‌ساز، بر اساس مدل SWOT، مشرق موعود سال چهارم، پاییز ۱۳۸۹ شماره ۱۵.

در این پژوهش، نویسندگان، نخست مختصات فرهنگی جامعه مهدوی را از دیدگاه آیات و روایات (جامعه پس از ظهور) بیان، و سپس قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگ مهدویت در سطح جامعه شیعی ایران از دیدگاه تیم پژوهش، شناسایی کرده و با تجزیه و تحلیل محیط داخلی و خارجی، وضعیت فعلی فرهنگ مهدوی در سطح کشور را تبیین کرده‌اند. در

ادامه، راهبردهای کلان پیشنهادی فرهنگ مهدوی در چهار حوزه برای رسیدن به جامعه منتظر مطلوب ارائه شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر در استخراج راهبردهای تقویت و توسعه فرهنگ مهدویت و انتظار در شبکه‌های اجتماعی؛ نگرش راهبردی براساس شناسایی وضعیت و بینش رهبر انقلاب می‌باشد که طبق فرایندی علمی، وضعیت شناسی فرهنگ مهدویت در عرصه فضای مجازی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و تلاش خواهد شد با استفاده از روش «تحلیل محتوا» و تطبیق با وضعیت موجود فرهنگ مهدویت در عرصه فضای مجازی، راهبردهای آموزشی مهدویت در شبکه‌های اجتماعی ارائه شود. همچنین به منظور مشخص کردن محدوده مطالعاتی پژوهش، شایان ذکر است که مراد ما از شبکه‌های اجتماعی محدود با تکیه بر زبان فارسی می‌باشد. گفتنی است که جامعه آماری پژوهش حاضر، پس از تحلیل میدانی وضعیت آموزش مهدویت در شبکه‌های اجتماعی، عبارت است از مطالعه داده‌های مرتبط کتابخانه‌ای.

مفهوم شناسی

۱. مفهوم راهبرد (آموزشی)

«راهبرد» به معنای برنامه‌ای جامع برای عمل است که جهت‌گیری‌های عمده سازمان را معین می‌کند و رهنمودهایی برای تخصیص منابع در مسیر کسب هدف‌های بلندمدت سازمانی ارائه می‌کند،^۱ راهبرد، معادل کلمه «استراتژی» (Strategy) است. در واقع تاریخچه برنامه ریزی راهبردی (استراتژیک)، به امور نظامی باز می‌گردد؛ به طوری که در فرهنگ لغت «ناوبریتانیکا» و فرهنگ لغت قدیمی «وینستون» و بعدها در «وبستر»، راهبرد را از دید نظامی (جایی که خاستگاه آن بوده است)، به معنای فن و هنر فریب دادن دشمن در جنگ تعریف کرده‌اند. که معادل لغت

۱. رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ص ۲۳۹.

(trick) به معنای حيله، نيرنگ، فن، راهكار، شيوه اغفال و شيطنت است.^۱ بعدها راهبرد، به حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی راه یافت. راهبرد در اکثر این موارد به معنای سنجیدن وضع موجود و اتخاذ نقشه‌ای برای مدیریت و هدایت منابع، به منظور تحقق هدف و نیل به آن است.^۲

راهبرد، به معنای سازکارهای پایدار و خط مشی برنامه ریزی شده برای مواجهه، کنش، تعامل، مقاومت یا ایجاد راهکارهایی نظری و عملی است که براساس شناخت وضعیت موجود و ترسیم دورنمایی از وضعیت مطلوب توسط برنامه ریزان و سیاستگذاران، طراحی و تدوین می‌شود. راهبرد از نظر زمانی و فوریت، ممکن است موقت یا دائم باشد. این راهبردها بر مبنای سلسله‌ای از مطالعات و پژوهش‌های عمیق و همچنین پایش‌های میدانی تنظیم می‌شود. بیش‌تر سازکارها توسط نهادها و سازمان‌های اجتماعی مدون می‌شوند؛ اما «راهبردهای یکطرفه» در مقابل «راهبردهای تعاملی» تعریف می‌پذیرند. راهبردها در سطوح مختلف خُرد، میانه و کلان هستند. راهبرد بر چگونگی مواجهه و توجه به چشم‌اندازی مشخص دلالت دارد. راهبرد بر پنج سوال محوری مبتنی است که جواب به آن‌ها هدف اصلی دستبازی به راهبرد است:

۱. پرسش از کجایی: تبیین و توصیف موقعیت فعلی سازمان؛

۲. پرسش از آینده: تبیین موقعیت مجموعه در آینده مشخص؛

۳. پرسش از چگونگی: بیان روش‌ها و طرح‌هایی که رسیدن به موقعیت مطلوب را میسر می‌سازد؛

۴. پرسش از میزان تحقق: بیان شاخص‌هایی که میزان تحقق اهداف را نشان می‌دهد؛

۵. پرسش از نحوه اطمینان بخشی: این‌که چگونه می‌توان تحول و رشد مورد نظر را پیگیری و از آن صیانت کرد.^۳

۱. شفیعی، استراتژی رهبری امام خمینی، ص ۱۳۸۴.

۲. ثقفی عامری، استراتژی در فرایند تحول، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۴۳، ۱۳۷۰.

۳. افتخاری، استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی، ص ۲۶.

از دلایل اصلی نیاز به راهبرد و تفکر راهبردی، اختلاف عملکردها و برنامه‌ها، وجود محیط‌های مختلف و تمایلات و سلیق متفاوت و پیچیدگی روابط انسانی است. برای تعیین راهبرد، باید اهداف بلندمدت و مجموعه اقدامات کلان و لازم برای رسیدن به آن‌ها مشخص شود؛ زیرا راهبرد از تصمیم‌ها، برنامه‌ها و قواعد مرتبط ساختن اقدامات به یکدیگر (برای رسیدن به هدف) تشکیل شده است. معمولاً افراد و مجموعه‌ها در تشخیص اهداف کلی تا حدودی صحیح و مشترک عمل می‌کنند؛ اما در تدوین راهبرد، تفاوت‌های آشکاری دارند.^۱

تدوین راهبردی صحیح، مهم‌ترین عامل برتری بر الگوها و فعالیت‌های دیگران است. آیه شریفه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۲ بر اساس آنچه اندیشمندان علوم انسانی و نیز کارشناسان حوزه مه‌دویت درباره مفاهیم راهبردی طرح کرده‌اند، راهبرد آموزشی تقویت مه‌دویت در شبکه‌های اجتماعی در این پژوهش به دو امر «شبکه‌های اجتماعی» و «نظام فکری رهبر انقلاب» تکیه دارد. لذا راهبرد در نوشته حاضر را می‌توان این‌گونه معرفی کرد: هر ایده کلان، طرح فراگیر یا تصمیم اساسی که مطابق باشد با نظام فکری رهبر انقلاب با توجه به موقعیت فرهنگ مه‌دویت در شبکه‌های اجتماعی، در جهت تقویت و توسعه قلمرو فرهنگ مه‌دویت، با هدف رشد و تعالی آن در شبکه‌های اجتماعی مطلوب.

۲. اصطلاح‌شناسی فرهنگ مه‌دویت

«فرهنگ»، نظام واره‌ای است از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش‌ها»، «آداب و الگوهای رفتاری» ریشه دار و دیرپا و «نمادها» و «مصنوعات» که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را سمت و سو و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد.^۳

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائل در میان جوامع، «فرهنگ» آن جامعه می‌باشد. پیچیدگی فرهنگ به این نکته منجر می‌شود که افراد جامعه، فقط به اجزایی از آن توجه داشته

۱. غفاریان، استراتژی اثربخش، ص ۲.

۲. آل عمران: ۱۳۹.

۳. سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ص ۲.

باشند تا جایی که این توجه‌گزینشی به مقوله فرهنگ، مستلزم هزینه‌های فراوانی در جامعه خواهد شد. از این رو برای برطرف شدن حیرت در معنای فرهنگ، به تعریف آن پرداخته خواهد شد.^۱ «فرهنگ» از «فر» به معنای پیشاوند و «هنگ» به معنای کشیدن گرفته شده است و لذا فرهنگ به معنای تعلیم و تربیت و همچنین به معنای متعددی همچون ادب، دانش و علم و معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم آمده است. قابل ذکر است که فرهنگ دارای تعاریف فراوانی است که این تعداد تعریف، گویای دیدگاه‌های فکری متعدد و گوناگون می‌باشد. با این اوصاف، فرهنگ در اصطلاح، شیوه یا شیوه‌های زندگی اعضای جامعه است که آن را یاد گرفته و به آن عمل و آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. با توجه به این تعریف، کسانی که اعضای جامعه را به بافرهنگ و بی‌فرهنگ تقسیم بندی می‌کنند، از نظر جامعه‌شناسی دچار اشتباه شده‌اند؛ چرا که هیچ انسانی را نمی‌توان بدون فرهنگ دانست.

معانی جامعه‌شناسی از فرهنگ مهدوی این‌گونه عنوان می‌شود: شیوه‌های از زندگی برخی از مسلمانان در عصر غیبت امام با نگاه غایت‌گرایانه و منجی‌گرایانه که اعضای آن جامعه آن را آموخته و به آن عمل و آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. با توجه به معنای جامع و کلی که تیلور از فرهنگ کرده است، به نظر نگارنده، فرهنگ مهدوی عبارت است از مجموعه‌ای پیچیده از علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و همه آموخته‌ها و عاداتی که برخی از مسلمانان در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در جامعه اخذ می‌کنند. البته برخی در تعریف فرهنگ مهدوی بیان داشته‌اند، فرهنگ مهدویت به مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ارزش‌ها و هنجارهای مربوط به ظهور منجی موعود اطلاق می‌شود.^۲ البته این تعریف جامع نمی‌باشد؛ چرا که فقط ابعاد شناختی فرهنگ را در بر گرفته و ابعاد سازمانی و مادی فرهنگ مهدوی را در بر نمی‌گیرد؛ در حالی که فرهنگ و تمدن مهدوی قابلیت شناخت و اجرایی

۱. دهخدا، فرهنگ دهخدا، ص ۲۲۷.

۲. بهروز لک، سیاست و مهدویت، ص ۵۴.

شدن در میان جوامع نه فقط اسلامی، بلکه جوامع غیراسلامی را دارا می‌باشد. با توجه به مجموعه تعاریف گوناگونی که از فرهنگ شده است، می‌توان فرهنگ مهدوی را این‌گونه تعریف کرد: مجموعه عناصری که ابعاد غیر مادی، یعنی شناختی یا سازمانی و یا معنوی آموزه مهدویت را (شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها) و همچنین ابعاد مادی، یعنی آموزه مهدویت (شامل تکنولوژی، حرفه و فن آوری) را کسب کرده و منتقل می‌کنند. لذا مهدوی اصیل فرهنگی است که معیار در آن، شخص منجی بوده و بر مبنای اهداف و اغراض آن حرکت‌ها و اقدامات صورت می‌گیرد و فرهنگ منحرف مهدوی فرهنگی است که برخی مدعیان و منحرفان برای اغراض و اهداف دنیوی آن را بنیان نهاده^۱ و درصدد تبلیغ و ترویج داده‌های ضد مهدوی می‌باشند.

فرهنگ مهدویت از دیدگاه مقام معظم رهبری

منظومه فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای را در چهار بخش نظام‌های بینشی، نظام‌های منشی و رفتاری، نظام‌های اجتماعی اسلام و اهداف اجتماعی اسلام می‌توان تقسیم بندی کرد. نظام بینشی منطق فهم اسلام، خداشناسی توحیدی، ولایت‌شناسی، اسلام‌شناسی، جهان‌شناسی اسلامی و انسان‌شناسی اسلامی را در بر می‌گیرد. نظام‌های منشی و رفتاری، نظام معنویت اسلامی، اخلاق اسلامی، نظام تربیتی اسلام و نظام عبادی اسلام را شامل است. نظام‌های اجتماعی اسلام شامل نظام فرهنگ اسلامی، نظام علمی اسلام، نظام مدیریت اسلامی، نظام سیاست اسلامی، نظام اقتصاد اسلامی، نظام حقوق اسلامی، نظام امنیتی - دفاعی اسلام را شامل می‌شود و اهداف اجتماعی اسلام، مشتمل است بر استقلال اسلامی، عدالت اسلامی و پیشرفت اسلامی. لذا نظام فکری معظم له از نظام هماهنگی برخوردار است؛ به گونه‌ای که اجزایش یک کل نظام‌مند را تشکیل می‌دهد که ادامه‌دهنده گفتمان فکری علمای گذشته و استمراربخش گفتمان امام خمینی است و با رویکرد اجتهادی به مسائل معاصر توجه

۱. همان، ص ۵۸.

دارد.^۱

شناخت فرهنگ داری اهمیت ویژه‌ای است. مقام معظم رهبری، دوران حاضر را یک پیچ عظیم و خطرناک تاریخی توصیف می‌کند که تنها به تاریخ ایران مربوط نیست؛ بلکه به تاریخ امت اسلامی مربوط است. آنچه در این پیچ خطرناک باید تغییر کند، فرهنگ امت اسلامی است. امت اسلامی قرن هاست که با گرفتاری در چنگ حکام و زمامداران فاسد و دیکتاتور، دچار رکود شده و از کاروان تمدن عقب مانده و تحقیر شده است. گذر از این پیچ تاریخی، اگرچه ظاهری سیاسی دارد و با قیام‌های مردمی علیه حاکمان طاغوت شکل می‌گیرد؛ ماهیتی فرهنگی دارد و لذا شاهد این هستیم که رهبر انقلاب تأکید خود را در مورد اهتمام به ارتقای فرهنگ جامعه و داشتن دغدغه در مورد اوضاع فرهنگی کشور، ناشی از دیدگاه اسلام در مورد مقوله فرهنگ و تأثیر تعیین‌کننده مسائل فرهنگی در حال و آینده جامعه عنوان می‌کند. ایشان بر آن است که اگر ایمان و عقاید اسلامی با خلیقات ملی، نظیر عزم و اراده، غرور ملی، احساس توانایی، انضباط، نشاط، همکاری و مشارکت همراه شود، راه رسیدن به آرمان‌ها و اهداف انقلاب و ملت را هموار می‌سازد و فرهنگ از این زاویه نیز اهمیتی مضاعف می‌یابد.^۲

بنابراین، با توجه با جایگاه و ویژگی پیشران آموزه مهدویت در انقلاب اسلامی از یک طرف و جایگاه شبکه‌های اجتماعی در جهت دهی فرهنگ جامعه؛ ضروری است به این دو امر مهم در مدیریت فرهنگ جامعه توجه خاص گردد.

۳. مفهوم شبکه اجتماعی و پیام رسان‌های مجازی

برای «فضای مجازی» تعاریف گوناگونی ارائه شده است. برخی حتی، آن را با اینترنت مترادف دانسته‌اند. در ادامه برای آشنایی بیشتر با مفهوم «فضای مجازی» به چند تعریف از آن اشاره می‌شود:

۱. خسروپناه، منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ص ۹.

۲. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب، ۱۳۷۹/۰۹/۱۹.

«فضای سایبر» در اصل از دو واژه «سایبرنتیک»^۱ و «ایسپیس»^۲ گرفته شده است. واژه «سایبرنتیک» دارای ریشه یونانی است. معنای اصلی آن در زبان یونانی، فرمانروایی و حکومت است و در آثار افلاطون به همین معنا به کار رفته است. شاید بتوان علم هدایت و کنترل یا خودفرمایی را برابر فارسی آن دانست. به هر حال، سایبرنتیک اکنون نیز تا حدودی مفهوم قدیم را حفظ کرده و گویای علمی است که به انسان یا ماشین خودکار، امکان حکومت کردن و فرمان دادن می‌دهد؛^۳ اما با توجه و بررسی بیش‌تر در این واژه، به نظر می‌رسد مفهوم دقیق‌تر از سایبرنتیک، حکمرانی می‌باشد؛ یعنی به این صورت که فضای مجازی یکی از بخش‌هایی است، که موجب حکمرانی می‌گردد.

البته باید توجه داشت که نمی‌توان فضای مجازی را با اینترنت مترادف دانست؛ اما اینترنت ابزار ورود به فضای مجازی است. اینترنت سامانه‌ای جهانی از شبکه‌های رایانه‌ای به هم پیوسته است که از "مجموعه پروتکل اینترنت" برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، اینترنت، شبکه شبکه‌هاست که از میلیون‌ها شبکه خصوصی، عمومی، دانشگاهی، تجاری و دولتی در اندازه‌های محلی و کوچک تا جهانی و بسیار بزرگ تشکیل شده است که با آرایه وسیعی از فناوری‌های الکترونیکی و نوری به هم متصل شده‌اند.^۴ در کتاب «شبکه عنکبوتی»، تعریفی متفاوت و جامع از فضای مجازی ارائه شده است که همان تعریف مختار ماست:

فضای مجازی عبارت است از محیطی که در آن، برقراری ارتباطات، رؤیت و انتقال اطلاعات (به صورت غیرقابل لمس و با اشغال اندکی از محیط قابل لمس) در ساختارها و قالب‌هایی به عنوان خدمات به انسان‌ها، طراحی و کنترل می‌شود. بنابراین، کلیه خدمات، ابزارهای سخت و نرم، محتواها، ارتباطات، قالب‌ها و...

۱. Cybernetics

۲. Space

۳. جهانگیر ۱۳۹۱، ص ۶۵.

۴. سیاح‌طاهری، حقیقت مجازی، کتاب الکترونیکی، ص ۳۹.

دنیای اطلاعات و ارتباطات، شامل فضای مجازی می‌شود.^۱

درواقع، در این تعریف به سه ویژگی فضای مجازی اشاره شده است:

۱. محیط است و نامحدود نیست؛ ۲. در قالب خدمات ارائه می‌شود؛ ۳. خدمات و ارتباطات کنترل می‌شود.

نکته: لفظ «مجازی» که صفت «فضا» در عبارت «فضای مجازی» می‌باشد؛ به معنای غیرحقیقی بودن فضای مجازی نیست. مطلبی در این باره از کتاب «۱۵۰ هشتگ» نقل می‌کنیم: مفهوم "مجازی" بسیار غیرمجازی و کاملاً حقیقی است؛ برخلاف احساسی که از واژه "مجازی" به ذهن متبادر می‌شود که انگار با مفهومی غیرواقعی مواجه هستیم. فضای "مجازی" امتداد زندگی حقیقی است و حتی گاهی نقطه شروع بسیاری از تعاملات و اتفاقات دنیای محسوس و ملموس ماست.

شبکه‌های اجتماعی نظام فکری رهبر انقلاب

فضای عمومی مجازی در کنار مشکلاتی که ممکن است به وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد. می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید. امروز همه ما بایستی در میدان فضای مجازی حرکت بکنیم؛ هر کدام به نحوی و با سهمی که در این راه داریم؛ می‌توانید در فضای مجازی به معنای واقعی کلمه جهاد کنید؛ اما بایستی از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد.^۲ آن کسی که با فضای مجازی سر و کار دارد، باید خودش مراقبت کند، و آن کسی که فضای مجازی را در اختیار دارد، بایستی مراقبت مضاعف بکند که بی‌عدالتی انجام نگیرد.^۳ همچنین می‌توان از آن فضای مجازی حداکثر منافع را کسب کرد؛ همان کاری که ... دشمن می‌کند، شما هم می‌توانید بکنید در جهت عکس؛ یعنی مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی را پخش کنید، بدون

۱. کهنوند، شبکه عنکبوتی، ص ۲۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۰/۷/۵.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام، ۱۴۰۰/۸/۲.

هیچ مانع و رادعی^۱ ابزارهای تسهیل‌کننده، مثل رایانه‌ها و ارتباطات اینترنتی و فضای مجازی و سایبری هم که الان در اختیار شماست. اگر بتوانید این‌ها را یاد بگیرید، می‌توانید یک کلمه حرفِ درست خودتان را به هزاران مستمعی که شما آن‌ها را نمی‌شناسید، برسانید؛ این فرصت فوق‌العاده‌ای است؛^۲ ضمن این‌که بهترین راه شناسایی و ارتباط با گروه‌های مؤثر فرهنگی و یافتن سؤال‌ها و سرنخ‌های فکری آنان، استفاده از فضای مجازی است.^۳

رهبر انقلاب، تعامل مؤثر و هدفمند بین‌المللی در ساختارسازی و راهبری جهانی فضای مجازی و حضور قوی و هدفمند نظام در مجامع و سازمان‌های جهانی^۴ و همچنین ارتقای جمهوری اسلامی ایران به قدرت سایبری در تراز قدرت‌های تأثیرگذار جهانی^۵ را از راهبردهای جمهوری اسلامی در فضای مجازی عنوان کرده‌اند.

از منظر ایشان، اقدام مناسب برای دستیابی به میثاق‌ها و مقررات بین‌المللی و ایجاد اتحادیه‌های اطلاع‌رسانی با سایر کشورها، به ویژه کشورهای اسلامی به منظور ایجاد توازن در عرصه اطلاع‌رسانی بین‌المللی و حفظ و صیانت از هویت و فرهنگ ملی و مقابله با سلطه جهانی^۶، تعامل مؤثر و سازنده منطقه‌ای و جهانی و همکاری و سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه‌های دانش، فناوری و امور مربوط به امنیت شبکه‌های الکترونیکی و سامانه‌های مطالعاتی و ارتباطی با حفظ منافع و امنیت ملی ضرورت دارد.^۷ لذا استفاده حداکثری از فضای مجازی به منظور ارتباط و همکاری ملل مسلمان در جهت ترویج وسیع و هدفمند با ملت‌ها و تحقق گفتمان انقلاب اسلامی^۸، از جمله راهبردهای جمهوری اسلامی است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه خارج فقه، ۱۶/۶/۱۳۹۵.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون خراسان شمالی، ۱۹/۰۷/۱۳۹۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم، ۱۹/۱۰/۱۳۹۷.

۴. پیوست حکم مقام معظم رهبری شورای عالی فضای مجازی، ۱۷/۱۲/۱۳۹۰.

۵. حکم مقام معظم رهبری انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی، ۱۴/۶/۱۳۹۴.

۶. سیاست‌های کلی نظام مقام معظم رهبری در بخش شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، ۱۱/۰۷/۱۳۷۷.

۷. سیاست‌های کلی نظام مقام معظم رهبری در امور امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات افتا، ۲۹/۱۱/۱۳۸۹.

۸. پیوست حکم مقام معظم رهبری شورای عالی فضای مجازی، ۱۷/۱۲/۱۳۹۲.

مردم در مقابل این تبلیغات ایستادگی کنند؛ علیه این تبلیغات حرکت کنند؛ جوان‌ها امروز در فضای مجازی فعالند؛ فضای مجازی می‌تواند ابزاری باشد برای زدن توی دهن دشمنان.^۱ از این رو شایسته است که آحاد جامعه حضور فعال و اثرگذار در شبکه‌های جهانی^۲ داشته باشند، یک جبهه ضد صهیونیستی و ضدآمریکایی [تشکیل بدهید]. امروز وسیله ارتباط هم آسان است، دیگر نامه‌نگاری و پست و تلگراف و مانند این‌ها الزم ندارد. در فضای مجازی تماس بگیرید، کما این‌که در موارد مشابهی این کار انجام گرفته. به قول این فرنگی‌مآب‌ها یک کمپین‌های عمومی دنیای اسلامی تشکیل بدهید علیه تسلط آمریکا، از لحاظ ضدیت با سیاست‌های آمریکایی و سیاست‌های صهیونیستی.^۳

نکته مهم در تبیین مدیریت و گردانندگان فضای مجازی، توجه به این نکته است که مقام معظم رهبری فرمودند:

فضای مجازی بدون اختیار ما، دارد مدیریت می‌شود و عوامل مسلط بین‌المللی در این فضا از لحاظ خبردهی، خبررسانی، تحلیل داده‌ها و هزاران کار دیگر به شدت فعالند. نمی‌شود مردمان را در این فضا، بی‌پناه رها کنیم.^۴

این فضای مجازی زمین دشمن است و زمین دشمن، یعنی فضایی که همه اختیار و مدیریت آن به دست دشمن است. او هدف‌هایی را برای خود ترسیم و از این فضا برای رسیدن به اهدافش استفاده می‌کند. در این فضا، فکر و ذهن و عمل ما، به‌تمامه توسط دشمن مدیریت می‌شود.

حال شما قضاوت کنید، در فضای مجازی موجود - زمین دشمن - ما در اقلیت هستیم یا در اکثریت! مدیریت به دست دشمن است یا دوست! عاقلانه‌ترین کار، گسیل جبهه هوشمند به زمین دشمن، به منظور مبارزه با دشمن و خارج کردن دیگران از آن زمین است. بی‌شک،

۱. بیانات مقام معظم رهبری دیدار مردم قم، ۱۳۹۷/۱/۱۹.

۲. حکم مقام معظم رهبری سیاست‌های کلی نظام در بخش شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، ۱۳۷۷/۰۷/۱۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری دیدار دانشجویان، ۱۳۹۵/۴/۱۲.

۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۶/۲.

مهم‌ترین کار دشمن، تحریف، شبهه افکنی و تردیدآفرینی، یعنی وارونه نشان دادن واقعیت‌ها و آموزه‌های دین به ویژه باور به مهدویت و آینده جهان است.

راهبردهای توسعه فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی، با تاکید بر نظام فکری رهبر انقلاب مدل پیشنهادی راهبردی تقویت و توسعه فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی؛ بایسته است به صورت مدلی فعال و مسئولیت‌پذیر در ترویج و رشد آموزه مهدویت و ارزش‌های اسلامی مورد نظر قرار بگیرد. این مدل، موارد ذیل را وجهه همت دارد: فراهم سازی زمینه‌های رشد و بالندگی جامعه در عرصه مهدویت و برخوردار از مجموعه کامل برنامه‌های مدون، جامع و هماهنگ در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و پژوهشی برای تحقق جامعه منتظر قبل از ظهور و استقرار ارزش‌های مهدوی در زندگی جمعی و فردی و پیشبرد جامعه به سوی جامعه منتظر قبل از ظهور با حضور و فعالیت در بسترهای متنوع که در پژوهش‌ها و در بستر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی فراگیر مورد نظر قرار دارند.

فضای مجازی برای آن که در رقابت در عرصه منجی باوری اثرگذار باشد، باید در چارچوب مدیریتی مناسب - که هدف آن اتخاذ بهترین شیوه حرکت، با توجه به توانایی‌ها و ضعف‌های درونی و تهدیدات بیرونی است - اقدام کند که از آن به «مدیریت راهبردی» تعبیر می‌شود.

تدوین مدل‌های راهبرد دارای یک سیر تکاملی است و با وجود تفاوت‌های ظاهری، این مدل راهبرد نویسی، پیش‌تر به بعد داخلی و خارجی سازمان‌ها توجه داشته است و لذا غالباً مدل‌ها به قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدها توجه و تمرکز داشته‌اند. در همه مدل‌های تدوین راهبرد، این پیام اساسی وجود دارد که سازمان‌ها برای ماندن در میدان رقابت و برخورداری از سهم بیش‌تر، باید هم وضعیت موجود خود را بشناسند و هم موقعیت خود را در مقایسه با توان، سهم و وضعیت رقبا بسنجند و دریابند که راهبرد چیزی نیست جز تعیین موقعیت و جایگاه یک مجموعه در مقایسه با نیروهای رقیب.

در مدیریت راهبردی، برای دستیابی به وضعیت قابل قبولی، توجه به چهار قاعده کلی الزامی است:

قاعده اول: حداکثر استفاده از قوت‌ها برای بیش‌ترین بهره‌برداری از فرصت‌ها؛
قاعده دوم: حداکثر استفاده از قوت‌ها برای به حداقل رساندن اثر تهدیدها؛
قاعده سوم: به حداقل رساندن ضعف‌ها برای حداکثر استفاده از فرصت‌ها؛
قاعده چهارم: به حداقل رساندن ضعف‌ها برای کاهش اثر تهدیدها.^۱

روش تحلیل داده‌ها و ارائه راهبردهای تقویت مهدویت در شبکه‌های اجتماعی به این صورت است که با ترکیب استراتژی‌های مختلف، در هرکدام از مولفه‌های فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی، راهبردهای مختلف و متناسب با شرایط و اقتضائات این بستر عمومی ارائه می‌گردد؛ به این صورت که پس از توصیف و تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها و فرصت‌ها و تهدیدهای مهدویت در شبکه‌های اجتماعی در ابعاد مختلف؛ وضعیت حال و آینده‌شناسایی شده است.

جامعه منتظر با وجود ضعف‌هایی که باعث ناتوانی و آسیب‌پذیری شده است؛ می‌کوشد با اصلاح ساختار ضعف و با تمسک به فرصت‌ها، راهبردهای متنوعی در جهت ثبات وضعیت، ارائه کند. که با ترکیب ضعف‌ها با فرصت‌ها این امر پیگیری می‌شود. در این راهبردها هدف این است که از مزیت‌های موجود در فرصت‌ها برای جبران ضعف استفاده شود. ضعف‌های موجود در شکل، ساختار و فرم ارائه پیام‌های مهدوی، موجب از دست دادن مخاطب و دست نیافتن شبکه اجتماعی به منبع مطمئن در ارائه پیام‌های مهدوی می‌شود. برای دستیابی به اعتماد و جایگاه قابل اطمینان در این زمینه، باید توانمندسازی حرفه‌ای و محتوایی و تغییر در شکل، ساختار و فرم ارائه پیام‌های مهدوی را در دستور کار قرار داد.

با توجه به بررسی و تحلیل داده‌ها و موقعیت فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی، به هشت راهبرد در ذیل یک راهبرد کلان نسبت به تقویت و توسعه آموزش فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی می‌پردازیم:

۱. نعمتی انارکی، تحلیل کارشناسی اخبار سیما به منظور ارائه راهبردهای رقابتی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره

۷۳، سال ۱۳۹۲.

راهبرد کلان

«راهبرد» یا «استراتژی» در لغت به معنای «شیوه عمل در موقعیت خاص» است. به بیان کلی‌تر، به معنای تعیین اهداف و طرح نمودن برنامه‌ای برای رسیدن به آن‌ها است. به بیان دیگر راهبرد، طرح درازمدتی است که برای نیل به یک هدف بلند مدت مشخص، طراحی و تبیین می‌گردد. راهبرد مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر عرصه‌های جامعه از کاربرد زیادی برخوردار شده است.^۱

راهبرد آموزشی: مدیریت دانش به مثابه راهبرد کلیدی برای دستیابی به موفقیت و بقای سازمانی در محیط پُر رقابت و غیر قابل پیش بینی عصر حاضر توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. اگر افراد، قابلیت یادگیری استفاده خلاقانه از دانش را در سازمان‌ها دارا باشند، به الگوی جدید تفکر دست می‌یابند که می‌توانند به تعریف مجدد امور و شیوه اجرای آن‌ها بپردازند. لذا مدیریت دانش باید چشم‌انداز و ابزارهای یادگیری را نیز داشته باشد و در عین حال، نظام آموزشی دانش که به خوبی طراحی و استقرار یافته باشد، می‌تواند فایده و سودآوری پایداری برای سازمان‌ها و حتی افراد به ارمغان آورد.^۲

راهبرد پیشنهادی آموزشی کلان: تقویت و توسعه تعلیم و تربیت (خودسازی، جامعه‌پردازی، نظام‌سازی و تمدن‌سازی) مهدویت در شبکه‌های اجتماعی.

راهبردهای آموزشی و پرورشی (هشت مورد)

یکی از راهبردهای مهم در شبکه اجتماعی، «کاربرد آموزشی» آن‌ها است. در بین احاد جامعه، از شبکه اجتماعی برای آموزش سراسری و همگانی استفاده می‌شود. از طریق شبکه اجتماعی می‌توان عموم مردم از قشرها و تفکرات گوناگون را تحت آموزش قرار داد. در «هدایت و مدیریت فرهنگی» نیز یکی از ضرورت‌ها، آموزش افراد جامعه است. آموزش یکی از راه‌هایی است که از

۱. میرشکاری، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، ص ۳۹.

۲. حمیدی زاده، راهبردهای آموزشی اشاعه مدیریت دانش، ص ۱۲، شماره ۱، سال ۱۳۸۸.

طریق آن، می‌توان افراد جامعه را با یک اصل یا ارزش فرهنگی آشنا و با آموختن آن به دیگران، امکان استقرار آن را در جامعه فراهم کرد.

در این زمینه گفتنی است که دو دیدگاه درباره آموزش همگانی وجود دارد: بر اساس یک دیدگاه، آموزش، فرایندی است که برای موفقیت خود به عواملی نظیر ارتباطات چهره به چهره، بهره‌گیری از تمام کیفیت‌های حسی و... نیاز دارد. این آموزش، به نظام‌های آموزش رسمی و تدریس مدرسه‌ای دروس محدود می‌شود. این ویژگی‌ها در نظام ارتباطات سنتی دینی وجود دارد.

دیدگاه دوم، آموزش را اعم از قالب‌های مدرسه‌ای و دارای محتوای فراگیر و شامل فرهنگ عمومی جامعه می‌داند. در این دیدگاه، آموزش، بیش‌تر به صورت غیرمستقیم و ارائه پیام‌های آموزشی در ضمن دیگر کارکردها است، و با وسایل ارتباط جمعی هماهنگی کاملی دارد. توانمندی بسیار بالای وسایل ارتباط جمعی در پرداختن به این نوع آموزش و توفیق چشمگیر آن‌ها در تغییر نگرش و بینش مخاطبان منجر شده است.^۱

۱. فراهم کردن نظام آموزش مجازی مهدویت (مدرسه مجازی مهدویت)

با گسترش دنیای دیجیتال و استفاده از اینترنت، تقریباً می‌توان گفت تمامی کارهای انسانی سمت و سوی اینترنتی و غیرحضوری به خود گرفته است. مسائل غیرحضوری، ویژگی‌ها و مزایای بسیار زیادی دارند که باعث افزایش سرعت در اجرای کارها و بهبود کیفیت و سطح زندگی می‌شوند. آموزش الکترونیکی و آنلاین، یکی از روش‌های آموزشی بسیار پر کاربرد است. اهمیت و ضرورت آموزش مجازی را می‌توان از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. با توجه به عصر کنونی، عصر دیجیتال و اینترنت، ناگزیر هستید که با جهانی که در آن زندگی می‌کنید، همراه و همگام شوید. در کنار این موارد، به صورت کلی از مزایایی همچون دسترسی سریع و جامع، صرفه جویی در زمان و هزینه و کم‌تر بودن محدودیت‌های آموزش حضوری؛ می‌توان به عنوان

۱. شاه محمدی، جایگاه رسانه و فرهنگ در فرایند جهانی شدن، سال ۱۳۸۵.

مهم‌ترین دلایل استفاده از آموزش الکترونیکی اشاره کرد.

البته رهبر انقلاب به توجه و جلوگیری از آسیب‌ها و تهدیدات آموزش مجازی تذکر داده‌اند:

در باب آموزش مجازی، یک نکته دیگر هم وجود دارد و آن، زیان‌هایی است که احتمالاً در آموزش مجازی وجود دارد. حالا این شبکه «شاد» که به وجود آمده، بسیار چیز خوبی است منتها بایست مراقبت کنید تا این موجب این نشود که جوان‌ها وارد فضای بی‌بند و بار و رهای اینترنت بشوند و سرشان گرم بشود به یک چیزهای دیگری که هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ اعتقادی، خطرهای بزرگی برای این‌ها دارد؛ این را باید کاملاً مراقبت بکنید؛ یعنی پیش‌بینی کنید. البته دیروز پربروز در زمینه فکری که آموزش و پرورش در این زمینه کرده، به من یک گزارشی دادند، منتها باید کار کنید در این زمینه؛ یعنی کاری است که نمی‌شود آن را رها کرد.^۱

آموزش معارف مهدویت بر اساس اسناد متقن مبتنی بر قرآن و عترت و دستاوردهای علما از آغاز عصر غیبت کبرا تاکنون؛ و مقابله با جریان‌های انحرافی به صورت مستمر ادامه داشته است.

آموزش مجازی در عرصه مهدویت، تبیین آموزه‌های راستین و متقن، هشداردهی در مورد شبهات، گزارش فعالیت‌های مهدوی، سامان‌دهی افکار عمومی در حوزه مهدویت و... همگی از کارکردهای مهم و اساسی است که فضای مجازی در این عرصه بر عهده دارد. در این زمینه، شاید بیش‌ترین نقش به تلویزیون اختصاص دارد؛ زیرا این شبکه اجتماعی با تکیه بر تصویر، دارای قدرت آموزشی بالایی است. در این زمینه شبکه‌های اجتماعی مکتوب، نقش مکملی برای تلویزیون دارند.

۲. تهیه و توزیع نشریات مجازی (الکترونیک) مهدوی

حضور قوی در فضای مجازی به شناخت دقیق و کامل تمام اضلاع و ابعاد آن نیازمند است.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش، ۱۱/۰۶/۱۳۹۹.

لذا در مرحله اول، وجود کارگروه قوی برای اطلاع کافی و وافی از شرایط زمانی و مکانی، ما را در افزایش این شناخت و آگاهی از جایگاه مهدویت در شبکه‌های اجتماعی کمک خواهد کرد. مواردی چون مخاطب شناسی (شناخت دقیق مخاطبان خاص و مخاطبان عام) و برنامه‌ریزی متناسب برای هر یک از آن‌ها، شناخت نیاز و خواسته‌های کاربران، به کارگیری روش‌هایی که از تأثیرگذاری بالا برخوردارند، شناخت اقتضائات زمانی، شناخت دقیق جغرافیای مکانی و زمان شناسی. لذا باید از ابزار چند شبکه اجتماعی (متن و محتوا، فیلم، عکس، گرافیک و کلیپ) و نشریات مجازی با هدف بسط دامنه فعالیت و حضور فعال‌تر در شبکه‌های اجتماعی و افزایش جذابیت محتوای ارائه شده در فضای مجازی برای مواجهه دقیق و سریع در مناسبات، بهره‌برداری کرد.

رهبر معظم انقلاب، تبلیغ دین و اهداف دینی را مهم‌ترین وظیفه حوزه‌ها خواندند و با اشاره به لوازم تبلیغ موثر و به‌روز، یعنی «شناخت مخاطب شناخت آرایش حقیقی صحنه تبلیغات جهانی برای داشتن موضع تهاجمی و برخورداری از روحیه جهادی» تأکید کردند: «نسل نوجوان و جوان در مقام صاحبان و سازندگان آینده کشور، باید مرکز توجه تبلیغات خلاقانه و متکی بر شیوه‌ها و ابزارهای نوین باشد.»^۱

از این رو، بهره‌گیری از ابزارهای جدید مجازی برای جذب مخاطبان در جهان امروز و پیشرو از اهمیت بالایی برخوردار است.

۳. ترسیم نماد و الگوهای مهدوی نوگرایانه مجازی

«نماد»، در لغت به معنای «نمود» (نمودن) است. «نمود»، یعنی نشان دادن، ارائه کردن، آشکارکردن، به نظر رساندن، نمایش دادن و معرفی کردن.^۲ بنابراین، نماد چیزی است که در پس خود چیز دیگری را نشان دهد؛ «چیزی که جای چیز دیگری را می‌گیرد و بر آن دلالت

۱. دیدار جمعی از مبلغان و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۱۴۰۲/۰۴/۲۱.

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه.

می‌کند.^۱

رهبر انقلاب در تعریف نماد این‌طور بیان داشته‌اند:

نماد یعنی چه؟ یعنی یک رمزی که پشت سر خود، در دل خود، معانی فراوانی نهفته دارد. انسان یک کلمه بر زبان می‌آورد، معانی و حقایق بسیاری در دل این کلمه هست.^۲

نمادسازی، روشی است که شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از طریق آن بر تبلیغات دینی تأثیر می‌گذارند. اگر نمادها را منبع وحدت و هویت فرهنگی و عاملی برای معنا بخشیدن به زندگی دینی تلقی کنیم؛ مفهوم نماد لزوماً به نمادهای کهن دینی منحصر نخواهد شد و به نمادهای جدید نیز قابل تعمیم خواهد بود. بر این اساس، زمانی که شبکه‌های اجتماعی از برخی مکان‌های مذهبی یا چهره‌ها و ... نمادهایی می‌سازد که نقش گروه مرجع را بر عهده می‌گیرند؛ به این معنا که بسیاری از مردم و به ویژه جوانان در نماد محو شوند و صاحب نماد را از یاد ببرند؛ در این صورت، قهرماً میزان کارآمدی برنامه‌های تبلیغی دین در هویت بخشی به افراد جامعه کاهش می‌یابد.^۳

در پیشبرد این راهبرد نیز سه برنامه عملیاتی می‌توان مورد توجه قرار گیرد که عبارتند از:

۱. معرفی، تبلیغ و ترویج نوآرانه مجازی نمادهای واقعی و تحقق یافته دینی؛
۲. کوشش به منظور نمادسازی منطبق بر باورها و ارزش‌های دینی؛
۳. برنامه ریزی در معرفی و ارائه نمادهای جدید و روزآمد مهدویت در عرصه‌های مختلف؛
۴. باز فرآوردی نمادهای مهدوی موجود؛
۵. فراهم سازی تبادل اطلاعات علمی و تخصصی پژوهشگران مهدویت با فعالان فضای مجازی.

۱. بیاری، بررسی آسیب‌های مهدویت گرایی، ص ۱۴۴.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۸۹/۰۸/۱۲

۳. عرفان رسانه و آموزه مهدویت، ص ۹۸.

از آن جا که در شبکه های اجتماعی شاهد تولید و توزیع محتوای ضعیف و دارای اشکال از حیث علمی راجع به مباحث مهدویت هستیم (که به مرور زمان باعث دور شدن از فرهنگ اصیل مهدویت و رواج سطحی نگری و خرافات خواهد شد) ضروری است که فعالان مجازی برای برخورداری از محتوای مورد تایید و فاخر، به منظور تولیدات رسانه ای و انتشار در شبکه اجتماعی، متصل به مراکز تخصصی مهدویت برای اخذ محتوای خام مستند باشند که این امر به مدیریت همه جانبه منسجم و هدفمند نیاز دارد.

۴. مطالعات هدفمند مهدوی، در تولیدات مجازی مهدوی

مطالعه هدفمند در تولید محتوای دینی، برای سطح عمومی و متناسب با مخاطب عمومی حاضر در شبکه های اجتماعی الزامی است. اصولاً تعیین مخاطب، از گام های اول طراحی و تحلیل یک پایگاه داده در فضای مجازی است و شناخت نیازهای وی، از آن نیز مهم تر است. در تعیین مخاطب، مشخص کردن سطح محتوا، نسبت به تعیین سن و جنس و تحصیلات مخاطبان کارآمدتر است.

مراد از «مخاطب عمومی»، برای محتوای مهدوی، کسانی هستند که اطلاعات آنان درباره آموزه های دینی، محدود، کم عمق و سطحی است. دین داران کم اطلاع، اما علاقه مند به معارف دینی و دستوره های آن. ممکن است از حیث اطلاعات و تحصیلات در سایر رشته های علمی، از دانش بالایی هم برخوردار باشند؛ اما در حوزه معارف دین به آگاهی صحیح، دقیق و منسجم نیازمند هستند.

مهم ترین مباحث مربوط به محتوای دینی و تخصصی در شبکه های اجتماعی را می توان در مسائل ذیل خلاصه کرد: ۱. فقر محتوا؛ ۲. عدم سطح بندی مطالب؛ مطالب دینی باید بر اساس سطح مخاطبان طبقه بندی شود؛ ۳. ذکر نکردن منابع مشخص و معتبر؛ ۴. اشکال های ساختاری، نگارشی و نمایشی؛ ۵. محتوای تکراری.^۱

۱. اکبری، فضای مجازی در انتظار تولید محتوای دینی، فصلنامه ص ۴۳.

لذا در تولیدات مجازی تخصصی مهدویت، باید به ویژگی زمان و نیاز مخاطب توجه داشت. از این رو، یکی از نکات مهم در این راهبرد، آینده پژوهی مجازی در مطالعات حوزه مهدویت می باشد که باید به مقتضیات پیشروی جامعه توجه شود و محتوای مناسب و روزآمد تهیه، تولید و منتشر گردد.

۵. تربیت کارشناسان مهدوی کارآمد برای حضور و تبلیغ در شبکه های اجتماعی

محیط سایبر و فضای مجازی، عرصه تبلیغی مهم و اطلاع رسانی برای تبلیغ و ترویج مباحث مهدویت است. تبلیغ، نوعی، فرصت است و اگر از آن به نحوه نیکو بهره ببریم؛ بهترین روش برای ورود نهادهای دینی، به ویژه حوزه علمیه به فضای مجازی و ترسیم نقش های دقیق و کارآمد در این مقوله است. ضرورت وجود نقشه راه و تدوین سند راهبردی حوزه علمیه در عرصه فضای مجازی، به موفقیت و دست یافتن به اهداف والای الهی در حوزه تربیت مبلغان مجازی کمک شایانی می کند. با توجه به این که تربیت عالمان دینی، جزء رسالت های مهم حوزه علمیه است، تربیت نیروی آشنا به فضای مجازی برای تحقق دو امر کلیدی تولید محتوای متناسب و مورد نیاز فضای روز جامعه و فضای مجازی و همچنین آماده سازی بسترهای مورد نیاز برای تحقق هرچه بهتر آن؛ امری ضروری است. تشکیل کارگروه تخصصی مهدویت در زمینه تولید و تبلیغ در فضای مجازی؛ از جمله اقدامات اولیه به منظور ورود حوزه علمیه و مراکز تخصصی به عرصه شبکه های اجتماعی است. این کارگروه که از دانش آموختگان و فضایی حوزه متشکل است، همچون اتاق فکر عمل می کند و وظیفه ایجاد شبکه تبلیغی و ترسیم نقشه راه و برنامه ریزی محتوایی را بر عهده خواهد داشت.

۶. مخاطب شناسی و جذب مخاطب، با رصد هوشمندانه و روزآمد شبکه های اجتماعی

از آن جا که نیاز به جذب و اعتماد سازی مخاطب در فضای مجازی از ضروریات می باشد؛ شایسته است برای اطلاع از کیفیت روش ها و آموزش های خود در عرصه اندیشه مهدویت و میزان توجه مخاطب به نحوه آموزش و تولیدات رسانه ای مهدویت؛ ارزیابی و رصد مستمر، قبل از تولید و بعد از تولید و انتشار محتوا، صورت پذیرد.

رهبر انقلاب در این زمینه فرمودند:

رسالت دیگر این سازمان، رصد و مقابله هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و تبلیغی و رسانه‌ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است؛ دشمنانی که نه امروز، بلکه از چند دهه پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی - ایرانی مردم، خصوصاً جوانان را هدف قرار داده و با شیوه‌ها و ابزارهای متکی به فناوری‌های ارتباطی و رسانه‌ای، اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، درصدد تهمی کردن انقلاب از عقبه دینی و ایمانی و مردمی آن می‌باشند.^۱

۷. تشویق فعالان و کارشناسان مهدوی در شبکه‌های اجتماعی و حمایت از آن‌ها

تشویق کارشناسان مهدوی در شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند به دو صورت معنوی و مادی صورت پذیرد؛ به این صورت که این افراد به عنوان فعال مجازی در شبکه‌های اجتماعی شناخته شوند و مورد حمایت و شاخص سازی برای جذب و اعتماد سازی مخاطبان برای استفاده از محتوای ارائه شده، قرار گیرند. البته حمایت مادی و تعیین بودجه‌های مشخص برای پیشبرد چنین راهبردهایی در همه عرصه‌ها، مورد نیاز و امری غیرقابل انکار است.

۱. متن حکم انتصاب حجت‌الاسلام آقای شیخ محمد قمی را به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی توسط رهبر انقلاب،

نتیجه گیری

فضای مجازی، منظومه و دامنه‌ای وسیع و گسترده است که همه ابعاد زندگی امروزه را در برگرفته و وضعیت بسیار پیچیده‌ای ایجاد کرده و به جنبه‌های گوناگون افراد جامعه وارد شده است. از این رو، فقدان برنامه و طرح راهبردی مشخص برای تعیمق فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی و مواجهه با چالش‌ها و آسیب‌های آن، مسئله پژوهش حاضر می‌باشد. همچنین دغدغه مندی مقام معظم رهبری در ارتباط با فضای مجازی و فقدان راهبردهای متناسب مبتنی بر نظام فکری معظم له در عرصه فضای مجازی، خصوصا در عرصه فرهنگ مهدویت، ما را بدان واداشت تا به دنبال شناخت و تحلیل وضعیت آموزش فرهنگ مهدویت در شبکه‌های اجتماعی و سپس ارائه راهبردهای متناسب تقویت و توسعه آن با تاکید براندیشه مقام معظم رهبری باشیم. برای این امر از تحلیل داده‌ها و مشخص کردن وضعیت موجود آموزه مهدویت در شبکه‌های اجتماعی به ارائه راهبرد پرداخته شده است که راهبرد کلان آموزشی کارآمد پیشنهاد شده، عبارتند از راهبرد کلان آموزشی «تقویت و توسعه تعلیم و تربیت (خودسازی، جامعه پردازی، نظام سازی و تمدن سازی) مهدویت در شبکه‌های اجتماعی» بهمراه هفت راهبرد زیرمجموعه ارائه گردیده است.

منابع:

قران کریم.

۱. احمدی حسین، برنامه ریزی استراتژیک و کاربرد آن، درایت، ۱۳۷۷.
۲. افتخاری اصغر، استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۴.
۳. اکبری، احمد. فضای مجازی در انتظار تولید محتوای دینی، فصلنامه رهاورد نور، شماره؟، ۱۳۹۳.
۴. بهروز لک غلام رضا، سیاست و مهدویت، تهیه و تدوین موسسه آینده روشن، ناشر: حکمت رویش، شهر؟، ۱۳۸۴.
۵. بیاری علی اکبر، «بررسی آسیب‌های مهدویت گرایی»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۷.
۶. تارنمای مقام معظم رهبری <https://farsi.khamenei.ir>
۷. ثقفی عامری ناصر، استراتژی در فرایند تحول، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۴۳ و ۴۴، سال ۱۳۷۰.
۸. حمیدی زاده محمدرضا، راهبردهای آموزشی اشاعه مدیریت دانش، فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت موسسه مطالعات بین المللی انرژی؛ شماره ۱، سال ۱۳۸۸.
۹. خسروپناه عبدالحسین، منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۹۶.
۱۰. جهانگیر، عیسی، شیعه در فضای سایبر؛ رویکردی اجتماعی، مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۹۱.
۱۱. رضائیان، علی. مبانی سازمان و مدیریت. انتشارات سمت چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۷.
۱۲. سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۳.
۱۳. سیاح طاهری، محمدحسین، حقیقت مجازی، کتاب الکترونیکی، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، شهر؟، ۱۳۹۵.

۱۴. شاه محمدی عبدالرضا، جایگاه رسانه و فرهنگ در فرایند جهانی شدن، فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۵.
۱۵. شفیعی عباس، استراتژی رهبری امام خمینی، موسسه چاپ و نشر عروج، شهر؟ ۱۳۸۴.
۱۶. عرفان امیرمحسن، رسانه و آموزه مهدویت، موسسه بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۹۴.
۱۷. غفاریان، وفا. استراتژی اثربخش. فرا، تهران، ۱۳۸۰.
۱۸. فرد آر. دیوید؛ مدیریت استراتژیک، مترجمان: علی پارسائیان و محمد اعرابی، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
۱۹. کهوند، محمد، شبکه عنکبوتی، ذکری، قم، ۱۳۹۵.
۲۰. مهرداد هرمز، مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم جمعی، ناشر فاران، تهران، ۱۳۸۰.
۲۱. معین، محمد؛ شهیدی؛ سیدجعفر، احمدی گیوی حسن و علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه (جلد ۱۵)، روزنه، تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. میرشکاری، جواد ویراستار، فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۹۶.
۲۳. نعمتی انارکی داود، تحلیل کارشناسی اخبار سیما به منظور ارائه راهبردهای رقابتی، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، شماره ۷۳، سال ۱۳۹۲.

بررسی و تحلیل تطبیقی دو جریان انحرافی مهدوی مدعی یمانی و مدعی خراسانی

مهرداد ندرلو^۱

نسرین امیری^۲

چکیده

«خراسانی» و «یمانی»، دو شخصیت در میان روایات مهدوی هستند که خروج آن‌ها به عنوان نشانه‌هایی از نزدیک شدن ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نظر گرفته می‌شود. این دو پدیده، با توجه به این که با اعتقاد به مهدویت در ارتباط هستند، هریک دستاویزی شده است برای دو جریان که خود را مصداق یمانی و خراسانی در روایات معرفی می‌کنند و سعی در تطبیق این دو نشانه بر خود دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این دو جریان، هم از بعد اثباتی و هم از بعد سلبی (اثبات خود و نفی طرف مقابل) دارای وجوه اشتراک و افتراق متعددی با یکدیگر هستند که شناخت این وجوه مشترک و اختلاف، محققان را در نقد دقیق و روشمند این دو جریان کمک می‌کند. از این رو، در این مقاله به بررسی تطبیقی این دو جریان انحرافی می‌پردازیم. روش تحقیق این مقاله «توصیفی - تحلیلی» و گردآوری اطلاعات به شیوه «کتابخانه‌ای» است. یافته‌های تحقیق حکایت از آن دارد که تشابه این دو جریان در الگوبرداری از نشانه‌ها، ادعای وصایت و جانشینی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ادعای انحصار حقانیت در یک جریان، ادعای زمینه‌سازی و استفاده از روش‌ها و الگوهای مشترک در جذب است. تفاوت آن‌ها نیز در ادعا، موقعیت جغرافیایی ادعا، و راه‌های رسیدن به معرفت دینی است.

واژگان کلیدی: مدعی یمانی، مدعی خراسانی، مهدویت، جریان‌های انحرافی، نشانه‌های ظهور.

مقدمه

«مهدویت»، یکی از اصول اساسی و باورهای بنیادین در اسلام، به ویژه در مذهب تشیع است که بر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی آخرالزمان تأکید دارد. در طول تاریخ، جایگاه مهدویت در اسلام، سبب شده است تا این آموزه مورد سوء استفاده مدعیان دورغین قرار بگیرد و ادعاهای گوناگونی حول محور اندیشه مهدویت شکل پذیرد؛ مدعیانی که ادعای مهدی بودن کرده‌اند، تا کسانی که ادعای وکالت و نیابت خاصه و یا تطبیق یکی از علائم و نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر خود دارند. برخی نیز مدعی ارتباط، ملاقات و یا قرابت نسبی بین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و خود هستند. این روند، در طول غیبت امام زمان علیه السلام ادامه داشته است و پیوسته افرادی بوده‌اند که در این زمینه ادعاهایی مطرح کرده‌اند.

در دهه‌های اخیر نیز، شاهد ظهور دو جریان انحرافی در زمینه مهدویت بوده‌ایم که هر دو تلاش می‌کنند خود را مصداق یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کنند. یکی از این جریان‌ها، جریان مدعی یمانی «احمد الحسن بصری» است که روایات مربوط به ظهور فردی به نام یمانی را که قبل از ظهور حضرت مهدی، خروج می‌کند؛ بر خود تطبیق می‌دهد و جریان دیگر، «منصور هاشمی خراسانی» را مصداق فردی می‌داند که در روایات از او به عنوان «خراسانی» یاد شده است. این دو جریان با توجه به این‌که هر دو در تلاش هستند خود را مصداق یکی از نشانه‌های ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کنند؛ دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستند که بررسی تطبیقی این دو جریان، با توجه به رد و باطل شمردن یکدیگر، می‌تواند زوایای جدیدی از نقد آن‌ها را برای پژوهشگران آشکار کند. از این رو، در این مقاله به بررسی تطبیقی دو جریان انحرافی مهدوی، یعنی «مدعی یمانی» و «مدعی خراسانی»، پرداخته می‌شود. ضرورت تحقیق پیش‌رو، از آن روست که با گسترش روزافزون فضای مجازی و تبدیل شدن آن به شاهراهی برای تبادل اطلاعات و ارتباطات؛ شاهد افزایش فعالیت مخرب فرقه‌های انحرافی، از جمله فرقه مدعی یمانی و همچنین خراسانی هستیم. این فرقه‌ها با سوء استفاده از جذابیت و حساسیت موضوع مهدویت، با طرح ادعاهای دروغین و انحرافی، افراد مذهبی، حتی گاهی اوقات طلاب و روحانیان جوان و کم اطلاع از مبانی شیعه اثنا عشری و مهدوی را به دام خود

می‌اندازند. این تحقیق می‌تواند با نشان دادن شباهت‌های اعتقادی مدعی یمانی و خراسانی، وسیله‌ای برای آگاه‌سازی کسانی باشد که به این فرقه تمایلی پیدا کرده‌اند.

از سویی، بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های جریان مدعی یمانی و خراسانی سبب افزایش کارایی تحقیق است. به عبارت دیگر، با شناخت شباهت‌ها، می‌توان به بهینه‌سازی و افزایش کارایی تحقیقات در زمینه مواجهه با این دو جریان کمک کرد؛ یعنی مثلاً اگر در میان این دو جریان، شباهت‌های فراوانی باشد، ممکن است بتوان از راهکارهای مشترک در مقابله با آن‌ها بهره برد.

بر همین اساس، به دلیل آن‌که بررسی تطبیقی در پژوهش‌های علمی، به محققان امکان می‌دهد تا با مقایسه و تحلیل دقیق موضوعات مختلف، به درک جامع‌تر و عمیق‌تری از پدیده‌ها دست یابند؛ و با این روش، به شناسایی الگوها و مؤلفه‌های قوت و ضعف، و ارتقای تحلیل انتقادی، به بهبود سیاست‌ها، استراتژی‌ها و روش‌های کار در مقابل جریان‌های انحرافی مهدوی کمک کنند؛ به شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو جریان به صورت تطبیقی می‌پردازیم و از شیوه «توصیفی - تحلیلی» در پردازش اطاعات استفاده می‌کنیم.

اما در مورد پیشینه تحقیق، باید گفت که تاکنون پژوهش‌های متعددی در مورد جریان‌های انحرافی مهدویت، از جمله جریان مدعی یمانی و جریان خراسانی انجام شده است. برخی از این آثار عبارتند از:

کتاب "ره افسانه" و "خواب پریشان"، نوشته محمد شهبازیان که به نقد جریان یمانی پرداخته‌اند.^۱

پایان نامه "بررسی مشترکات کلامی جریان مدعی یمانی (احمد الحسن) و بهائیت"، نوشته علی پارسا خصال که به بررسی تطبیقی و نقد بهائیت و مدعی یمانی پرداخته است. پژوهش "تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف

۱. شهبازیان، ره افسانه: نقد و بررسی فرقه یمانی بصری، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۹۳.

در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی^۱ و همچنین "بررسی و تحلیل نقش جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی در تقابل با حاکمیت فقیه"، اثر حجت حیدری چراتی و مهرداد ندرلو و کتاب "توهم بازگشت"^۲، از علی محمدی هوشیار به بررسی و نقد جریان خراسانی می‌پردازند. با وجود این، به نظر می‌رسد که تاکنون هیچ کتاب یا مقاله‌ای به طور خاص به بررسی تطبیقی این دو جریان نپرداخته باشد. از این رو، این پژوهش، جدید و فاقد سابقه است. بنابراین، ابتدا به شرح و تبیین واژگان اشاره می‌کنیم و سپس به شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو جریان می‌پردازیم.

۱. مفهوم‌شناسی

ضروری است برای دریافت و فهم دقیق مطالب و ایجاد همخوانی و هماهنگی هر چه بیش‌تر بین مسئله پژوهش و مطالعات صورت گرفته و همچنین کمک به رسیدن به فهم مشترک از موضوع بین محققان و مخاطبان، به تبیین و شرح و بسط واژگان کلیدی مقاله بپردازیم:

۱-۱. روش تطبیقی

واژه "روش" از لغت "متد" و آن از واژه یونانی "متا"، به معنای در طول و راه گرفته شده و مفهوم آن، در پیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف و مقصودی با نظم و توالی خاص است.^۳ روش، چگونگی، نحوه عمل و شیوه انجام دادن کاری را می‌گویند.^۴ «روش» عبارت است از فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت. به واسطه روش می‌توان از طریق عقل یا غیر آن، واقعیت‌ها را شناخت و مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند.^۵

۱. حیدری چراتی، ندرلو، تحلیل و بررسی جریان انحرافی منصور هاشمی خراسانی و نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و اتحاد اسلامی، دو فصلنامه پژوهش نامه موعود، شماره ۶، ص ۷۰-۹۳.

۲. محمدی هوشیار؛ توهم بازگشت، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۹.

۳. کاظمی، روش و بینش در سیاست، ص ۲۸.

۴. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ص ۳۷۳۷.

۵. حقیقت، روش شناسی علوم سیاسی، ص ۴۳.

واژه «تطبیق» از مصدر «طَبَّقَ»، به معنای هم‌سطح کردن، برابر کردن، مانند کردن و مطابقت دادن است. از این رو، به گذاشتن دو دست بر روی هم و قرار دادن آن بین دو زانو در نماز «تطبیق» گفته شده است.^۱ معنای تطبیق بسته به علمی که در آن استفاده می‌شود، متفاوت است؛ ولی در مجموع، تطبیق چه در معنای لغوی و چه در معنای اصطلاحی، به فرآیند همخوانی و هماهنگی بین دو یا چند عنصر اشاره دارد.

۲-۱. جریان انحرافی

«جریان» در لغت به معنای رفتن و وقوع یافتن است^۲ و در اصطلاح، به یک گروه اجتماعی گفته می‌شود که با مبانی فکری و رفتار اجتماعی ویژه، به دنبال تأثیرگذاری بر جامعه است.^۳ لذا از جمله ویژگی‌های مهم جریان، داشتن رهبر، پیرو، اندیشه، رشد، هدف و تأثیرگذاری اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، اقتصادی و علمی است. تفکرات فردی بدون پیرو و تأثیر اجتماعی جریان محسوب نمی‌شود. واژه انحراف نیز به معنای تغییر معنای لفظ از معنای اولیه^۴، کجروی و بی‌راه شدن است^۵ و در علوم طبیعی، به خروج از حد اعتدال و در فلسفه به تمایل حد وسط و گرایش به طرفی^۶ و از منظر حقوقی به انجام دادن عمل غیرقانونی^۷ و از منظر جامعه‌شناسی، به رفتار شکننده هنجارهای اجتماعی اطلاق شده است.^۸

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۱۱؛ دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۵، ص ۶۷۸۶؛ معین، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۴۶۲؛ جمعی از پژوهشگران، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم‌السلام، ج ۲۸، ص ۱۷۱ و غدیری، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهیه، ص ۸۳.

۲. معین، ج ۱، ص ۵۳۰ و راغب، مفردات الفاظ القرآن، ص ۱۴۷.

۳. خسرو، پناه، جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، ص ۹؛ اسکندری، درسنامه جریان‌شناسی احزاب و گروه‌های زاویه دار در ایران، ص ۳۶ و مظفری، جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ص ۱۵.

۴. نساء: ۴۶ و مائده: ۱۳.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۴۳. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳،

۶. صلیبیا، فرهنگ فلسفی، ج ۱، ص ۱۶۹.

۷. صدر، قرآن و پدیده انحراف در جامعه، ص ۱۶.

۸. سلیمی، جامعه‌شناسی کجروی‌ها، ص ۱۲۲.

۲-۳. مهدوی (مهدویت)

«مهدویت»، از نظر لغوی مصدر صناعی از واژه "مهدی" به معنای مهدی بودن و خود را مهدی نامیدن است^۱ و در اصطلاح، به مجموعه آموزه‌های اعتقادی، معرفتی، اخلاقی، فقهی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی و هر نوع آموزه دیگری اطلاق می‌شود که در زمینه باور به ظهور فردی از نسل پیامبر ﷺ در آخر الزمان است که بر اساس روایات وارد شده، تحولی شگرف در همه ابعاد هستی به وجود می‌آورد و نوید بخش آینده‌ای روشن در انتهای تاریخ برای بشر است.^۲ بنابراین، اصطلاح "جریان‌های انحرافی مهدوی" در این جستار، به گروه‌هایی اشاره دارد که ادعای مهدی بودن دارند یا به شخص یا نشانه‌ای خاص مرتبط با مهدویت معتقدند و تلاش می‌کنند آن را بر خود تطبیق دهند تا افراد را به سوی خود جذب کنند. این گروه‌ها از اصول و اعتقادات اصلی مهدویت خارج شده‌اند و یا تفسیرهای غیرقابل قبول از مفاهیم مرتبط با مهدویت ارائه می‌کنند. به طور کلی، جریان‌های انحرافی مهدوی ممکن است از محدوده اصلی اعتقادات و آموزه‌های مهدویت خارج شوند و یا به طور کامل با آن‌ها در تضاد باشند و ادعاهای خود را همراه با توهین به معتقدان اصلی مهدویت بنا کنند.

۲-۳. مدعی یمانی

جریان انحرافی مدعی یمانی (احمد الحسن) به گروهی اشاره دارد که معتقدند احمد اسماعیل بصری همان یمانی موعود است که در روایات اسلامی به ظهور او اشاره شده است.^۳ آنان معتقدند او مهدی اول و قائم آل محمد است و اطاعت از او واجب است و وی را فرزند امام

۱. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۱۸۷۷ و همان، فرهنگ متوسط دهخدا، ج ۲، ص ۲۸۶۹.

۲. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (النور: ۵۵)؛ «لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله عز و جل ذلك اليوم حتى يخرج رجل من ولدِي، فيملؤها عدلا و قسطا كما ملئت جورا و ظلما» (صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷، ۳۱۸).

۳. فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۱۴.

محمد بن الحسن العسکری می‌دانند؛^۱ در حالی که محققان، زادگاه او را روستای «همبوشی» در بصره معرفی و تاکید کرده‌اند که او با سادات نسبتی ندارد.^۲ این جریان در سال ۱۹۹۹ توسط احمد اسماعیل بصری در نجف اشرف به صورت مخفیانه پایه‌گذاری شد.^۳ سپس وی ادعا کرد که در سال ۱۳۸۱ شمسی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دستور علنی کردن دعوتش را دریافت کرده است.^۴ احمد اسماعیل ادعاهای مختلفی دارد؛ اما یمانی بودن مشهورترین آن‌هاست و پیروانش، خود را «یمانی‌ها» می‌نامند. لذا در این تحقیق، این جریان را «مدعی یمانی» نامیده‌ایم.

۲-۴. مدعی خراسانی

جریان انحرافی «مدعی خراسانی» به گروهی اطلاق می‌شود که معتقدند، فردی به نام «منصور هاشمی»، همان خراسانی موعود است. نام اصلی منصور هاشمی، «علی رضا بابایی آریا»، دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد در رشته الهیات در مقطع دکتری است که از سال ۱۳۸۵ در ایران به فعالیت مخفیانه فرقه‌ای اقدام کرده است. وی پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی و تحمل حبس، از سال ۱۳۹۰ به افغانستان متواری شد و به طور علنی به جذب پیروان، سازمان‌دهی و ایجاد تشکیلات پرداخت.^۵

این جریان تلاش دارد منصور هاشمی را مصداق خراسانی در روایات اسلامی معرفی کند که بر اساس برخی روایات، پیش از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می‌کند. هاشمی خراسانی مدعی است که تمام خوانش‌های موجود از آموزه‌های اسلامی در میان مسلمانان نادرست و اشتباه

۱. درباره نسب او آمده است: «سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی است» (هفته نامه ظهور، شماره ۱۶۹، ص ۱).

۲. کورانی عاملی، دجال بصره، ص ۲۰ و شهبازیان، ره افسانه، ص ۱۳.

۳. همان و احمد الحسن، جامع ادله، ص ۳.

۴. احمد اسماعیل، پاسخ‌های روشن‌گر، ج ۱، ص ۱۷۳.

۵. هوشیار، توهم بازگشت، ص ۴۳.

است و تنها قرائت او از اسلام، بر حق و صحیح و با شکل اولیه و اصلی اسلام سازگار است.^۱ از این رو، جریان خود را به نام "نهضت بازگشت به اسلام" معرفی می‌کند.^۲

۲. شباهت‌های جریان مدعی یمانی (احمد الحسن) و جریان مدعی خراسانی (منصور هاشمی خراسانی)

بررسی شباهت‌های این دو جریان از چندین جهت ضروری و مفید است:

نخست آن که شناخت شباهت‌ها، درک ساختارها، فرایندها و مفاهیم هر دو جریان را آسان‌تر و پایه‌ای را برای یافتن تفاوت‌ها و ویژگی‌های منحصر به فرد آن‌ها فراهم می‌کند؛ دوم این‌که این امر به پیش‌بینی رفتار یا نتایج آینده و همچنین شناسایی عوامل کلیدی موفقیت یا شکست هر دو جریان کمک می‌کند. برخی از شباهت‌های این دو جریان عبارت است از:

۱-۲. تشابه در ادعاها

یکی از مشترکات و تشابهات جریان‌های انحرافی یمانی دروغین و مدعی خراسانی، تشابه در برخی ادعاها است که عبارت است از:

۱-۱-۲. ادعای تطبیق نشانه ظهور

هر دو جریان تلاش دارند رهبران خود را مصداق عینی یکی از علائم ظهور معرفی کنند. در روایات مهدوی به نشانه‌هایی اشاره شده است که وقوع آن‌ها، بشارت از نزدیک بودن ظهور دارد. در میان این نشانه‌ها، روایاتی به چشم می‌خورد که از خروج افرادی قبل از قیام امام مهدی علیه السلام خبر می‌دهند که از جمله آن‌ها خروج شخصی به نام یمانی، و خروج فردی دیگر با عنوان خراسانی است.^۳ این روایات پایه و زیر بنای اصلی هر دو جریان را تشکیل می‌دهد. جریان

۱. هاشمی، بازگشت به اسلام، ص ۱۵.

۲. همان.

۳. طوسی، غیبت، ص ۴۴۶ و ۴۴۷ و نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۵.

مدعی یمانی، احمد اسماعیل را مصداق یمانی^۱؛ و جریان خراسانی، منصور هاشمی را مصداق خراسانی معرفی می‌کند.^۲

جریان منصور هاشمی خراسانی از دو شیوه «عقل» و «نقل» برای تطبیق نشانه خراسانی بر خود استفاده می‌کند. ابتدا در کتاب «هندسه عدالت»، لزوم وجود انسان کامل و ضرورت حکومت او را اثبات کرده و به دلیل عدم چنین حکومتی در حال حاضر، بر لزوم زمینه‌سازی برای حکومت انسان کامل تأکید می‌کند. سپس به روایات خراسانی اشاره و خراسانی را تنها فرد زمینه‌ساز معرفی می‌کند.^۳ پیروان این جریان، با توجیه و تأویل روایات و استناد به آیاتی از قرآن، سعی می‌کنند منصور هاشمی را مصداق معرفی کنند.^۴ آن‌ها چهار دسته از روایات مرتبط با مکان (خراسان)، پرچم، دعوت به سوی مهدی، و شخص دعوت‌کننده را که نام منصور در آن‌ها آمده است، بر منصور هاشمی تطبیق می‌دهند و با استفاده از اسم، پرچم، و منطقه دعوت، ادعای خود را مطرح می‌کنند.

قدر متیقن از روایات متواتر و مشهور، ظهور مردی از شرق خراسان بزرگ با پرچم‌های سیاه است. صرف نظر از نشانه‌های ظهور در روایات واحد، این نشانه‌ها در منصور هاشمی جمع است؛ خصوصاً این‌که پیش از او هیچ مردی با این نهضت و نشانه‌ها ظهور نکرده و پس از او نیز هرکس ظهور کند تحصیل حاصل است.

احمد الحسن نیز که ادعای یمانی بودن دارد، از روایاتی که در این زمینه وارد شده، بهره

۱. فتحیه، همه گمراه‌اند جز یمانی، ص ۵، ر.ک: گروه انصار امام مهدی، پاسخ‌های روشن‌گر، ج ۲، ص ۹۴-۱۰۰.

۲. رضوی، بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت «بازگشت به اسلام» پس از علم به حَقانیت آن، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش مقاله‌ها و نکته‌ها، کد ۸۳، سال ۱۳۹۷.

۳. متناسب مطالب برای اثبات جریان خراسانی به آن‌ها استناد می‌کند، ص ۶۶-۷۰. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/10374/>؛ و نیز ر.ک: هندسه عدالت به روایاتی که در پاورقی به

۴. مراجعه شود به کتاب هندسه عدالت.

۵. منصور هاشمی تنها نام او نیست، بلکه تفسیری نفس‌الامری دارد که از وجود عینی او مشتق شده است. او منصور است به قاعده «إِنَّهُمْ هُمُ الْمُتَّصِرُونَ»؛ چرا که به نصرت خدا قیام کرده و خداوند فرموده است: «ان تصروا الله ینصرکم» (پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، بخش درسها، درس ۱۲، ص ۷).

برداری کرده و دعوت خود را بر آن‌ها مبتنی کرده‌است. در کتاب «جامع ادله»، بعد از اشاره به برخی روایات مهدوی آمده است:

پایه و اساسی که این دعوت مبارک بر آن استوار است، تنها در یک عبارت خلاصه می‌شود: این که «سید احمدالحسن، وصی و فرستاده امام مهدی و یمانی موعود است.» عبارتی که بیان می‌دارد آن قائمی که زمین را پاکسازی می‌کند، شخصیتی است که امام مهدی گسیلش می‌دارد.^۱

این، در حالی است که در مورد ویژگی‌های یمانی، از روایات تنها می‌توان اصل وجود یمانی را اثبات کرد؛ اما مشخصات ظاهری، نام، قبیله و ویژگی‌های دیگر او ذکر نشده‌اند. روایات در این زمینه مبهم و متعارض هستند. بر اساس برخی روایات، یمانی در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده و فعال است. بر اساس برخی دیگر از روایات، او قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته می‌شود و فرزند او جانشین وی می‌شود. همچنین در مورد زمان خروج یمانی و نقش او در مقابل سفیانی و خراسانی نیز تناقضاتی وجود دارد. در مجموع، تنها چیزی که می‌توان با اطمینان گفت، این است که یمانی از یمن خواهد آمد؛ اما تطبیق دقیق این فرد مشکل است و از مجموع هجده روایات در این زمینه دوازده مورد آن ضعیف ارزیابی شده است.^۲

احادیث خراسانی نیز بسامد چندانی در میان منابع روایی شععی ندارند و عمده منابع آن از اهل سنت، به ویژه کتاب الفتن نعیم بن حماد است^۳ که نشان دهنده تردید علمای امامیه در اصل این روایات می‌باشد.

این مقایسه نشان می‌دهد که این دو جریان، اعتبار خود را بر اساس تفسیر و تطبیق این روایات استوار کرده‌اند و با تکیه بر روایات مهدویت و تطبیق نشانه‌های ذکر شده در آن‌ها، تلاش می‌کنند رهبران خود را به عنوان افراد مهم و بشارت دهنده ظهور امام مهدی معرفی کنند. این

۱. احمد الحسنی، جامع ادله، ص ۱۳.

۲. کنکاشی در شناسایی یمانی و مدعیان دروغین آن، خبرگزاری اهل بیت، ۱۳۹۴/۲/۶.

۳. صادقی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، ۲۱۷-۲۲۹.

روند نشان دهنده اهمیت روایات مهدویت در شکل‌گیری و مشروعیت بخشی به این جریان‌ها است. در واقع، این تحلیل تطبیقی، به ما نشان می‌دهد که چگونه دو جریان مختلف، با استفاده از نشانه‌های مشابه، رهبران خود را به عنوان مصداق این نشانه‌ها مطرح می‌کنند تا اعتبار و مشروعیت خود را در میان پیروانشان تقویت کنند.

۲-۱-۲. ادعای نیابت، وصایت و جانشینی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تشابه دیگر این دو جریان در نوع ادعاها، ادعای نیابت، وصایت و جانشینی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. هم جریان خراسانی و هم مدعی یمانی بر این باور هستند که خراسانی و یمانی، نایبان و جانشینان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند. در همین زمینه جریان منصور هاشمی بر این باور است:

روایاتی در دست هستند که از تداوم خلافت پس از مهدی و انتقال آن به یازده یا دوازده مهدی دیگر از فرزندان حسین خبر می‌دهند که نخستین آنان، مردی خراسانی به نام «منصور» است.^۱

یا این که احمد الحسن برای اثبات ادعای خود و این که وی طبق «حدیث وصیت»، وصی حضرت مهدی است، می‌نویسد:

این، وصیتی است که محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را در شب وفاتش نوشته است و از هزاران سال پیش در کتاب‌ها موجود است. هرکسی می‌توانسته است آن را بخواند و از آن آگاه شود؛ ولی ادعای آن برای افراد باطل امکان پذیر نبوده است... این که توصیف این نوشتار به این که به خودی خود بازدارنده از گمراهی است؛ به این معناست که کسی غیر از صاحبش نمی‌تواند آن را ادعا کند؛ کسی که محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وی را ذکر کرده است. در نتیجه هرکس ادعای وصیت کند راستگو و صاحب آن است.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش پرسش و پاسخ‌ها، کد ۱۲۳. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/6362/>.

این مطلب به عنوان دلیلی کامل و حجتی بر حقانیت این دعوت کافی است. هرکس خواهان حق و حقانیت این دعوت است، وصیت و ادعای من که در وصیت یاد شده‌ام، او را کفایت می‌کند!^۱

به نظر می‌رسد که این‌گونه تلاش برای معرفی خراسانی و یمانی، به عنوان مهدیان دوازدهگانه، نایب یا جانشین و یا وصی حضرت مهدی؛ برای آن است که بتوانند، جایگاه یمانی و خراسانی را تا حد عصمت بالا ببرند و با ارائه چهره‌ای معصوم و در حد ائمه عجل الله فرجه از آن‌ها، پیروی از دو مدعی را بر اساس لزوم پیروی از حجت‌های الهی توجیه کنند. بر همین اساس، احمد الحسن در این زمینه می‌نویسد:

در خصوص اوصاف و ویژگی‌های شخصیت یمانی: ... اول، بر هیچ مسلمانی جایز نیست از او سرپیچی کند؛ هرکس چنین کند اهل آتش [جهنم] است و این به آن معناست که یمانی صاحب ولایت الهی است... ولایت اهل بیت عجل الله فرجه حسنه‌ای است که هیچ سیئه‌ای با وجود آن آسیبی نمی‌رساند و نیز دژی است که هرکس در آن داخل شود، از عذاب در امان خواهد داشت. برای ما روشن خواهد شد که نافرمانی از یمانی، به معنای خارج شدن از این دژ و این ولایت خواهد بود ... یمانی - حتما و یقیناً - حجتی از حجت‌های خداوند است.^۲

جریان منصور هاشمی خراسانی نیز که شعار عدم مشروعیت حکومت غیر معصوم را سر می‌دهد و هر حکومتی را که معصوم بر آن حاکم نباشد، باطل و طاغوتی می‌داند؛ با توجه به این‌که بر اساس ادعای مذکور، خراسانی را جانشین و خلیفه پس از حضرت مهدی می‌دانند؛ ناگزیر باید به عصمت او نیز قائل باشند؛ همچنان‌که هاشمی خراسانی تفکر خود را در عرض تفکر انبیا

۱. احمد الحسن، جامع ادله، ص ۱۹۴-۱۹۵ و نیز ص ۱۸۳؛ آن مهدی که از اولاد صاحب الزمان عجل الله فرجه است و قبل از پدرش می‌آید و اطاعت از او واجب است و به عنوان یمانی موعود معرفی شده؛ در زمان حیات پدرش امام مهدی و بلکه قبل از ظهور امام مهدی عجل الله فرجه نیز وصی و جانشین و حجت خداست و وارث وصیت ائمه است. (فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۷۰).

۲. احمد الحسن، جامع ادله، ص ۱۵۹-۱۶۱ و فتحیه همه گمراهند جز یمانی آل محمد، ص ۱۷-۱۸.

معرفی و تاکید می‌کند که سخنان وی از دسترس اندیشه‌های عادی مردم به دور است.^۱ در نقد و پاسخ به این ادعاها باید گفت، اولاً، شاهی بر عصمت و یا نیابت آن‌ها، از امام زمان علیه السلام در احادیث معتبر وجود ندارد و آنچه به عنوان پایه ادعایی جریان یمانی و خراسانی در مورد مهدیان دوازده‌گانه قرار گرفته، از لحاظ سندی و محتوایی دچار اشکال است که در جاهای مختلف نقد و بررسی شده است.^۲ علاوه بر این، با انحصار عدد ائمه علیهم السلام در دوازده، مخالف و معارض است.

نکته دوم اتخاذ رویکرد دوگانه این دو جریان با روایات مورد استناد یکدیگر است. بر همین اساس، زمانی که جریان خراسانی تلاش می‌کند تا بطلان قیام یمانی را اثبات کند، «حدیث وصیت» را حدیثی واحد، داری ضعف سندی و معارض با روایات دیگر می‌داند؛^۳ ولی زمانی که می‌خواهد منصور هاشمی را به عنوان جاشین پس از مهدی علیه السلام معرفی کند، به همین حدیث البته به صورت اشاره اجمالی به مضمون آن استناد می‌کند.^۴ طرفداران جریان احمد الحسن نیز با این‌که شخصیت خراسانی را رد می‌کنند؛^۵ تلاش دارند در صورت امکان، احمد الحسن را مصداق همان روایات بدانند و در غیر آن صورت، به توجیه روایات خراسانی و حقانیت آن می‌پردازند.^۶ نکته سوم این‌که این‌گونه تلاش‌ها برای آن است که آن‌ها از خود چهره‌ای فرهمند (کاریزماتیک) بسازند. این نکته نشان‌دهنده تلاشی عمدی برای ارائه تصویری فراتر از مستندات روایی معتبر در میان این جریان‌های انحرافی است.

پاسخ چهارم را از سوی منصور هاشمی به جریان یمانی می‌دهیم که البته عین این جواب بر

۱. ر. ک: هاشمی خراسانی، هندسه عدالت، ص ۷۳.

۲. برای نمونه محمد حسین فیض اخلاقی در مقاله‌ایی با عنوان «نقد حدیث وصیت با تاکید بر منحصر به فرد بودن امامان علیهم السلام» در عدد دوازده بع نقد این روایت پرداخته است.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، خلیلی، آشنایی با مدعیان دروغین، احمد الحسن بصری، کد ۶۹.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش پرسش و پاسخ‌ها، کد ۱۲۳.

۵. فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۲۵.

۶. همان، ص ۴۹، ۵۲، ۵۴ و ۷۰.

خود او نیز وارد است. جریان مدعی خراسانی، در نفی مشروعیت مدعی یمانی می‌گوید:

هیچ دلیل دیگری وجود ندارد که احمدالحسن، مصداق همان یمانی مذکور در روایات باشد و این تنها ادعایی بدون دلیل از سوی اوست که در حکم کذب شمرده می‌شود؛ زیرا مفهوم کلی و روایی یمانی قابل صدق بر هر مردی از یمن است و هر کس ادعا می‌کند یمانی است، باید برای آن دلیل بیاورد...^۱

پاسخی که عینا بر خود مدعی خراسانی نیز وارد است.

۲-۱-۳. ادعای منحصر به فرد بودن جریان‌ها در طول تاریخ

تشابه دیگر این دو مدعی دروغین، منحصر به فرد بودن ادعاهای آن‌ها در طول تاریخ است. با توجه به این‌که عنوان خراسانی، و یمانی، عنوان عام و کلی است؛ می‌تواند بر هر فردی که از ناحیه خراسان و یمن باشد، اطلاق شود. به بیان دیگر، این عناوین، دایره‌ای بسیار عام و فراگیر دارند؛ به گونه‌ای که معیار و ملاکی برای سنجش ادعای افراد در دست نیست، تا بتوان به صورتی یقینی و یا حداقل اطمینان آور به این نتیجه رسید که ادعای مدعی، با همان روایات مورد ادعا مطابق است یا خیر.

بر همین اساس، چنین جلوه می‌دهند که اولاً، کسی پیش از آن‌ها نبوده که چنین ادعاهایی را مطرح کرده باشد و اگر بر فرض کسی در آینده چنین ادعایی کرد، به باور جریان خراسانی این ادعا تحصیل حاصل است؛ زیرا امری که یک بار واقع شده است، نمی‌تواند مصادیق متعدد داشته باشد.^۲

به عقیده پیروان جریان انحرافی یمانی نیز، چیزی که در روایات ظهور او را بشارت داده‌اند، محال است توسط مدعیان دروغین ادعا شود، بلکه خداوند آن امر را تا زمان فرارسیدن زمان آن،

۱. پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، خلیلی، آشنایی با مدعیان دروغین، احمد الحسن بصری، کد ۶۹

۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، رضوی، بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت «بازگشت به اسلام» پس از علم به حقایق آن، کد ۸۳، <https://www.alkhorasani.com/fa/content/10374/>

از گزند مدعیان حفظ می‌کند تا به صاحب اصلی آن برسند. بر همین اساس نیز یکی از استدلال‌هایی که احمد الحسن برای اثبات حقانیت خود از آن استفاده می‌کند؛ همین است. از این رو، او مدعی است که تاکنون هیچ کس به حدیث وصیت به غیر از او استناد نکرده است.^۱ سپس با توجیه‌هایی که از روایات دارند و با توجه به این که در روایت T پرچم یمانی هدایت یافته‌ترین پرچم توصیف شده است؛ شخصیت یمانی و مهدی اول را یکی دانسته و آن دو را بر هم منطبق می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرند که چنین ادعایی در طول تاریخ منحصر به فرد بوده است.

بنابراین، این جریان‌ها سعی دارد با استفاده از استدلال‌های خاص خود، به پیروان نشان دهد که ادعایش واقعی و منحصر به فرد است. جریان خراسانی معتقد است که ادعای این جریان، نمی‌تواند مصادیق متعدد داشته باشد؛ در حالی که جریان یمانی معتقد است خداوند این امر را تا زمان فرارسیدن آن از گزند مدعیان دروغین حفظ می‌کند و البته هر دو جریان، با وجود استناد هر دو گروه به روایات، همدیگر را رد می‌کنند و دیگری را باطل می‌دانند. این امر نشان دهنده این مطلب است که تطبیق این دو نشانه به دلیل ابهام در شناخت مصداق حقیقی یمانی و خراسانی بسیار سخت و دشوار است و از طرفی از سوی هرکسی می‌تواند مطرح شود؛ به ویژه با توجه به توجیهاتی که این دو جریان از روایات دارند.

این جریان‌ها در حالی ادعای انحصار تطبیق روایات بر جریان خود را دارند که گویا اصلاً احاطه‌ای به تاریخ و سابقه ادعای مدعیان پیش از خود ندارند و یا این که عمداً از آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنند؛ زیرا بر خلاف این ادعا، جریان‌ها و مدعیانی بوده‌اند که هم ادعای خراسانی بودن داشته‌اند و هم ادعای مدعی یمانی بودن؛ چنان که به شهادت تاریخ، شعار حکومت بنی‌عباس و شروع نهضت آن‌ها با عنوان خراسانی و پرچم‌های سیاه و دعوت به «الرضا من آل محمد ﷺ» بوده و در منابع تاریخی از عنوان «مسوده» و «رایات سود» در معرفی آن‌ها استفاده شده است.^۲ چنان که مقدسی در کتاب البدع و التاریخ در باب خروج المهدی گزارش‌هایی را ذکر

۱. عقیلی، وصیت و وصی احمد الحسن، ص ۱۷۳.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۵۶ و اخبار دوله العباسیه، ص ۲۴۵.

کرده است، مبنی بر این که افرادی خود را به عنوان یمانی و قحطانی معرفی کرده‌اند.^۱ یا به عنوان نمونه، افرادی، «حوثی‌ها» ی یمن را به عنوان یمانی معرفی می‌کنند (که البته از سوی خودشان چنین ادعایی وجود ندارد) یا در عراق فردی با عنوان «ابی عبدالله الحسینی القحطانی» معروف به «حیدر مشتت» خود را به عنوان یمانی معرفی کرد.^۲ بنابراین، نه تنها کلیت ادعای انحصار نقض می‌شود؛ بلکه کذب بودن آن نیز روشن می‌گردد.

۲-۱-۴. ادعای زمینه‌سازی

زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام، یکی دیگر از تشابهات جریان انحرافی یمانی و خراسانی در عرصه مهدویت است. هر دو جریان ادعا می‌کنند که زمینه ساز ظهور حضرت مهدی هستند و هر دو جریان با نفی زمینه‌سازان دیگر، خود را به عنوان زمینه‌ساز اصلی ظهور می‌دانند. ناظم عقیلی از نویسندگان جریان احمدالحسن می‌نویسد:

همان طور که رسول خدا در وصیت خود با عبارت «اولین مقربین مهدیین اولین مؤمنان» او را توصیف کرده است و همین طور روایات دیگری که بیان کرده اند او زمینه ساز اصلی امام مهدی است.^۳

هاشمی خراسانی نیز با نفی جریان‌های زمینه‌ساز دیگر بیان می‌کند:

پیش از حکومت انسان کامل، هیچ نهضت اصلاحی یا انقلابی دیگری در جهان غیر از این نهضت زمینه‌ساز، نمی‌تواند مشروع و قابل توجیه باشد... بنابراین، راهنمای شایسته [= هاشمی] از طریق تشکیل یک حکومت انتقالی زمینه را برای تحقق حاکمیت مهدی علیه السلام فراهم می‌نماید.^۴

استدلال این دو گروه، بر این اساس است که زمینه‌سازی برای ظهور، مانند خود حکومت

۱. مقدسی، البدع والتاریخ، ج ۱، ص ۳۸۴.

۲. کنکاشی در شناسایی یمانی و مدعیان دروغین، خبرگزاری اهل بیت علیهم السلام تاریخ درج: ۱۳۹۴/۲/۶.

۳. عقیلی، وصیت و وصی احمد الحسن، ص ۲۱۴.

۴. هاشمی خراسانی، هندسه عدالت، ص ۶۰.

معصوم انحصاری است. لذا تنها یکی از جریان‌هایی که مدعی زمینه‌سازی است می‌تواند زمینه-ساز واقعی باشد و لا غیر.

اما باید توجه داشت که وجود زمینه‌سازان مختلف برای هر امری تا زمانی که به تقابل با یکدیگر کشیده نشود، منافاتی با هم ندارند و از طرفی، ادعای زمینه‌سازی که هر دو دسته مدعی آن هستند، بر اخبار و روایات وارد شده مبتنی است که با توجه به روایات مختلف در این زمینه، مانند ظهور خراسانی و یمانی و دیگران به عنوان زمینه‌ساز، ادعای انحصار زمینه‌سازی، با فضای روایات مخالف است و هر دو مدعی، ادعای خود را به همین روایات مستند می‌کنند.

علاوه بر این، چنین ادعایی که به عنوان یکی از شباهت‌های کلیدی بین این دو جریان مطرح است؛ به عنوان ویژگی مشترک بین این دو جریان، نشان‌دهنده تشابه در ایدئولوژی و اهداف آن‌ها است؛ زیرا این ادعا، علاوه بر ایجاد مشروعیت، می‌تواند به عنوان ابزاری برای جذب پیروان بیش‌تر به کار گرفته شود. با ادعای زمینه‌سازی برای ظهور، این جریان‌ها می‌توانند پیروان خود را قانع کنند که نقشی مهم و الهی در فرآیند ظهور ایفا می‌کنند. افزون بر این، می‌توانند خود را به عنوان بازیگر کلیدی در فرآیند ظهور حضرت مهدی معرفی می‌کنند.

۲. تشابه در الگوها و روش جذب

یکی دیگر از تشابهات جریان مدعی یمانی و خراسانی، استفاده از الگوها و روش‌های جذب مشترک در میان جامعه است. تخریب نهادهای رسمی مذهبی و حاکمیتی جامعه، یکی از الگوها و روش‌های مشترک مورد استفاده توسط جریان‌های مدعی یمانی و خراسانی می‌باشد. این نوع استراتژی‌ها می‌توانند شامل چندین جنبه باشند:

۲-۱. تخریب اعتبار نهادهای مذهبی، سنتی و رسمی

تخریب اعتبار نهادهای مذهبی سنتی و رسمی جامعه، یکی از اشتراکات این دو جریان است؛ به گونه‌ای که هر دو جریان موضعی انتقادی و حتی خصمانه در برابر نهادهای مذهبی در جامعه

دارند. این موضع‌گیری‌ها، نقد علما و مراجع تقلید، حوزه‌های علمیه^۱ و سایر نهادهای دینی را شامل می‌شود که در جامعه به عنوان نمایندگان دین و مذهب شناخته می‌شوند.^۲ بر همین اساس، این جریان‌ها خود را نماینده مبانی و آموزه‌های درست دینی در جامعه می‌دانند و بر این باور هستند که جامعه اسلامی دچار انحراف شده است و نماینده نهادهای مذهبی در جامعه، موجب انحراف و گمراهی مسلمانان هستند. لذا تنها قرائت صحیح و منطبق با شکل اولیه تعالیم اسلامی، خوانشی است که این جریان‌ها از اسلام دارند. بر اساس همین تفکر، جریان مدعی خراسانی نام دیگری برای خود برگزیده است: «نهضت بازگشت به اسلام».

۲-۲. انتقاد از مشروعیت و عملکرد

«مشروعیت»، به معنای پذیرش و تأیید مذهبی، عمومی و قانونی هر نهاد یا مقام است. انتقاد از مشروعیت و عملکرد نهادهای رسمی مذهبی و حاکمیتی توسط جریان‌های مدعی یمانی و خراسانی، می‌تواند به چندین شیوه و با اهداف مختلف صورت گیرد. این انتقادات معمولاً برای

۱. «اگر نهضت او به شیعه ضربه می‌زند و جایگاه علما و نقش محوری حوزه‌های علمیه را تضعیف می‌کند، برای آن است که به ظهور امام مهدی علیه السلام و تحقق حاکمیت اهل بیت می‌انجامد و ظهور امام مهدی علیه السلام تحقق حاکمیت اهل بیت، بساط شیعه تقلبی را جمع می‌کند و دکان علمای خائن و حوزه‌های علمیه وابسته را می‌بندد و به دوران سلطه شما بر جان و مال و آبروی مردم پایان می‌دهد» (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، نقد و بررسی، کد ۹۴، <https://www.alkhorasani.com/fa/content/9138/>).

۲. همچنین در پرتو آنچه پیش‌تر ارائه شد، یک نتیجه حتمی وجود خواهد داشت؛ نتیجه‌ای که با وجود این طاغوتیان یا علمای بی عمل نباید از آن غافل شویم یا آن را نادیده بگیریم؛ همان کسانی که نمی‌خواهند به سخن پاک و طیب گوش بسپارند و خواستار تحقیقی بی طرفانه در خصوص تمدن حقیقی الهی نیستند و نیز خواستار تخریب و انحراف تمدن حقیقی الهی و گسترش دگرگونی و مسخ شدن شیطان‌ها بر این زمین و گمراه کردن مردم و به انحراف کشیدن آن‌ها هستند، تا به این ترتیب پیروانی برای ابلیس (لعنت الله علیه) در نپذیرفتن سجده بر آدم - خلیفه و جانشین خداوند در زمینش - باشند (عقلی، وصیت و وصی احمد الحسن، ص ۱۰۳).

بل عالمانشان از ثروتمندان و قدرتمندانشان مغرورترند؛ چرا که احترام مسلمانان به آنان بیش‌تر و تملقشان از آنان شدیدتر است؛ تا جایی آنان را درباره خود به اشتباه انداخته و به این توهم دچار کرده است که از دیگران برترند... مسلم است که برخی عوام مسلمانان، از برخی عالمانشان با تقواتر و طبعاً گرامی‌ترند. بل من هیچ گروهی از مسلمانان را نیافته‌ام که به اندازه عالمانشان دوستدار تملق و ستایش باشند. (هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۸۴-۸۵).

تضعیف اعتبار و نفوذ این نهادها و جلب حمایت مردم به سوی خودشان طراحی می‌شوند. در ادامه، دو شیوه از شیوه‌ها و جوانب مختلف این انتقادات توضیح داده می‌شود:

۲-۲-۱. نقد تاریخی مشروعیت نظریه ولایت فقیه

این جریان‌ها، با اشاره به تاریخچه تأسیس و تطور نهادهای رسمی، مانند حکومت بر پایه نظریه ولایت فقیه، مشروعیت نهاد حاکمیت را با تردید مواجه می‌کند. برای مثال، ادعا می‌کنند که این نظریه بر پایه اصول نادرست یا تفسیرهای غلط از دین بنا شده است. آن‌ها تلاش می‌کنند برای اثبات مدعای خود، با بازنگری تاریخ و نحوه شکل‌گیری نظریه ولایت فقیه، مشروعیت آن مورد تردید قرار دهند؛ چنان‌که ادعا می‌کنند این نهاد از ابتدا به درستی و به طور مشروع تأسیس نشده، بلکه با انحراف از اصول و آموزه‌های اصلی دین ایجاد شده است. به بیان دیگر، ولایت فقیه را محصول انحراف از متون مقدس و سنت‌های مذهبی می‌دانند.^۱

این جریان‌ها در تلاش هستند تا از این طریق، مشروعیت رهبران و اعضای نهادهای رسمی را به چالش بکشند، و چنین القا کنند که آن‌ها با استفاده از قدرت‌های غیردینی به موقعیت‌های خود دست یافته‌اند. لذا از مشروعیت دینی برخوردار نیستند.

۲-۲-۲. تخریب مشروعیت با انتقاد از عملکرد

القای ناکارآمدی نظام‌های حاکم در جامعه و گره زدن ریشه مشکلات اعضای جامعه به مسائل اعتقادی، از روش‌ها و الگوهای مشترک این دو جریان است؛ از این‌رو، جریان مدعی یمانی و مدعی خراسانی، با تأکید بر فساد و ناکارآمدی نهادهای رسمی، ادعا می‌کنند که این نهادها در عرضه خدمات مذهبی و یا اجتماعی و سیاسی، عملکرد مناسبی ندارند و در این زمینه

۱. منصور، ولایت فقیه در زمان غیبت، ۱۱-۱۴. کل کتاب برای نفی مشروعیت از ولایت فقیه با استناد به سیره علمای پیشین و نظرات آن‌ها و... اختصاص دارد. (هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۵۲-۵۴؛ پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، حسینی، نظریه ولایت فقیه بدعت فقهی فقهای آخر الزمان یا بن بست لاینحل مشروعیت؟!، کد ۳۳).

ناکام مانده‌اند.^۱ آن‌ها از این طریق تلاش دارند تا قدرت نهادهای رسمی در جامعه را به چالش بکشند و با استفاده از این شیوه که می‌تواند، ابزار قدرتمندی در جذب افراد ناراضی و کم-برخوردار عمل کند؛ اقتدار نهادهای رسمی جامعه را کاهش دهند و با سر دادن شعارهای آرمان‌گرایانه و تحریک حس فزون‌خواهی افراد؛ از این روش برای تضعیف رقبا و تقویت موقعیت خود در جامعه استفاده کنند.

بنابراین، این دو جریان، با شیوه دشمن‌نشان دادن نهادهای مذهبی و سیاسی حاکم بر جامعه، و معرفی آن‌ها به عنوان تنها مانع حل مشکلات؛ برای اتحاد درون‌گروهی و همین‌طور ایجاد حس تنفر از نهاد های رسمی بهره می‌گیرند. چنان‌که هوفر بر این نکته تأکید می‌کند:

ایجاد نفرت، دسترس‌پذیرترین و فراگیرترین عامل وحدت بخش برای تقابل با نهادهای رسمی و سنتی است که شخص را از خود دور می‌کند، در این شرایط افراد برای از بین بردن دشمن مشترک، متحد گشته و این امر، عامل بقای گروه می‌گردد.^۲

از سوی دیگر، پایه‌های مردمی نهادهای سنتی که از مهم‌ترین عوامل بقای نهادهای رسمی و سنتی هستند، تضعیف و با چالش روبه‌رو می‌گردد. بر همین اساس، مدعی یمانی و خراسانی، از تخریب نهادهای دینی و حاکمیتی و گسترش ادبیات انتقادی در جامعه اهدافی دارند که از

۱. حاکمان وقت ایران نه تنها در عمل به وعده‌های خود مبنی بر ایجاد رفاه و بهبود وضعیت معیشتی مردم با استقرار حکومت دینی و تشکیل جامعه اسلامی ناکام مانده‌اند، بلکه در جهت کاملاً بر عکس ریشه دینداری را در جامعه خشکانده‌اند... بدون شک، دین‌گریزی مردم ایران که خصوصاً در اعتراضات ماه‌های گذشته با جلوه‌هایی از دین‌ستیزی نیز همراه بوده است؛ ثمره کاشت نهال و آبیاری شجره خبیثه‌ای است که با اعتماد اشتباه به فقها و سپردن امر دین به آنان به جای انتخاب خلیفه معصوم خدا و سپردن حکومت به او شکل گرفته است. پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، رضوی، از حرف تا عمل؛ کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران، کد ۱۲۰، جمهوری اسلامی. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/15417/>؛ کتاب هندسه عدالت از هاشمی خراسانی به دنبال القای همین فکر به مخاطب خود است؛ احمد الحسن، جامع ادله، ص ۹ و ۲۶؛ ر.ک: همان، حاکمیت الله نه حاکمیت مردم، ۵۶-۹؛ ر.ک: به پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی؛ مقالات ساحق، فردای سقوط، کد ۱۱۸، گلستان، نگاهی به وضعیت ایران و عربستان پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام، کد ۱۱۹ و...).

۲. ر.ک: هوفر، تأملاتی درباره سرشت جنبش‌های توده‌وار، ص ۹۹.

جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جلب حمایت عمومی: با تضعیف اعتبار نهادهای رسمی، این جریان‌ها می‌توانند حمایت عمومی بیش‌تری را به سوی خود جلب کنند؛
 - سلب اعتماد عمومی از نهادهای موجود در جامعه: این جریان‌ها، با انتقاد از مشروعیت و عملکرد نهادهای رسمی مذهبی و حاکمیتی، سعی می‌کنند اعتبار و اعتماد عمومی را به این نهادها کاهش دهند؛
 - تقابل با اقتدار دینی: نهادهای مذهبی رسمی اغلب دارای اقتدار و نفوذ فراوانی در جامعه هستند و همین نفوذ و اقتدار نهادهای مذهبی مانع بزرگی برای گسترش افکار انحرافی این‌گونه جریان‌هاست. جریان‌های انحرافی با موضع‌گیری علیه این نهادها، سعی می‌کنند اقتدار آن‌ها را تضعیف و جایگاه خود را تقویت کنند؛
 - ایجاد تمایز: این جریان‌ها با اتخاذ مواضع متفاوت و حتی مخالف با نهادهای رسمی، تلاش می‌کنند خود را متمایز کنند و به پیروان خود نشان دهند که راه و روش آن‌ها از جریان اصلی و سنتی متمایز است تا برخی افراد جویای معنویت را در جامعه که به هر دلیل از نهادهای رسمی جامعه ناراضی هستند، به سوی خود جذب کنند. این افراد ممکن است به دنبال جایگزینی باشند که به نیازها و خواسته‌های روحی و معنوی آن‌ها پاسخ دهد؛
 - تحریک به نافرمانی: تشویق به نافرمانی مدنی یا مذهبی علیه نهادهای رسمی نیز می‌تواند بخشی از اهداف این دو جریان باشد؛
 - تغییر ساختار قدرت: نهایتاً این انتقادات می‌توانند به تغییر ساختار قدرت و تأسیس نهادهای جدید و موازی که از سوی این جریان‌ها هدایت می‌شوند؛ منجر گردند.
- به طور کلی، انتقاد از مشروعیت و عملکرد نهادهای رسمی، ابزاری برای جریان‌های مدعی ایمانی و خراسانی است که از آن برای تضعیف رقبای خود و تقویت موقعیت خویش در جامعه استفاده می‌کنند. این دو جریان صرف نظر از شباهت‌ها، تفاوت‌هایی دارند که در ادامه بررسی می‌کنیم:

۳. تفاوت‌های جریان مدعی یمانی (احمد الحسن) و جریان مدعی خراسانی (منصور هاشمی خراسانی)

بررسی تفاوت‌های دو پدیده در مطالعات تطبیقی، از اهمیت فراوانی برخوردار است و این ضرورت به دلایل مختلفی در حوزه‌های گوناگون علمی، فرهنگی و اجتماعی وجود دارد. بررسی تفاوت‌های دو گروه و دو جریان در مطالعات تطبیقی، به ما امکان می‌دهد دانش و فهم خود را گسترش دهیم، انتخاب‌ها و تصمیمات بهتری داشته باشیم و با ارتقا و پیشرفت در زمینه‌های مختلف در مقابله با جریان‌های انحرافی مهدوی موفق‌تر عمل کنیم. از این رو، در ادامه به اختصار به برخی از تفاوت‌های این دو جریان اشاره می‌کنیم:

۳-۱. تفاوت و تمایز در ادعا

جریان‌های یمانی و خراسانی دروغین، همان‌طور که بیان شد، در ادعا و تلاش برای شبیه‌سازی نشانه‌های ظهور با یکدیگر اشتراک دارند؛ با این حال، هر یک از این دو جریان، نشانه‌ای متفاوت بر خود منطبق کرده‌اند. بنابراین، با وجود شباهت در ادعاها، همین تفاوت در تطبیق نشانه‌ها و ادعاها نیز میان این دو جریان وجود دارد:

۳-۱-۱. تفاوت در تطبیق نشانه‌ها

تفاوت در تطبیق نشانه‌ها، نشان‌دهنده رویکردهای متفاوت آن‌ها در جلب حمایت و مشروعیت‌بخشی به خود است که می‌تواند به رقابت میان این دو جریان برای به دست آوردن پیروان منجر شود؛ چنان‌که در کانال اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، "الحمد الحسن" به عنوان مدعی دروغین یمانی معرفی و تأکید شده است که پیروی از او بر خلاف مدعی خراسانی، فاقد دلیل شرعی و عقلی است. بر همین اساس، جریان خراسانی در ضمن همان نقد، بر مشروعیت جریان خراسانی و وجوب متابعت از او در مقابل مدعی یمانی تأکید می‌ورزد.^۱ در مقابل، جریان مدعی یمانی، این ایده را ترویج می‌کند که از میان پرچم‌هایی که قبل از

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، خلیلی، آشنایی با مدعیان دروغین، احمد الحسن بصری، کد ۶۹.

ظهور برافراشته می‌شوند، پرچم خراسانی، قطعاً باطل است، حتی اگر این پرچم برای مقابله با دشمنان حضرت مهدی، مانند سفیانی برافراشته شود. این جریان تاکید می‌کند که هیچ نصی در تایید پرچم خراسانی وجود ندارد، بلکه این پرچم یمانی است که از آن به «پرچم هدایت» تعبیر شده است. از این رو، خراسانی به دلیل مخالفت خود با یمانی، اهل آتش است!^۱ بدین ترتیب، پرداختن به اختلافات این دو جریان توسط پژوهشگران می‌تواند این دو جریان را در مقابل هم قرار دهد، و مخاطبان را نسبت به حقانیت هر دو گروه با تردید مواجه کند که در نتیجه، زوال هر دو جریان سرعت می‌گیرد.

۳-۱-۲. تفاوت در ادعای مهدویت

تفاوت دیگر جریان‌های مدعی یمانی و خراسانی، تفاوت در ادعای مهدویت است که این ادعا، دو جریان مذکور را از هم متمایز می‌کند. از این رو، می‌توان جریان خراسانی را مروج اندیشه «مهدویت نوعی»^۲، و جریان یمانی را طرفدار «مهدویت شخصی» دانست. همچنین، جریان یمانی دروغین، ادعا می‌کند که احمد الحسن همان مهدی موعود و قائم آل محمد است^۳، و تمام روایات مهدوی را به نفع یمانی دروغین تفسیر و تاویل می‌کند و در صدد است تا نقش اصلی در زمان ظهور را به احمد الحسن نسبت دهد.^۴ در همین حین، جریان خراسانی این نقش را به پس از ظهور انتقال داده و مدعی است که بعد از حضرت مهدی، منصور، خلیفه و جانشین

۱. فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۲۵ (البته باید به تعارض و تناقض در این جریان توجه شود؛ چون بر خلاف ادعای فتحیه در همین کتاب، احمد الحسن، به روایاتی استناد می‌کند که مشروعیت خراسانی را می‌رساند. احمد الحسن، از تو درباره عقاید اسلام می‌پرسند، ص ۸۴).

۲. جریان خراسانی می‌نویسد: «منصور هاشمی خراسانی - حفظه الله تعالی - مردم را به پذیرفتن امامت فرزند «حسن عسکری» دعوت نمی‌کند، بلکه به پذیرفتن امامت مهدی دعوت می‌کند، قطع نظر از این که همان فرزند حسن عسکری باشد یا فردی دیگر» (پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، بخش چرسش و پاسخ، کد ۴۶۱ بخش تعلیق ۲.

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/12709/>

۳. احمد الحسن، جهاد درب بهشت، ص ۱۴ و فتحیه، همه گمراهند جز یمانی، ص ۶۱ و ۷۰.

۴. ر. ک: احمد الحسن، جامع ادله، ص ۱۳ و کامیاب، بررسی و نقد تعدد قائمیت در جریان انحرافی احمد اسماعیل، ص ۷۹.

است نه پیش از آن. بر همین اساس، نقدهایی را به جریان احمد الحسن وارد کرده و به دلیل این اندیشه (قائمیت یمانی) آن‌ها را کافر و منحرف دانسته است.^۱

۲-۳. تمایز در منطقه جغرافیایی دو جریان

یکی دیگر از تفاوت‌های جریان خراسانی و یمانی دروغین، تفاوت در «منطقه جغرافیایی» ادعا است. به همین دلیل، جریان خراسانی به سبب آن که ابتدا دعوت و ادعای خود را از مناطق شرق ایران و به اصطلاح منطقه خراسان آغاز کرده، نشانه‌ای را برگزیده است که با تاریخچه و فرهنگ منطقه همخوانی داشته باشد و از این رهگذر بتواند در جذب پیروان محلی موفقیت بیشتری کسب کند. بر همین اساس شاید بتوان گفت که در این زمینه هوشمندی بیشتری از مدعی یمانی به خرج داده و به تناسب منطقه‌ای که در آن حضور دارد، از نشانه‌های ظهور بهره برده است. برخلاف مدعی یمانی که زادگاه وی یکی از توابع شهرستان بصره در عراق است. از این رو، یکی از ایرادهای اساسی وارد شده بر ادعای او، عدم تناسب نشانه ادعایی با موقعیتی است که در آن ادعای یمانی بودن را مطرح کرده است. همین امر سبب شده تا برای حل این چالش، به تاویل احادیث بپردازد و هر گونه روایت جعلی و ساختگی را مستمسک خود قرار دهد و به منبعی که از آن نقل روایت می‌کند، توجهی نکند؛ در حالی که جریان منصور هاشمی خراسانی، با چنین چالشی روبه‌رو نیست و یا کم‌تر مواجه است.

۳-۳. تفاوت در راه‌های کسب معرفت دینی

«تفاوت در راه‌های کسب معرفت دینی»، یکی از اصلی‌ترین تفاوت‌های این دو جریان انحرافی است. مقصود از راه‌های معرفت، «روش‌هایی است که با آن می‌توان معرفت‌های معتبر و در خور اعتماد به دست آورد»^۲ و حقیقت را از دروغ تشخیص داد. راه‌های معرفت، خود بر

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، خلیلی، آشنایی با مدعیان دروغین، احمد الحسن بصری، کد ۶۹.

۲. مصباح و محمدی، معرفت‌شناسی، ص ۱۱۲.

منابع گوناگون معرفتی مبتنی هستند^۱ که قابل تقسیم به سه راه کلی، «عقل»، «نقل» و «کشف» است.^۲ از این رو، برخی افراد، داده‌های معرفتی خود را با عقل محک می‌زنند؛ گروهی با سنجه شهود و عرفان و برخی دیگر بر پایه نقل و آثار پیشینیان. برهمن اساس، راه‌های معرفت مختلف‌اند، و در هر شاخه‌ای از دانش نیز با توجه به موضوع آن، از راه یا راه‌های خاص استفاده می‌شود.

اما در میان این دو جریان، دیدگاه‌های افراطی و تفریطی به راه‌های کسب معرفت دینی وجود دارد. برهمن اساس، مدعی خراسانی، مروج نگرش انحصارگرایانه و افراطی به عقل است و تنها راه رسیدن به معرفت دینی را روش عقلی می‌داند.

تنها چیزی که می‌تواند معیار شناخت انسان باشد، «عقل» است؛ چرا که عقل، تنها ابزار شناخت آدمی است و قوه مدرکه‌ای جز آن در نفس انسان وجود ندارد. به عبارت دیگر، برای عقل جایگزینی نیست که در عرض آن قرار داشته باشد و بتواند [انسان را] از آن بی‌نیاز کند و این، یک امر محسوس و وجدانی است.^۳

عقلانیتی که در این جریان ترویج می‌شود، دارای بار منفی است و پذیرش آن، جامعه را به سوی «عقل خود بنیاد» که در مقابل «عقلانیت اسلامی» است، سوق خواهد داد؛ هر چند این جریان، چنین قصدی از معرفی عقل، به عنوان تنها معیار شناخت، نداشته باشد. همانند آنچه در اندیشه غربی مطرح است که منظور از عقلانیت، پیروی از معرفت‌های عقلی شخص و کنار نهادن غیر آن در اندیشه‌ورزی است. از منظر این جریان، حجیت شرع تنها از راه عقل ثابت می‌-

۱. در مباحث معرفت شناسی، میان «راه‌های معرفت» و «منبع معرفت» تفاوت می‌نهند. مقصود از راه، چنان‌که بیان شد، روشی است که با آن می‌توان معرفت معتبر به دست آورد، مانند روش عقلی یا نقلی؛ اما منبع معرفت چیزی است که معرفت با مراجعه به آن‌ها به دست می‌آید. برای مثال، منبع معرفت‌های حسی و تجربی «عالم محسوسات»، منبع معرفت «نقلی اشخاص یا آثار مکتوب» و منبع معرفت عقلی «خود عقل» است و «ابزارهای معرفت»، وسایلی به دست که برای بدست آوردن معرفت از یک منبع معرفتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. (ر. ک: همان، ص ۱۲۳).

۲. حکیمی، مکتب تفکیک، ص ۵۴.

۳. هاشمی خراسانی، بازگشت به اسلام، ص ۲۳.

شود و نقل برای اثبات خود وام دار عقل است و لذا معنا ندارد نقل را در ردیف عقل و در عرض آن به عنوان یک ابزار معرفت بخش به شمار آورد.^۱

اما باید توجه شود، اولاً، دخالت عقل در بعد هستی‌شناختی دین، به آن است که عقل بتواند چیزی را به مجموعه دین اضافه کند و در تکوین محتوای آن سهیم باشد. حق آن است که منبع هستی‌شناسی دین، فقط اراده و علم ازلی الهی است و همه اصول و فروع آن از ناحیه خدا تعیین می‌شود.^۲

ثانیاً، به فرموده آیت الله جوادی آملی، از قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل»؛ به اشتباه تصور می‌شود که «عقل»، منبع صدور احکام است و «شرع» آن را تایید می‌کند؛ اما این تصور نادرست است. این قاعده محصول ادراک عقل است و معنای آن، این است که عقل فقط فهم‌کننده احکام خداست، نه این‌که خود حاکم باشد و احکام صادر کند. بنابراین، عقل به عنوان منبع شناخت در کنار آیات و روایات حضور دارد، اما به عنوان حاکم و مولا عمل نمی‌کند.^۳

ثالثاً، در نگرش ابتدایی، ممکن است تصور شود که عقل توانایی صدور احکام انشایی دارد؛ اما با دقت بیش‌تر در می‌یابیم که عقل، قدرت صدور حکم و مولویت ندارد و تنها به درک و کشف برخی احکام مولوی شارع قادر است. صدور حکم مولوی تنها از کسی بر می‌آید که قدرت پاداش و مجازات دارد، و عقل از این قدرت بی‌بهره است.^۴ بنابراین، حجیت شرع پس از اثبات به عنوان راه شناخت، ذاتی است و به تایید عقل نیازی ندارد.

اما جریان مدعی یمانی، برای کسب معرفت از تمام راه‌های متدوال سودجسته و انحصارگرایی در راه‌های معرفت در آن مطرح نیست؛ ولی با توجه به مکتوباتی که از جریان در دست است و

۱. هاشمی خراسانی بازگشت به اسلام، ص ۲۶.

۲. جوادی آملی، عقل در هندسه معرفت دینی، ص ۲۴.

۳. ر. ک: همان، ص ۲۴-۲۷.

۴. همان، ص ۲۵.

استناد پر شمار به روایات و نفی اجتهاد و تقلید و تاکید بر تقلید از معصوم^۱ و تاکید بر این که عقل به صورت مستقل، معرفت بخشی ندارد؛^۲ می توان این جریان را در شمار مروجان «اخباری گری» به حساب آورد. علاوه بر این که «خواب و رؤیا» دارای جایگاه ویژه ای در حوزه معرفت بخشی دینی در این جریان است.^۳

نگرش اخباری در معرفت شناسی، افزون بر این که سبب رواج افراط گرایی در جامعه می شود، به نظر می رسد پیامدهایی مختلفی نیز داراست که برخی از مهم ترین آن ها عبارت است از:

- تضييع ظرفیت های عقلانی: با نادیده گرفتن عقل به عنوان منبع معرفت، ظرفیت های عقلانی انسان که می تواند به فهم بهتر و دقیق تر مسائل دینی و غیردینی کمک کند؛ نادیده گرفته می شود. این امر می تواند به نوعی جمود فکری و عدم انعطاف پذیری منجر شود.
- فهم نادرست از متون دینی: بدون بهره گیری از عقل، احتمال تفسیر نادرست و سطحی از متون دینی افزایش می یابد. عقل می تواند به فهم عمیق تر و تفسیر صحیح تر متون مقدس کمک کند و بدون آن، امکان انحراف در فهم دینی بیش تر می شود.
- ایجاد اختلافات و تفرقه: نگرش افراطی به نقل، می تواند به ایجاد اختلافات و تفرقه میان پیروان دین منجر شود؛ زیرا تفسیرهای مختلف و گاه متضاد از متون دینی بدون معیارهای عقلانی به وجود می آید و هر گروه ممکن است برداشت خاص خود را داشته باشد.
- کاهش توانایی در پاسخ به مسائل جدید: در مواجهه با مسائل و چالش های جدید اجتماعی، علمی و فرهنگی، به پاسخ هایی نیاز داریم که ممکن است به طور مستقیم

۱. مغربی، سقوط بت، ۱۱.

۲. احمد الحسن، عقاید اسلام، ص ۲۲۱.

۳. شهبازیان، خواب پریشان، ص ۳۳.

در متون دینی نیامده باشد. عقل می‌تواند در استنباط و استخراج پاسخ‌های مناسب به این مسائل نقش مهمی ایفا کند و بدون آن، پاسخ‌گویی به مسائل جدید دشوارتر می‌شود.

- کاهش تعامل با دیگر علوم و معارف: عقل به عنوان ابزاری برای تعامل با علوم و معارف دیگر نقش دارد و نادیده گرفتن آن می‌تواند به کاهش این تعامل منجر و در نتیجه، دین از بهره‌گیری از دستاوردهای علوم و معارف بشری محروم شود.

این تفاوت در راه‌های کسب معرفت دینی نشان می‌دهد که اختلافات بین این دو جریان تنها در سطح ایدئولوژیک نیست، بلکه در روش‌ها و ابزارهای دستیابی به این ایدئولوژی‌ها نیز ریشه دارد. این امر به پیچیدگی بیش‌تر اختلافات و تعمیق شکاف بین پیروان این جریان‌ها منجر می‌شود که باید به اینگونه مسائل در میان هر دو جریان ضریب بیشتری داد. تشابهات و تمایزات دیگر نیز در میان این دو جریان مانند شخصیت‌پردازی، روش استفاده از روایات و قرآن، تفسیر و تاویل آیات و روایات وجود دارد که با توجه به محدودیت در مقاله به آنها نپرداختیم.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری کلی از این بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که جریان‌های یمانی و خراسانی هر دو در تلاش برای نشان دادن این نکته‌اند که نقش مهمی در دوران ظهور دارند و با استناد به پیشگویی‌های دینی، خود را به عنوان حمایت‌کنندگان اصلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی می‌کنند. این جریان‌ها دارای وجوه تشابه و تمایز هستند که برخی از آن تشابه‌ها عبارتند از:

- ادعاهای مشابه: هر دو جریان، نشانه‌های ظهور را به خود نسبت داده و نیابت، وصایت و جانشینی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مدعی هستند. آن‌ها انحصار حقانیت و هدایت‌گری را فقط در خود می‌بینند و مدعی زمینه‌سازی برای ظهور هستند؛
- الگو و روش‌های جذب مشابه: هر دو جریان با تخریب نهادهای رسمی و سنتی جامعه و انتقاد از مشروعیت حکومت‌های مستقر، در جذب پیروان سعی و تلاش می‌ورزند. این انتقادها به دو صورت تاریخی و القای ناکارآمدی انجام می‌شود.

برخی از تفاوت‌ها نیز عبارتند از:

- تفاوت در تطبیق نشانه‌ها: هر جریان نشانه‌های ظهور را به صورت متفاوتی به خود نسبت می‌دهد. (ادعای خراسانی و یمانی بودن)؛
- تفاوت در موقعیت جغرافیایی: هر جریان در جذب پیروان محلی تلاش می‌کند؛
- تفاوت در راه‌های کسب معرفت دینی: هر دو جریان، برای کسب و انتقال معرفت دینی به پیروان خود، دارای روش‌های متفاوتی است.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی، **کمال الدین وتمام النعمه**، محقق: علی اکبر غفاری، نشر اسلامیه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵.
۲. ابن منظور، **جمال الدین محمد، لسان العرب**، نشر دار صادر، ۱۵ج، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۳. **اخبار الدولة العباسية**، محقق: عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلیبی، دارالطلیعه، بیروت، ۱۳۹۱ق.
۴. اسکندری، مصطفی، **درسنامه جریان شناسی احزاب و گروه های زاویه دار در ایران**، انتشارات بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۶.
۵. بصری، احمد اسماعیل (احمد الحسن)، **جامع ادله دعوت یمانی آل محمد**، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی تا، بی جا.
۶. _____ **جهاد درب بهشت**، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۹۵.
۷. _____ **عقاید اسلام از تو درباره روح می پرسند**، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، انتشارات انصار امام مهدی، بی جا، ۱۴۳۷ق.
۸. _____ **حاکمیت خدا نه حاکمیت مردم**، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ دوم، بی جا، ۱۳۹۷.
۹. پارسا خصال، علی، **بررسی مشترکات کالمی جریان مدعی یمانی (احمد الحسن) و بهائیت**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس، تهران، ۱۳۹۹.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، **منزلت عقل در هندسه دینی**، محقق: احمد واعظی، نشر اسراء، چاپ نهم، قم: ۱۳۹۵.
۱۱. حکیمی، محمدرضا، **مکتب تفکیک**، انتشارات دلیل ما، چاپ هشتم، قم، ۱۳۸۳.
۱۲. حیدری چراتی، حجت و ندرلو، مهرداد، **بررسی و تحلیل جریان منصور هاشمی خراسانی و**

نقش آن در ایجاد شکاف در همبستگی ملی و وحدت اسلامی، دو فصلنامه علمی ترویجی پژوهشنامه موعود، شماره ۶، سال ۱۴۰۰.

۱۳. خسروپناه، عبدالحسین، **جریان شناسی فکری ایران معاصر**، انتشارات دفتر نشر معارف، چاپ ششم، قم، ۱۳۹۴.

۱۴. دهخدا، علی اکبر، **فرهنگ دهخدا**، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷.

۱۵. دهخدا، علی اکبر، **فرهنگ متوسط دهخدا**، نشر موسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، سال ۱۳۹۰.

۱۶. الرازی، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، محقق: عبدالسلام محمد هارون، نشر مکتب الاعلام السلامی، قم، ۱۳۶۲.

۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، مترجم: غلامرضا خسروی حسینی، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.

۱۸. سلیمی، علی و داوری، محمد، **جامعه شناسی کجروی**، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۵.

۱۹. شهبازیان، محمد، **ره افسانه: نقد و بررسی فرقه یمانی بصری**، انتشارات مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، قم، ۱۳۹۳.

۲۰. _____، **خواب پریشان**، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۹۴.

۲۱. صادقی، مصطفی، **تحلیل تاریخی نشانه های ظهور**، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، قم، ۱۳۸۹.

۲۲. صدر، موسی، **قرآن پدیده انحراف در جامعه**، مجله پژوهشهای قرآنی، شماره ۳۷ و ۳۸، سال ۱۳۸۳.

۲۳. صلیبا، جمیل و صناعی دره بیدی، **منوچهر، فرهنگ فلسفی**، انتشارات حکمت، بی تا، بی جا، نسخه سایت فقاقت.

۲۴. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ الأمم و الملوک (تاریخ الطبری)**، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالتراث العربی، بیروت، بی تا.

۲۵. طوسی، محمدبن الحسن، الغیبه، محقق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، نشر دارالمعارف الاسلامیه، چاپ اول، قم، ۱۴۱۱ق.
۲۶. عقیلی، ناظم، وصیت و وصی «احمدالحسن»، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۴۰۱.
۲۷. الغدیری، عبدالله عیسی ابراهیم، القاموس، الجامع للمصطلحات الفقهیة، نشر دارالرسول الاکرم، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۲۸. فتحیه، عباس، همه گمراهند جز یمانی، صاحب پرچم هدایت، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۹۶.
۲۹. فیض اخلاقی، محمدحسین، نقد حدیث وصیت با تاکید بر منحصر بودن ائمه علیهم‌السلام در عدد دوازده، مجله علوم و معارف قرآن و حدیث، شماره ۱۲، سال ۱۳۹۶.
۳۰. کامیاب، مسلم، بررسی و نقد تعدد قائمیت در جریان انحرافی احمد اسماعیل، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۴۰۰.
۳۱. کنکاشی در شناسایی یمانی و مدعیان دروغین آن، خبرگزاری اهل بیت علیهم‌السلام، تاریخ درج : <https://hawzah.net.06/02/1394>
۳۲. کورانی عاملی، علی، دجال بصره، بی‌نا، چاپ دوم، قم، ۱۴۳۳ق.
۳۳. محمدی هوشیار، علی، توهم بازگشت بررسی انتقادی آراء منصور هاشمی خراسانی، انتشارات اسماعیلیان، چاپ اول، قم، ۱۳۹۹.
۳۴. مصباح، مجتبی و، محمدی، عبدالله، معرفت شناسی، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ هشتم، قم، ۱۳۹۹.
۳۵. مظفری، آیت، جریان شناسی سیاسی ایران معاصر، نشر زمزم هدایت، چاپ چهاردهم، قم، سال ۱۳۹۶.
۳۶. معین، محمد، فرهنگ معین، کتاب راه نو، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۱.
۳۷. مغربی، توفیق محمد، سقوط بت بت عقیده و جوب تقلید از غیر معصوم، مترجم: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی علیهم‌السلام، بی‌جا، ۱۴۰۲.

۳۸. مقدسی، مطهر بن طاهر، آفرینش و تاریخ، مترجم: محمدرضا شفیعی کدکنی، نشر آگه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴.

۳۹. منصور، عبد العالی، ولایت فقیه در زمان غیبت مطالعه‌ای استدلالی، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ اول، بی‌جا، ۱۴۰۱.

۴۰. موسسه دائره معارف الفقه الاسلامی، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت (علیهم السلام)، موسوعه دائره معارف الفقه الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۳ق.

۴۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه نعمانی، محقق: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران، ۱۳۹۷.

۴۲. هاشمی خراسانی، منصور، بازگشت به اسلام، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ هفتم، بلخ، ۱۴۰۰.

۴۳. _____، منهاج الرسول، چاپ ششم، بلخ، ۱۳۹۵.

۴۴. _____، هندسه عدالت، دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی، چاپ سوم، بلخ، ۱۳۹۷.

۴۵. هفته‌نامه ظهور، انتشار مؤسسه وارثین ملکوت، شماره ۱۶۹.

۴۶. هوفر، اریک، مرید راستین: تاملاتی درباره سرشت جنبش‌های توده‌وار، مترجم: شهریار خواجیان، نشر اختران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.

۴۷. هیات علمی انصار امام مهدی، متشابها، مترجم: مترجمان انتشارات انصار امام مهدی، انتشارات انصار امام مهدی، چاپ دوم، بی‌جا، ۱۳۹۵.

سایت‌ها

۴۸. پایگاه اطلاع رسانی منصور هاشمی خراسانی، بخش پرسش‌ها و پاسخ‌ها، کد ۱۲۳، ۱۳۹۴،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/6362/>

۴۹. _____، بخش نقد و بررسی، کد ۹۴، ۱۳۹۶،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/9138/>

۵۰. _____، بخش پرسش و پاسخ، کد ۴۶۱، ۱۳۹۹،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/12709/>

۵۱. حسینی، محسن، **نظریه ولایت مطلقه فقیه، بدعت فقهی فقهای آخر الزمان یا بن بست لا ینحل مشروعیت**، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش مقاله‌ها و نکته‌ها،

بخش مقالات، کد ۳۳، ۱۳۹۴. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/6034/>

۵۲. خلیلی، محمد امیر، آشنایی با مدعیان دروغین (۴)؛ احمد الحسن بصری، پایگاه اطلاع‌رسانی

دفتر منصور هاشمی خراسانی، کد ۶۹، ۱۳۹۷،

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/9825/>

۵۳. رضوی، طاها، **از حرف تا عمل؛ کارنامه نظام جمهوری اسلامی ایران**، پایگاه اطلاع‌رسانی

منصور هاشمی خراسانی، کد ۱۲۰، سال ۱۴۰۲؛

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/15417/>

۵۴. رضوی، طاها، **بررسی علل خودداری از همراهی با نهضت «بازگشت به اسلام» پس از**

علم به حقایق آن (۱)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی، بخش مقاله‌ها و نکته‌ها،

کد ۸۳، سال: ۱۳۹۷. <https://www.alkhorasani.com/fa/content/10374/>

۵۵. ساحق، محمود، **فردای سقوط**، پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، مقاله شماره ۱۱۸،

سال ۱۴۰۱.

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/15288/>

۵۶. گلستان، فرهاد، **نگاهی به وضعیت ایران و عربستان پیش از ظهور امام مهدی علیه**

السلام، پایگاه اطلاع‌رسانی منصور هاشمی خراسانی، کد ۱۱۹، سال ۱۴۰۱.

<https://www.alkhorasani.com/fa/content/15306/>

بررسی و نقد نظریات ژوزف الیاش در موضوع مرجعیت فقهی، سیاسی و اجتماعی

علما در دوران غیبت

مسعود زائری^۱

چکیده

ورود تخصصی مستشرقان به موضوع مهدویت، از جمله اموری است که از دهه‌های گذشته همواره قابل مشاهده و رصد بوده است. از میان تمام موضوعات مربوط به مهدویت، توجه ویژه به مباحث سیاسی - اجتماعی، حقیقتی است که در بسیاری از مکتوبات مستشرقان قابل مشاهده و رصد است. در این بین ژوزف الیاش، محقق یهودی تباری است که با تمرکز بر تراث اسلامی و با تکیه بر روایات شیعی به بررسی تخصصی این موضوع پرداخته و نقدهایی بر جایگاه فقهی، سیاسی و اجتماعی علما در دوران غیبت وارد کرده است. مقبوله عمر بن حنظله، موضوع خمس، اختلاف بین اخباری‌ها و اصولی‌ها و موضوع وکلای اربعه، از جمله مواردی است که الیاش به بررسی و نقد آن‌ها پرداخته است. در این مقاله ضمن بیان دیدگاه‌ها و استدلال‌های وی، به بیان پاسخ اجمالی اشکالات وارد شده توسط او پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: مستشرقان، مهدویت، ژوزف الیاش، جایگاه علما، دوران غیبت.

مقدمه

اندیشمندان جهان غرب از گذشته تا به امروز به تحقیق در موضوعات اسلامی پرداخته‌اند که می‌توان نخستین اقدام در این زمینه را در زمان فتح آندلس به دست مسلمانان دانست؛^۱ اما در خصوص موضوع مهدویت، می‌توان گفت سابقه این امر به حدود دو قرن پیش باز می‌گردد. بررسی آثار مستشرقان، ما را به این مهم رهنمون می‌کند که آن‌ها با گذر زمان و به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نسبت به موضوعات سیاسی قابل طرح ذیل مبحث مهدویت، گرایش ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. مستشرقانی همچون ژورف الیاش^۲ اسرائیلی، ویلفرد مادلونگ^۳ آلمانی، حامد الگار^۴ انگلیسی، هاینس هالم^۵ آلمانی، اتان گلبرگ^۶ اسرائیلی و کولین ترنر^۷ انگلیسی، از جمله افرادی بوده‌اند که به طور خاص در مورد مباحث سیاسی مطرح شده در ذیل موضوع مهدویت به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند.

از جمله موضوعات مهم در این زمینه، جایگاه فقهی، سیاسی و اجتماعی علما در دوران غیبت می‌باشد. تاثیر گذاری فراوان و ملموس این موضوع در فضای جامعه اسلامی، موجب شده است تا مستشرقان به طور ویژه‌ای به تحقیق در این باره پرداخته و آثار متعددی را در این زمینه به رشته تحریر درآورند.

از سوی دیگر، یکی از خصوصیات بارز مستشرقان نام برده، تسلط نسبتاً مناسب بر منابع شیعی و استفاده از آن‌ها در تحقیقات خود می‌باشد. به عنوان نمونه، الیاش در مکتوبات خود ضمن بررسی مقبوله عمر بن حنظله، به بیان ارزش و جایگاه کتاب کافی نزد شیعیان می‌پردازد و بیان

۱. الدسوقی، الفکر الإستشراقی، ص ۲۹.

2. Joseph Eliash
3. Wilferd Madelung
4. Hamed Algar
5. Heinz Halm
6. Etan kohlberg
7. Colin P. Turner

می‌کند که این کتاب را چندین مرتبه مطالعه کرده است و بر آن تسلط کامل دارد.^۱ نیز ترنر از دیگر مستشرقانی است که با توجه به استنادات دقیق او به کتاب شریف بحار الانوار، می‌توان میزان تسلط وی را بر این کتاب را مشاهده کرد.

از جمله افراد شاخصی که در پژوهش‌های خود سعی کرده است تا حد امکان، پایبندی خود را نسبت به منابع شیعی حفظ کند؛ ژوزف الیاش بوده است. در مقاله پیش رو ضمن معرفی اجمالی او، سعی می‌شود به اهم مباحث و استدلال‌هایش در موضوع جایگاه علما در دوران غیبت پرداخته و به آن پاسخ داده شود.

الیاش، مستشرق یهودی تبار

ژوزف الیاش^۲، محقق و دانشمند یهودی تبار و متولد سال ۱۹۲۳ میلادی در اورشلیم است. وی مدرک کارشناسی، و کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه عبری اورشلیم اخذ و پس از آن، مدرک دکتری خود را در رشته مطالعات اسلامی از دانشگاه لندن در سال ۱۹۶۷ دریافت کرد. وی پس از آن با کمک بنیاد مالی فورد^۳ توانست مدرک فوق دکتری خود را در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه کالیفرنیا به اتمام رساند.^۴

از فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی الیاش می‌توان به استادبازی دانشگاه اوپرلین، سرپرستی طرح مطالعات یهود و خاورمیانه کالج اوپرلین، ارائه مقالات علمی در همایش‌های مختلف، از جمله کنفرانس بین‌المللی مطالعات یهود در اورشلیم (۱۹۷۶) و کنفرانس بین‌المللی خاورشناسان در پاریس (۱۹۷۳) اشاره کرد.^۵

الیاش به دلیل تسلط بر زبان عربی، در بیش‌تر فعالیت‌های علمی خود، مستقیماً به منابع

1. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian "Ulama." International Journal of Middle East Studies, p. 13.

2. Joseph Eliash

3. Ford Foundation

4. <http://www.oberlin.edu/archive/holdings/finding/RG30/SG150/biography.html>

۵. حسینی، شیعه و شیعه پژوهان انگلیسی زبان، ص ۲۵۴.

اصیل اسلامی استناد کرده است. بیش‌ترین تمرکز فعالیت‌ها و آثار او نیز در مورد جایگاه علما و مرجعیت فقهی، سیاسی و اجتماعی آن‌ها در دوران غیبت امام معصوم می‌باشد. الیاش با مراجعه به منابع دست اول شیعی و همچنین رجوع به کتاب‌های فقه‌های معاصر، در تلاش برای به چالش کشیدن مرجعیت علما در دوران غیبت بوده است. وی در این زمینه دو مقاله "نظریه فقه‌های شیعه اثنا عشری درباره مرجعیت فقهی سیاسی"^۱ و "سوء تفاهماتی درباره جایگاه فقهی علمای ایرانی"^۲ را به رشته تحریر درآورده است که در ادامه تمرکز اصلی این نوشتار بر این موضوع قرار خواهد گرفت.

از دیگر آثار او می‌توان به مقاله "قرآن شیعی، بازنگری آرای گلدزیهر"^۳ اشاره کرد. وی در این مقاله، ضمن نقل آرا و استدلال‌های گلدزیهر در باب تحریف قرآن، بیان می‌کند که در منابع متقدم شیعی، از جمله کتاب کافی، و همچنین کلام بزرگان شیعه، همچون شیخ صدوق و شیخ مفید، روایات و مستندات دال بر تحریف قرآن وجود دارد. وی معتقد است، شیعیان بر این باورند که قرآن و مصحف حقیقی به همراه اضافات تفسیری، اکنون در دست امام دوازدهم آن‌هاست و هنگام ظهور، این قرآن به مردم عرضه خواهد شد.

الیاش همچنین مدخل امام حسن عسکری علیه السلام را در دایرة المعارف اسلام^۴ تالیف کرده است که در این مدخل، ضمن نقل مشخصات شناسنامه‌ای امام و تاریخ زندگانی ایشان، به طرح موضوع جانیشینی ایشان و اختلافات تاریخی در این موضوع می‌پردازد.^۵ قابل ذکر است که وی در این مدخل، به نقل این اختلافات بسنده کرده و هیچ قضاوتی در مورد اعتبار و عدم اعتبار آن‌ها انجام نداده است.

این مستشرق یهودی تبار، در مقاله‌ای دیگر، به معرفی و بررسی کتاب لاتین "شیعه در اسلام"

1. The Ithna'ashari-Shi'i Juristic Theory of Political and Legal Authority
2. Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama'
3. 'The Ši. ite Qur. an' A Reconsideration of Goldziher's Interpretation
4. HASAN AL-'ASKARI, in The Encyclopaedia of Islam
5. Encyclopaedia of Islam, Second Edition- Ḥasan al-' Askari

علامه طباطبایی که توسط سید حسین نصر ترجمه شده است،^۱ می‌پردازد. وی همچنین مقاله‌ای درباره پیدایش و تکامل شهادت ثلاثه در شیعه اثنا عشری^۲ نوشته است که در آن، سعی در اثبات این مطلب داشته است که شهادت به امامت امیرالمومنین، در کنار شهادت به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر، امری است که از دوران صفویه و به سبب اقتضائات آن زمان به مکتب شیعه اضافه شده و با مفاد کتب اربعه شیعیان در تناقض است.

بررسی و نقد جایگاه علما در دوران غیبت

ژوزف الیاش در زمینه جایگاه علما در دوران غیبت و بررسی حیطه اختیارات و مسئولیت‌های ایشان در این دوران، دارای چندین تالیف از جمله دو مقاله و یک کتاب است که تمرکز وی بر این موضوع اساسی و مهم را نشان می‌دهد. الیاش با ترکیبی از دو نگاه تاریخی نگر و پدیدار شناسانه تلاش کرده است با نگاهی دقیق و مستند به تراش شیعی، جایگاه فقهی، سیاسی، اجتماعی آن‌ها را به چالش بکشد و مناصب ایشان را در دوران غیبت، جعلی و ساختگی معرفی کند.

این مستشرق یهودی تبار در بیان روش خود در تحقیق این موضوع، در ابتدای مقاله "سوء تفاهماتی درباره جایگاه فقهی علمای ایرانی" چنین بیان می‌کند:

مطالعات در موضوع قدرت سیاسی علما در ایران را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: ۱. تحلیل موقعیت‌های تاریخی که علما در آن نقش کلیدی ایفا کردند، مانند انقلاب مشروطه؛ ۲. بررسی جایگاه علما در میان توده‌های مردم؛ ۳. بررسی جایگاه علما بر اساس منابع اصیل فقهی و حدیثی شیعه.^۳

وی از میان این سه روش، گزینه سوم را انتخاب و سعی می‌کند احادیث شیعی را محور

1. Rev Shi'ite Islam by 'Allamah Sayyid Muhammad Husayn Tabataba'i and Seyyed Hossein Nasr
2. On The Genesis and Development of the Twelver-Shi'i Three-Tenet Shahi'adah
3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 9,10.

استدلال‌های خود قرار دهد و با استفاده از کتاب‌های حدیثی و فقهی، این مسئله را مورد بررسی و مذاقه قرار دهد. انتخاب این راه توسط الیاش از طرفی گویای دقت و صحت روش وی در نوع بررسی مسئله، و از سوی دیگر، گویای تسلط او بر منابع شیعی است. شاهد سخن آن که وی در جای جای مقالات خود به آثاری همچون کافی و من لا یحضره الفقیه استناد و احادیث آن‌ها را از حیث محتوا و حتی سند بررسی می‌کند.^۱

الیاش به عنوان اولین قدم در بررسی موضوع مورد نظر به اقوال چهار تن از بزرگان و اندیشمندان موافق جایگاه فقهی، سیاسی، اجتماعی علما در دوران غیبت می‌پردازد:

به نقل از پروفیسور ال بیندر:^۲

پس از رحلت نایب چهارم امام دوازدهم، غیبت کبرا و نمایندگی عمومی که در آن، همه علما وکیل امام هستند، شروع شد. این نمایندگی بر روایتی منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام استوار است که می‌گوید همه کسانی که می‌توانند به عنوان قاضی بر مسلمانان عمل کنند و مفسر شریعت باشند؛ قبلاً از طرف او تعیین شده‌اند. از آن جا که امام جعفر را بنیانگذار فقه شیعه می‌دانند و شیعه دوازده امامی ایران را شیعه جعفری نیز می‌نامند؛ این سنت در تثبیت مرجعیت اهمیت مضاعف دارد. علمای شیعه تا زمانی که خداوند، امام پنهان خود را آشکار کند، به عنوان عامل و نایب او عمل می‌کنند، و وظایف امام را انجام می‌دهند.^۳

به نقل از حامد الگار:^۴

علما به عنوان رهبران دینی جامعه، جانشینان مشروع ولایت امام هستند.^۵

۱. الیاش در صفحه ۱۳ مقاله "سوء تفاهماتی درباره جایگاه فقهی علمای ایرانی" به مناسبت طرح مقبوله عمر بن حنظله، نسبتاً مفصل به مقایسه کتاب شریف کافی و صحیح بخاری می‌پردازد و کافی را در بردارنده شرح کاملی از نظریه سیاسی شیعه می‌داند. وی ادعا می‌کند تمام کتاب کافی را دقیقاً مطالعه کرده است و بر تمامی محتوای آن تسلط دارد.

2. Professor L. Binder

3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 10

4. Professor H. Algar

به نقل از آیت الله محمدرضا مظفر:

وی به حدیثی از امام جعفر صادق استناد می‌کند، مبنی بر این که مجتهد نه تنها نایب مطلق امام در امور دینی و موقت است، بلکه نافرمانی از او با ارتکاب گناه شرک، مساوی می‌باشد.^۱

به نقل از دکتر محمود شهابی:^۲

این دستور از امام غایب رسیده است که در غیبت طولانی، جاهلان باید به دستورها و عقاید دینی رهبران - که نایب عمومی نامیده می‌شوند - رجوع کنند. این فقها می‌توانند از دین محافظت کنند و مردم را از گناهان، فساد و امیال زمینی نجات دهند. چنین نایبان عامه‌ای که از منابع صحیح آگاهی کامل دارند، در دوران غیبت طولانی، مانند امام هستند و پیروی از آنان با پیروی از امام قابل مقایسه است.^۳

الیاش عقیده دارد این چهار شخصیت در بیان مدعای خود، یا مدرکی ارائه نمی‌کنند، و یا اگر مدرکی ارائه می‌کنند، مدرک آن‌ها از اثبات مدعا قاصر است. وی پس از این در بیان نظریه خود مبنی بر نقد نیابت عامه و جایگاه فقهی، سیاسی، اجتماعی علما در دوران غیبت به شکل مبسوطی ادله خود را ارائه می‌کند که در ادامه به نقل آن‌ها پرداخته خواهد شد:

استدلال اول: مقبوله عمر بن حنظله، قاصر از اثبات مدعا

الیاش، مهم‌ترین و شاید تنها دلیلی را که شیعیان در اثبات نیابت عامه و ولایت فقها استفاده

→

5. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama' p. 10

1. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama' p. 11

۲. دکتر محمود شهابی فیلسوف و فقیه و حقوقدان و استاد ممتاز دانشگاه تهران بود و در سال ۱۳۴۲ رئیس گروه فقه و حقوق این دانشگاه شد.

3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 11

می‌کنند، مقبوله عمر بن حنظله می‌داند. وی در بیان مصدر این روایت بیان می‌کند که مرحوم کلینی در کتاب کافی در دو قسمت مستقل به نقل این روایت پرداخته است: اولین مورد، در کتاب «فضل علم»^۱ است که کلینی به بیان کامل این روایت می‌پردازد؛ و دومین مورد، در باب "کراهت رجوع به حاکم جور برای قضاوت"^۲ است که صرفاً قطعه‌ای از حدیث را نقل می‌کند. استناد به این حدیث برای اثبات نیابت عامه، تنها در سایه تقطیع این روایت ممکن است و اگر روایت کامل را مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می‌شویم که فضای کلی مطرح شده در حدیث در موضوع دیگری است و نمی‌تواند مستند ادعای شیعیان باشد. الیاش مطالعه دقیق روایت را به این موارد منتج می‌داند:

۱. موضوع کلی حدیث در مورد نظام مرجعیت و نیابت فقها نیست، بلکه در مورد سؤال شخصی از امام است مبنی بر این که هنگام نزاع و اختلاف، تکلیف شیعیان چیست. در حقیقت سوال از امر فرعی است؛ در حالی که موضوع مرجعیت فقها و نیابت آن‌ها از امور اصلی و اساسی می‌باشد؛^۳

۲. در حدیث تنها صحبت از منصب قضاوت است و امام نیز تنها همین منصب را جایز دانستند؛ اما در منصب قضاوت نیز میان شخص امام در مقایسه با فقها تفاوت‌های اساسی وجود دارد؛ از جمله:

- قضاوت امام که (از خطا مصون می‌باشد) و بر خلاف قضاوت فقها که ممکن الخطا هستند؛
- منشا نصب امام، انتخاب الاهی است؛ در صورتی که نصب فقیه برای منصب قضاوت بر عهده طرفین دعوا می‌باشد.

خلاصه سخن آن‌که الیاش، مقبوله عمر بن حنظله را مستند اثبات خصوص جایگاه قضاوت

۱. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۶۹.

۲. همان، ج ۷، ص ۴۱۲.

3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 16

برای فقها می‌داند و سرایت آن به مناصب سیاسی، اجتماعی برای فقها را ثابت نمی‌داند.

استدلال دوم: انحصار حق حاکمیت در امام معصوم

الیاش معتقد است بر اساس منابع شیعی، شئون و اختیارات امامان به خود این اشخاص منحصر است و سرایت آن به افراد دیگر جایز نیست. وی به عنوان نمونه به دو شان مفسریت قرآن^۱ و حق حکومت^۲ اشاره می‌کند و با ادله روایی در اثبات انحصار آن‌ها در امامان سعی و تلاش دارد.^۳ الیاش در ادامه بیان می‌کند برای تبیین بهتر این بحث لازم است به تبیین مفهوم غیبت در شیعه پردازیم؛ زیرا شیعه معتقد است امام معصوم که مرجع خطا ناپذیر تفسیر شریعت و تنها شخص دارای شانیت حکومت است؛ زنده می‌باشد؛ هرچند دسترسی به او برای عموم شیعیان ممکن نیست. پس با توجه به زنده بودن او، انتقال قدرت و اختیارات ایشان به اشخاص دیگر خطا و برخلاف اصول اعتقادی شیعه است.

وی همچنین بر اساس بررسی تاریخی بیان می‌کند که در زمان غیب صغرای امام دوازدهم، چهار نایب برای امام معرفی شده بودند. مطالعه دقیق تاریخ و همچنین توقیعات و روایات موجود، ما را به این مهم رهنمون می‌سازد که جایگاه این نواب، صرفاً در حیطه انتقال پیام میان شیعیان و امام بوده است^۴ و به هیچ عنوان منصب مرجعیت علمی و همچنین مرجعیت سیاسی، اجتماعی که فقهای شیعه در دوران معاصر برای خود قائلند؛ دارا نبوده‌اند.^۵

علاوه بر این، در منابع شیعی روایاتی جود دارد که نافی واگذاری منصب نیابت برای هر

۱. الیاش با استناد به حدیث دوم باب اضطرار به حجت کتاب کافی، که قیم قرآن را امیرالمومنین معرفی کرده است، عقیده دارد شانیت تفسیر در انحصار علی و امامان بعد از اوست. (ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۱۶۹).

۲. در اثبات انحصار حق حکومت نیز به احادیثی استناد می‌کند که در آن‌ها شیعیان را از طلب ریاست و حکومت نهی کرده است. (به عنوان نمونه ر.ک: الکافی، ج ۲، ص ۲۹۸).

3. Eliash, The Ithna'ashari-Shi'i Juristic Theory of Political and Legal Authority, p. 23

۴. برای نمونه، ر.ک: ابن بابویه، کمال الدین ج ۲، ص ۵۰۵، ح ۳۶.

5. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 17

شخصی، غیر از نواب اربعه است. به عنوان نمونه، در توقیعی که از ناحیه امام برای آخرین نایب خود، یعنی علی بن محمد سمری صادر شده، چنین آمده است:

بسم الله الرحمن الرحيم. يا علي بن محمد السمری اعظم الله اجر اخوانك فيك فانك ميت ما بينك و بين ستة أيام فاجمع أمرک و لا توص إلى أحد يقوم مقامک بعد وفاتک فقد وقعت الغيبة الثانية فلا ظهور إلا بعد إذن الله عز و جل ... ؛^۱ به نام خداوند بخشنده مهربان. ای علی بن محمد سمری! خداوند اجر برادرانت را در عزای تو عظیم گرداند که تو ظرف شش روز آینده خواهی مرد. پس خود را برای مرگ مهیا کن و به احدی وصیت نکن که پس از وفات تو قائم مقامت شود؛ زیرا دومین غیبت واقع شده است و ظهوری نیست مگر پس از اذن خدای عزوجل.

همان گونه که از متن روایت هویدا است، طبق دستور صریح امام، انتصاب هرگونه نایب خاص بعد از علی بن محمد سمری ممنوع شده است. بر همین اساس، تمامی جایگاه هایی که فقها و علمای دوران غیبت کبرا برای خود قائل هستند، نه تنها مجوز شرعی ندارد، بلکه مورد نهی امام نیز واقع شده است.

استدلال سوم: خمس، پشتوانه مالی حکومت فقها

اخذ خمس از شیعیان، یکی از شئون اصلی امامان شیعه بوده که در فقه کنونی شیعه، این جایگاه بعد از دوران حضور امام و در دوران غیبت، به فقها انتقال یافته است. الیاش بیان می کند که مراجعه دقیق به تراث روایی شیعی مشخص می کند هیچ گونه مجوز صریحی برای اخذ خمس در دوران غیبت وجود ندارد، و همین امر، اختلافات زیادی را در بین علمای شیعی باعث شده است. به عنوان نمونه، علامه حلی در کتاب تذکرة الفقهاء به نقل اختلافات فقها در موضوع خمس در دوران غیبت می پردازد و پنج نظریه را مطرح می سازد:

- حلیت خمس برای شیعیان و برداشته شدن تکلیف خمس از آن ها در دوران غیبت؛
- دفن کردن خمس در زمین؛

۱. ابن بابویه، کمال الدین: ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴.

- باید خمس نگه داشته شود تا مستقیم به دست امام برسد و اگر بیم مرگ می‌رود، باید مبلغ خمس را به وصی بدهد و این کار تا ظهور امام ادامه یابد؛
- مبلغ خمس به فقرای شیعه داده شود؛
- نیمی از مبلغ به فقرا و یتیمان داده شود و نیم دیگر نگه داشته شود تا به دست امام برسد.^۱

الیاش همچنین با ذکر آرای معاصرانی نظیر شیخ محمد جواد مغنیه^۲ و سید محسن حکیم، از مخالفت آن‌ها با ارجاع خمس به فقها در دوران غیبت حکایت می‌کند و تمام این اختلافات را ناشی از عدم نص صریحی دال بر جواز اخذ خمس در دوران غیبت توسط فقها می‌داند.^۳ این مستشرق، علاوه بر این، به نقل از حامد الگار به ذکر نمونه‌هایی از سوء استفاده علما از اموالی که تحت عنوان خمس در دست ایشان بوده است، می‌پردازد^۴ و در نتیجه گیری کلی بیان می‌کند که ادامه دادن نظام اخذ خمس در دوران غیبت، راهی برای درآمد زایی علما و تامین نیاز های مالی حکومت فقها در زمان عدم حضور امام است.

استدلال چهارم: اختلاف اخباری و اصولی، شاهی بر مخدوش بودن مرجع بودن علما در امور فقهی:

الیاش بر اساس بررسی میدانی و همچنین مطالعه کتاب‌های علمای معاصر شیعی به این نتیجه رسیده است که موضوع مرجعیت فقهی علما و شأنیت صدور فتوا توسط آن‌ها، از جمله مباحثی است که در بین خود علمای شیعی نیز محل اختلاف می‌باشد. وی در این بحث، ضمن بیانی نسبتاً جامع از آراء و دیدگاه‌های دو گروه اخباری و اصولی، چنین بیان می‌کند:

۱. الحلی، تذکره الفقهاء، ج ۵، ص ۴۴۵.

۲. ایشان عقیده دارد که سهم سادات باید به سادات فقیر داده شود و سهم امام نیز در امری مانند هزینه آموزش علوم دینی در دانشگاه‌های خارج از کشور، صرف گردد.

3. Eliash, Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama', p. 20.

۴. به عنوان نمونه، الگار در کتاب خود به نمونه‌هایی مانند ربا دادن این اموال توسط یک عالم و یا احتکار غلات در زمان قحطی به منظور کسب منفعت بیش‌تر اشاره می‌کند (ر.ک: الگار، دین و دولت در ایران، ص ۴۰).

اصولی‌ها قائلند تنها مجتهدان هستند که به فهم دقیق دین و دستوره‌های الهی قادر می‌باشند و به تبع، تنها این افراد شانیت صدور حکم دارند و بر عموم مردم واجب است که دستوره‌های فقهی خود را از این گروه اخذ کنند. در مقابل، گروه اخباری عقیده دارند چون مخاطب قرآن و احادیث عموم مردم بوده‌اند؛ هر شخصی به تنهایی می‌تواند وظایف فقهی خود را کشف و به آن عمل کند و بر همین اساس، نظام مرجعیت فقهی علما مخدوش است.

الیاش منشا وجود اختلاف بین این دو گروه را فقدان حدیث و دلیل مشخصی می‌داند که در آن، به صراحت به تعیین وضعیت علما در دوران غیبت اشاره شده باشد. از نظر وی، فقدان چنین ادله‌ای موجب شده است که خود علمای شیعه نیز نتوانند حیطة اختیارات خود را در دوران غیبت به درستی تشخیص دهند و به همین دلیل به اختلاف در این مسئله دچار شده‌اند. وی در تایید فرضیه اختلاف در موضوع مرجعیت فقها، طی گزارشی به اختلافات موجود در شرایط لازم برای مرجعیت تقلید و همچنین سازکار تعیین مرجع تقلید می‌پردازد. طبق این گزارش، انتخاب مرجع تقلید، محصول شورایی است متشکل از نوادگان و فرزندان علما که در این شورا، به انتخاب اکثریت آراء، مجتهدانی به عنوان مرجع تقلید برای عموم مردم معرفی خواهند شد. وی این شیوه انتخاب را مخالف صریح مقبوله عمر بن حنظله و همچنین مورد مذمت علمایی همچون میرزا حسن حائری^۱ می‌داند.^۲

نقد ادله ژوزف الیاش بر جایگاه فقهی، سیاسی و اجتماعی علما در دوران غیبت

الیاش سعی کرده است در ارائه استدلال‌هایش، پابندی به منابع درون دینی را رعایت و با مراجعه به روایات شیعی، نظریه‌های خود را ارائه کند؛ اما اشکالات متعددی بر استدلال‌های وی وارد است که در ذیل به طور مختصر بیان خواهد شد:

۱. در مورد اشکال الیاش بر مقبوله عمر بن حنظله می‌توان گفت به دلیل اهمیت این روایت در

1. Risalat al-i'tiqadat al-imamiyyay trans. A. A. A. Fyzee, A Shi'ite Creed ,p. 107.

2. Eliash ,Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian 'Ulama' ,p. 16.

بسیاری از کتاب‌هایی فقهی از آن صحبت به میان آمده و مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفته است.^۱ معتقدان دلالت مقبوله بر اعطای مناصب سیاسی، اجتماعی برای فقها، عمده تمرکز استدلال خود را بر جمله «فائتی قد جعلته علیکم حاکما» قرار داده و عقیده دارند اطلاق واژه «حاکم» در این جمله از مقبوله، بر منصب عامی دلالت دارد که قضاوت، تنها یکی از شئون آن می‌باشد. امام خمینی عدول از لفظ «قاضیا» به «حاکما» در روایت را شاهدهی برای عمومیت حاکمیت در این روایت می‌داند.^۲ از سوی دیگر، مرحوم نایینی عقیده دارد خصوصیت مورد سوال، موجب تخصیص عمومیت جواب امام نمی‌شود و این که سوال از مورد قضاوت است، نمی‌تواند حکم کلی امام (قد جعلته علیکم حاکما) را تخصیص بزند و آن را به دایره قضاوت محدود گرداند.^۳

۲. در جواب اشکال از موضوع خمس نیز ابتدا باید عرضه داشت طرح مسئله اخذ خمس به عنوان پشتوانه مالی حکومت اسلامی، امری از اساس باطل و بی دلیل است و هیچ فقیهی برای خمس چنین کارکردی قائل نشده است،^۴ بلکه وجوه مصرف خمس، طبق صریح آیه ۴۰ سوره انفال مشخص شده است. در مورد اختلافات در موضوع اخذ خمس در دوران غیبت نیز در آثار مختلفی به این اشکال جواب داده شده است؛^۵ لکن به طور مختصر می‌توان اشاره کرد که اولاً، وجود اختلاف نظر در امر فقهی، کاملاً طبیعی است و هیچ گاه به معنای مخدوش بودن اصل آن مطلب نیست؛ ثانیاً، بر فرض صحت گزاره‌های تاریخی بیان شده توسط الیاش، باز هم سوء استفاده یک یا چندین نفر از یک امر مقدس، موجب بطلان و مردود دانستن اصل آن موضوع نمی‌شود؛ ثالثاً، مستمسک فقهایی که بر حلیت خمس در دوران غیبت فتوا داده‌اند، روایاتی

۱. به عنوان نمونه، ر. ک: حائری، القضاء فی الفقه الاسلامی، ص ۳۹ و خوئی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۲، ص ۹۰.

۲. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۸۱.

۳. نایینی، المکاسب و البیع، ج ۲، ص ۳۳۶.

۴. ر. ک: سبحانی، خمس، ص ۹۰.

۵. برای مثال، مقاله تاملی در مالکیت خمس در عصر غیبت (تقی زاده و پیردهی) و یا مقاله بررسی حلیت خمس در عصر غیبت با توجه به توقیع امام عصر (سامانی و کچایی).

است که ظاهر آن‌ها بر تحلیل خمس برای شیعه در این دوران دلالت دارد؛^۱ لکن استوانه‌های فقهاتی همچون شیخ انصاری در آثار فقهی خود به تفصیل در مورد این روایات بحث کرده و آن‌ها را به نوعی خاص از خمس منصرف دانسته‌اند.^۲

۳. اما در مورد اشکال مطرح شده توسط الیاش در انحصار حق حاکمیت در امام معصوم و همچنین محدود دانستن حیطة وظایف وکلای اربعه در واسطه‌گری برای توقیعات بین امام و شیعیان نیز باید عرضه داشت که اولاً، قیاس مورد نظر، اساساً قیاس باطلی است؛ زیرا در زمان غیبت صغرا، حضور امام علیه السلام در جامعه ملموس بوده و در عمل، شیعه در مسائل سیاسی و اجتماعی، خود را به حضور معصوم متکی می‌دانسته است و این، خلاف دوران غیبت کبرا است؛ زیرا در این زمان، اسباب ارتباط ظاهری با امام منقطع شده است و شیعه باید با اتکا بر قرآن و شریعت، تمام مسائل فقهی، سیاسی و اجتماعی را خود مدیریت کند. مؤید چنین سخنی نیز این نکته است که در متون و تراث روایی قبل از الغیبه شیخ طوسی، فقط چند مورد وجود دارد که برای این افراد از لفظ نایب استفاده شده است^۳ و در تمامی موارد دیگر، لفظ به کار رفته، کلمه "وکیل" بوده است و همین امر نشان دهنده تفاوت ماهوی بین حیطة وظایف وکلای اربعه با نواب عام امام در دوران غیبت است؛ ثانیاً، محدود دانستن فعالیت‌های نواب اربعه در موضوع توقیعات، امری مردود است؛ زیرا شخصیتی مانند عثمان بن سعید دارای مرجعیت دینی در میان شیعیان بوده است؛ به گونه‌ای که افرادی مانند احمد بن اسحاق برای امور دینی خود، مراجعه به ایشان را توصیه می‌کرد.^۴ علاوه بر این، هر یک از نواب اربعه در زمان خود عهده دار اخذ وجوهات شرعی و مصرف آن در موارد خاص خود نیز بوده‌اند؛ از جمله برای رفع نیازهای

۱. به عنوان نمونه، ر. ک: طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۳، ح ۳۹۹ و حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۳، ح ۱۲۶۷۵.

۲. شیخ انصاری، کتاب الخمس، ص ۱۷۵.

۳. ابن بابویه، کمال الدین: ج ۲، ص ۴۷۸-۴۷۹.

۴. جبّاری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، ص ۲۳۲. و ر. ک: طوسی، الغیبه، ص ۳۶۲.

اقتصادی سادات، پرداخت صله به تازه مسلمانان و رفع مشاجرات مالی شیعیان.^۱

۴. اشکال دیگر الیاش - که در موضوع اختلاف بین اخباری ها و اصولی ها مطرح شد - از جمله موضوعاتی است که در کتاب ها و مقالات متعددی مورد بحث واقع شده و مبانی طرفین به طور کامل مشخص و مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. هرچند توضیح این موضوع در این مجال ممکن نیست؛ آنچه گفتنی است این که در موضوع حاضر، الیاش عقیده دارد اختلاف نظر بین اخباری ها و اصولی ها گویای این مطلب است که هیچ روایت مشخصی که ثابت کننده مرجعیت فقهی برای فقها در دوران غیبت باشد، وجود ندارد؛ اما باید گفت هیچ گاه نمی توان صرف اختلاف نظر در موضوعی را به معنای تشکیک در اصل آن قلمداد کرد. تقابل اخباری و اصولی نیز نه تنها امر جدید و نوپیدایی نیست، بلکه در سده های نخستین اسلامی ریشه دارد و در قرون ابتدایی اسلام می توان گروه هایی را نام برد که در برابر پیروان متون روایت به گونه هایی از اجتهاد و استنباط دست می زدند.^۲ این اختلاف میان اخباری ها و اصولی ها در قرون ۱۰ و ۱۱ شدت بیش تری یافت؛^۳ اما ریشه این اختلاف ها در منحصر دانستن ادله استنباط احکام در متن قرآن و روایات توسط اخباری ها بود؛ در صورتی که اصولیان، منابع استنباط حکم را علاوه بر قرآن و روایات شامل عقل و اجماع می دانستند.^۴

خلاصه سخن آن که اختلاف مبانی اخباری ها و اصولی ها، در همان قرون ابتدایی اسلام ریشه دارد و مختص دوران غیبت کبرای امام علیه السلام نیست. همچنین منشا اختلاف در تعداد منابع استنباط حکم شرعی است و وجود این اختلاف، بر وجود یا عدم روایتی مبنی بر جواز و یا عدم جواز مرجعیت فقهی برای علما، دلالتی نخواهد داشت.

۱. جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه، ص ۲۹۶.

۲. صدر، دروس فی علم الأصول، ج ۱، ص ۵۴ و ۵۵.

۳. مدرسی طباطبایی، مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۶۰.

۴. هادوی تهرانی، تاریخ علم اصول از نگاه شهید صدر، ص ۱۰۹-۱۱۲.

نتیجه‌گیری

مستشرقان معاصر هم‌چون ژوزف الیاش با تغییر شرایط زمانه و با مشاهده روند رشد شیعیان در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و همچنین مشاهده جایگاه سیاسی، اجتماعی فقها در دوران غیبت، با رویکردی جدید پا به عرصه پژوهش در این موضوع نهادند و تلاش ورزیدند با استفاده از منابع درون مذهبی، به نقد این مبحث بپردازند. در این مقاله سعی گردید در مرحله نخست به بیان ادله ژوزف الیاش در موضوع جایگاه سیاسی، اجتماعی فقها در دوران غیبت پرداخته شود و سپس بر ادله وی نقد مختصری صورت گیرد. بی‌شک وظیفه اصلی در حفظ و صیانت از مبانی حکومت اسلامی و همچنین پاسخگویی به شبهات وارد بر آن، بر عهده حوزه‌های علمیه می‌باشد. بر همین اساس، رصد شبهات وارد شده توسط مستشرقان، و تحلیل این شبهات و پاسخگویی سریع به آن‌ها یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مراکز حوزوی و دانشگاهی می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد، **کمال الدین و تمام النعمة**، انتشارات اسلامیة، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۵.
۲. الگار، حامد، **دین و دولت در ایران- نقش علما در دوره قاجار**، انتشارات طوس، تهران، ۱۳۶۹.
۳. انصاری، مرتضی، **کتاب الخمس**، انتشارات گنگره، قم، ۱۴۱۵ ق.
۴. تقی زاده چاری، رمضانعلی، و پیردهی حاجیکلا، علی. **تاملی در مالکیت خمس در عصر غیبت**، فقه مقارن، شماره ۸، سال ۲۰۰۸.
۵. جباری، محمدرضا، **سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه**، موسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۲.
۶. حائری، سید کاظم، **القضاء فی الفقه الإسلامی**، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.
۸. حسینی، غلام احیا، **شیعه و شیعه پژوهان انگلیسی زبان**، نشر شیعه شناسی، قم، ۱۳۷۸.
۹. حلی، حسن بن یوسف، **تذکره الفقهاء**، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم، **موسوعة الإمام الخوئی**، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی، قم، ۱۴۱۸ ق.
۱۱. سامانی، احسان و کچایی، مجید، **بررسی حلیت خمس در عصر غیبت با توجه به توفیق امام عصر**، مشرق موعود، شماره ۵۲، ۱۳۸۸.
۱۲. سبحانی، جعفر، خمس، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۸.
۱۳. صدر، محمدباقر، **دروس فی علم الأصول**، مؤسسه النشر الإسلامی، قم، ۱۴۱۸ ق.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. موسوی خمینی، روح الله، **کتاب البیع**، موسسه نشر و آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۹۲.
۱۷. نایینی، محمد حسین، **المکاسب و البیع**، مقرر: محمد تقی آملی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ ق.

۱۸. هادوی تهرانی، مهدی، تاریخ علم اصول از نگاه شهید سید محمد باقر صدر، کتاب خرد، قم، ۱۳۷۹.

19. Risalat al-i'tiqadat al-imamiyyay trans. A. A. A. Fyzee, A Shi'ite Creed (London, 1942, p. 107.

20. Eliash, Joseph. (1969). The Ithna'ashari-Shi'i Juristic Theory of Political and Legal Authority. Studia Islamica Studia Islamica, (29), 17-30.

21. Eliash, Joseph. (1979). Misconceptions regarding the Juridical Status of the Iranian "Ulama." International Journal of Middle East Studies, 10(1), 9-25.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وفضلنا من علمه على تروحي
پژوهشنامه موعود

مجلة دراسات الموعود - فصليتان علميتان

السنة الخامسة - العدد ١١ - ربيع و صيف ١٤٠٣

تم وبناءاً على الرسالة المرقمة ١٥٧٢٨ والصادرة بتاريخ ٢٧/ ٢/ ١٤٠١ من قبل شورى إصدار ومنح التراخيص العلمية للحوزة العلمية ترقية مجلة دراسات الموعود الفصليتين من العدد الأول وجعلها في مصاف المجلات العلمية - الترويجية .
ووفقاً للمادة الأولى من الاجتماع المرقم ٦٢٥ للمجلس الأعلى للثورة الثقافية والمنعقد بتاريخ ٢١ / ٣ / ١٣٨٧، تتمتع المجلات ذات الامتياز والطابع الحوزوي بنفس الامتياز والطابع الذي تتمتع به المجلات الصادرة عن وزارة العلوم والبحوث والتكنولوجيا .

صاحب الإمتياز :

معهد الدراسات للبحوث المهدوية والموعود
للإنتظار البناء .

مركز المهدوية التخصصي التابع للحوزة العلمية في قم .

المدير المسؤول :

حجة الإسلام والمسلمين مجتبی الكلباسي

رئيس التحرير :

حجة الإسلام والمسلمين مهدي يوسفیان

المدير الإجرائي والتنفيذي وسكرتير التحرير :

حجة الإسلام والمسلمين السيد علي الكاظمي

المحرر :

ابوالفضل عليدوست

مترجم اللغة الإنجليزية :

حجة الإسلام والمسلمين حميد سعادت

هيئة التحرير (حسب الحروف):

الهي نجاد، حسين (أستاذ مساعد في معهد العلوم والثقافة الإسلامية).

بهروزي لك، غلام رضا (أستاذ في جامعة باقر العلوم في قم).

سليمانی بهبهانی، عبد الرحيم (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

شاکري زاردهي، روح الله (معيد في جامعة طهران برديس فارابي).

صفري فروشاني، نعمة الله (أستاذ في جامعة المصطفى العالمية).

عرفان، أمير محسن (أستاذ مساعد في كلية العلوم والمعارف الإسلامية في قم).

كلباسي، مجتبی (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

مروجي طبسي، نجم الدين (أستاذ في الحوزة العلمية في قم).

يوسفیان، مهدي (فاضل حوزوي، مدير معهد الدراسات و البحوث المهدوية والموعود للإنتظار البناء).



عنوان مكتب المجلة: شارع الشهداء(صفائية) زقاق آمار، مركز المهدوية التخصصي، معهد و مركز الدراسات المهدوية وموعود الإنتظار البويا. رقم الهاتف: ٠٢٥٣٧٨٤١٤١٠، رقم الفاكس: ١٢٥٣٧٧٢٧١٦٠ ؛

الصندوق البريدي: ٣٧١٣٥١١٩

البريد الإلكتروني: mouoodmag@gmail.com

الموقع المجلة: www.mouoodmag.ir

قناة افتراضية: @mahdaviatmag

الشابا: ٢٤١-٢٧١٧

سعر المجلة: ٣,٠٠٠,٠٠٠ ريال

تحليل معرفي مسألة انتظار الفرج، من وجهة نظر القائد الأعلى للثورة الإسلامية

السيد مجتبي معنوي^١

المقالة الحالية تتناول "تحليل معرفي لمسألة انتظار الفرج، من وجهة نظر الإمام خامنئي". هدف البحث هو تقديم رؤية استراتيجية وسياق فكري له في موضوع "انتظار الفرج". ضرورة تناول هذا الموضوع تكمن في التحرر من الانحيازات المعرفية حول انتظار الفرج والوقاية من الأخطاء الذهنية في الاعتقاد بالمهدوية. طريقة البحث في المقالة من نوع "وصفي - تحليلي" استنادًا إلى أقوال وأعمال القائد الأعلى للثورة الإسلامية. بناءً على نتائج البحث، فإن منظومته الفكرية تعتمد على نظام معرفي يستند إليه انتظار الفرج، وهو موضوع ذو دلالة، وذو نهاية إيجابية ومتوافق مع تيار الحضارة الإسلامية. انعكاس الخصائص الذهنية له حول انتظار الفرج هو تقديم خريطة طريق تخلق استقرارًا بيئيًا من خلال اكتشاف في هذا الطريق، وتمنع الميل السلبي تجاه مسألة انتظار الفرج وفقدان راس المال الاجتماعي.

الكلمات المفتاحية: المهدوية، التحليل المعرفي، الإمام خامنئي، انتظار الفرج، الانحياز المعرفي، الحضارة الإسلامية الجديدة.

پژوهشنامه موعود

سال پنجم / شماره ۱۱ / بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱. أستاذ المركز التخصصي للمهدوية وباحث في معهد المهدوية والموعودية. sm.manvi@chmail.ir

سعة الفضاء الافتراضي في بناء تلاقى المنتظرين للموعود

خليل الله أحمدوند^١ / بگاہ آمیری^٢ / حمید رضا شهبازیان^٣

يمكن رويه الايمان بظهور المنقذ في تعاليم العديد من الأديان الإلهية، ويمكن استخدام هذا الأمر كمبدأً مشتركاً لوحدة أتباع هذه الأديان. لذلك، فإن إيجاد منصفه لتقارب المنتظرين له أهمية كبيرة، ومن هنا فإن الفضاء الافتراضي بسبب إمكانياته العالية، مثل تسريع نقل المعلومات، وسهولة الوصول، ووسعة الجمهور؛ بلا شك يُعتبر أحد أفضل الساحات للتأثير في هذا الأمر. هذه الدراسة كُتبت بأسلوب "وصفي - تحليلي" وتسعى للإجابة على هذا السؤال: ما هو دور الفضاء الافتراضي في تقارب المنتظرين وكيف يمكن أن يعزز أو يضعف هذا الفضاء تلاقى المنتظرين؟ تشير نتائج البحث إلى أن الفضاء الافتراضي يمكن أن يؤثر في بعدين إيجابي وسلبي، ويسبب "تقارب" أو "تباعده" المنتظرين. بعبارة أخرى، يمكن للمهتمين بإقامة حكومة المصلح العالمي أن يستفيدوا من سعة الفضاء الافتراضي لتوفير إمكانية تقارب المنتظرين للمنقذ من خلال نشر ثقافة استشراف المستقبل، وتوضيح واجبات المنتظرين، والدعوات الدينية، وغيرها. من جهة أخرى، يمكن أن يؤدي الفضاء الافتراضي من خلال إثارة الشكوك عبر خلط الحق والباطل، وخلق انعدام الأمان الأخلاقي، إلى تأخير تقارب المنتظرين أو خلق تباعد.

الكلمات المفتاحية: انتظار الموعود، تقارب المنتظرين، حكومة المصلح العالمي، الفضاء الافتراضي،

الشبكات الاجتماعية.

١. هيئة التدريس في جامعة رازي كرمانشاه (المؤلف المسؤول).

٢. خريج ماجستير في الفقه وأصول القانون، جامعة رازي كرمانشاه.

٣. خريج ماجستير في الفقه وأصول القانون، جامعة رازي كرمانشاه.

فنون تحليل ضعف الاعتقاد بالمهدوية في الفضاء الافتراضي وسبل مواجهتها

محمد حسين ساجدي فر (شاهدي)

الفضاء الافتراضي هو مرتع للأشخاص الذين يسعون من خلال أساليب متنوعة إلى إثارة الشكوك وتضعيف الاعتقاد بالتعاليم الأصيلة للمهدوية. إن التعرف على هؤلاء الأشخاص وأساليبهم في خلق تضعيف الاعتقاد بالمهدوية سيساعد بشكل كبير في فهم أفضل سبل لاجل مواجهتهم.

هذا المقال يهدف من خلال منهج "وصفي - تحليلي" إلى بيان أساليب تضعيف الاعتقاد بالمهدوية في الفضاء الافتراضي وتقديم سبل مناسبة لحماية الجمهور في هذا الفضاء.

من أهم الأساليب التي تم التعرف عليها في هذه الدراسة، يمكن الإشارة إلى الإنكار وإثارة الشكوك والريبة، والتحريض واللعب بالمشاعر، وإحداث الاضطراب في الذهن، وإخلال العقائد، وإحداث الفرقة وزعزعة الوحدة. كما أن سبل المواجهة تتضمن ستة أمور، منها إنشاء شبكة معلومات وطنية، وإنشاء شبكة خاصة من قبل الإذاعة والتلفزيون، وإنشاء مواقع إنترنت، وشبكات افتراضية وبرامج حديثة ومتعددة اللغات، ومنع سيطرة العدو على تكنولوجيا المعلومات.

الكلمات المفتاحية: المهدوية، فنون التحليل، الفضاء الافتراضي، السبل، الشكوك، إثارة الشك.

استراتيجيات تعليميه لتنمية الثقافة المهذوية في الشبكات الاجتماعية مع التركيز على النظام الفكري لقائد الثورة

مصطفى ابراهيمي^١

الفضاء الافتراضي هو منظومة واسعة وشاملة تشمل جميع جوانب الحياة اليوم؛ وقد خلق وضعًا معقدًا ودخل في جوانب مختلفة من الحياة الشخصية والاجتماعية للأفراد. اليوم، لم تعد طرق التعليم التقليدية القائمة على المحاضرات كافية لتعليم مفاهيم المهذوية، بل تتطلب أساليب جديدة. واحدة من هذه المقاربات التي أنشأت أساليب جديدة في تعليم المهذوية من خلال استراتيجيات جديدة هي استخدام الفضاء الافتراضي. تسعى هذه الدراسة إلى استخراج وتوضيح الاستراتيجيات والتكتيكات لتعزيز وتطوير تعليم معارف المهذوية من خلال دراسة مكانة موضوعي "المهذوية" و"الشبكات الاجتماعية".

تسعى نتائج هذه الدراسة إلى التعرف على وتقديم استراتيجيات تعزيز تعليم ثقافة المهذوية في الشبكات الاجتماعية مع التركيز على أفكار القائد المعظم. لتحقيق ذلك، بعد التعرف على المفاهيم والمنظومة الفكرية لقائد الثورة، تم تقديم ثمانية استراتيجيات مناسبة تحت استراتيجية شاملة "تعزيز وتطوير التعليم والتربية (تربية النفس، تنشئه اجتماعيه، بناء النظام (منهجيه) وبناء الحضارة) المهذوية في الشبكات الاجتماعية".

الكلمات المفتاحية: ثقافة المهذوية، الشبكات الاجتماعية، استراتيجيات التعليم، النظام الفكري لقائد الثورة.

پژوهشنامه شهرداد

سال پنجم / شماره ۱۱ / بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱. خريج مستوى ۳ المركز التخصصي للمهذوية في قم؛ (الكاتب المسؤول).

دراسة وتحليل مقارنة بين تيارين انحرافيين مهدويين مدعي يمانى ومدعي خراسانى

مهرداد ندرلو
نسرین أمیری^۲

"الخراسانى" و"اليماني"، شخصيتان في الروايات المهدوية يُعتبر خروجهما من علامات اقتراب ظهور الإمام المهدي عَلَيْهِ السَّلَام وَرَجَاءُ النَّصْرَةِ. هذان الظاهرتان، نظرًا لارتباطهما بالاعتقاد بالمهدوية، أصبح كل منهما ذريعة لتيارين يقدمان نفسيهما كمصدق يمانى وخراسانى في الروايات ويسعيان لتطبيق هذين العلامتين على نفسيهما. تُظهر الدراسات أن هذين التيارين، من حيث الإثبات والنفي (إثبات النفس ونفي الطرف الآخر) لهما أوجه تشابه واختلاف متعددة، مما يساعد الباحثين في النقد الدقيق والمنهجي لهذين التيارين. لذلك، في هذه المقالة، سنقوم بدراسة مقارنة بين هذين التيارين الانحرافيين. طريقة البحث في هذه المقالة هي "وصفية - تحليلية" وجمع المعلومات بطريقة "مكتبية". تشير نتائج البحث إلى أن تشابه هذين التيارين في الاقتداء بالعلامات، ادعاء الوصاية والنيابة عن حضرت المهدي عَلَيْهِ السَّلَام وَرَجَاءُ النَّصْرَةِ، ادعاء حصرية الحق في تيار واحد، ادعاء التمهيد، واستخدام طرق ونماذج مشتركة في الجذب. أما الاختلافات بينهما فتتمثل في الادعاءات، الموقع الجغرافي للادعاءات، وطرق الوصول إلى المعرفة الدينية.

الكلمات المفتاحية: مدعي يمانى، مدعي خراسانى، مهدوية، تيارات انحرافية، علامات الظهور.

۱. باحث مستوى أربعة مركز تخصصي المهدوية عنوان إلكتروني.

۲. بكالوريوس المعارف الإسلامية وعلوم التربية عنوان إلكتروني.

دراسة ونقد آراء جوزيف إلياش حول مرجعية الفقهاء والسياسيين والاجتماعيين في فترة الغيبة

مسعود زائري^١

دخول التخصصي للمستشرقين في موضوع المهدوية، من الأمور التي كانت دائماً قابلة للرصد والملاحظة منذ العقود الماضية. من بين جميع الموضوعات المتعلقة بالمهدوية، فإن التركيز الخاص على القضايا السياسية والاجتماعية هي حقيقة يمكن ملاحظتها في العديد من كتابات المستشرقين. في هذا السياق، يُعتبر جوزيف إلياش باحثاً يهودياً يركز على التراث الإسلامي ويعتمد على الروايات الشيعية لدراسة هذا الموضوع بشكل متخصص، وقد اورد نقدًا لمكانة الفقهاء السياسية والاجتماعية في فترة الغيبة. ومن بين المواضيع التي تناولها إلياش بالنقد والدراسة هي مقبولة عمر بن حنظلة، موضوع الخمس، الخلاف بين الإخباريين والأصوليين، وموضوع وكلاء الأربعة. في هذه المقالة، سيتم عرض آرائه واستدلالاته، بالإضافة إلى تقديم إجابة موجزة على الإشكالات التي طرحها.

الكلمات المفتاحية: مستشرقون، مهدوية، جوزيف إلياش، مكانة العلماء، فترة الغيبة.

پژوهش
شماره سوم
موسم تابستان

سال پنجم / شماره ۱ / بهار و تابستان ۱۴۰۳

١. باحث مستوى ٤ مؤسسة المستقبل المشرق قم. Masodzaeri68@gmail.com

Analyzing and evaluating Joseph Elias's theories regarding jurisprudential, political, and social authority of the scholars during the Occultation

*Mas'ūd Zāeri*¹

The interest of Orientalists in the topic of Mahdism, particularly focusing on political and social aspects, has been evident in recent decades. Among them, Joseph Elias is a Jewish researcher who, focusing on the Islamic heritage and relying on Shi'ite narrations, has specialized in this subject and has made criticisms of the jurisprudential, political, and social position of scholars during the Occultation. Elias has scrutinized topics such as the Hadith of 'Umar ibn Ḥanzalah, Khums, the differences between Akhbāri (literalist and anti-rationalist) and Uṣūlis (rationalists), and the four special deputies of Imam Mahdi. In this article, in addition to expressing his views and arguments, a brief response to the objections raised by him will be given.

Keywords: orientalist, Mahdism, Joseph Elias, the position of scholars, the occultation era.

1 Student of level 4 at the Bright Future Institute (BFI) in Qom.
Masodzaeri68@gmail.com

Comparative study and analysis of two deviant Mahdavi sects claiming to be Yamāni and Khurāsāni

*Mehrdād Nadarlū*¹

*Nasrīn Amīri*²

The emergence of "al-Khurāsāni" and "al-Yamāni" as two figures in Mahdavi narrations are considered as a sign of the imminent advent of Imam Mahdi.

Whereas these two phenomena, according to Islamic narrations, are closely linked to the belief in Mahdism, each has become a pretext for the two sects to introduce themselves as Yamāni and Khurāsāni, and try to apply these two signs to themselves. Research has shown that these sects share many similarities and differences, both from the affirmative and negative aspects (proving oneself and negating the others), have many similarities and differences with each other, and recognizing these similarities and differences helps researchers in a precise and methodical criticism of these two currents. Therefore, in this article, we will conduct a comparative study of these two deviant sects. The research method of this article is "descriptive-analytical" and the information is collected in a "library" manner. The study reveals that both factions claim to embody the signs of Imam Mahdi, assert their authority as his successors, and employ similar methods of recruitment. Their differences are also in the claim, the geographical location of the claim, and the ways to reach religious knowledge.

Keywords: Yamāni claimant, Khurāsāni claimant, Mahdism, deviant trends, the signs of Appearance.

1 Student of level 4 at the Mahdism specialized Center in Qom.

2 B.A of Islamic Studies and Educational Sciences.

Promoting the culture of Mahdism through educational strategies on social networks with an emphasis on the intellectual framework of the supreme leader (Imam Khāmenei)

Muṣṭafā Ebrāhīmī¹

Cyberspace is a vast and extensive system and domain that encompasses all aspects of today's life. It has created a complex situation and has entered various aspects of the personal and social lives of individuals. Today, traditional methods of teaching Mahdism are no longer sufficient, requiring innovative approaches. One of these approaches that has created new methods in teaching Mahdism through new strategies is the use of cyberspace. The present study has attempted to extract and explain strategies and tactics in strengthening and developing the teaching of Mahdism knowledge by examining the position of the two topics of "Mahdism" and "social networks".

The findings of this study seek to identify and present strategies for strengthening the teaching of Mahdism culture in social networks with an emphasis on the thoughts of the Supreme Leader of the Islamic Republic of Iran (Imam Khamenei). For this purpose, after recognizing the concepts and intellectual system of the Leader, eight strategies have been identified to strengthen Mahdism education in social networks, including self-purification, socialization, systematization, and civilization.

Keywords: Mahdist culture, social networks, educational strategies, intellectual framework of the Supreme Leader of the Islamic Revolution.

1 Graduate student of level 3 at Mahdism Specialized Center (corresponding author)

A study of the tricks of weakening the belief in Mahdism in cyberspace and tactics to combat this trend

*Muhammad-Hussein Sājedifar (Shahīdī)*¹

Cyberspace is a proper context for the ones who seek to create doubt and weaken belief in the original doctrine of Mahdism through various tricks. Knowing these individuals and their tricks to weaken belief in Mahdism will be of great help in better understanding the strategies to counter them.

This article utilizes a "descriptive-analytical" approach to elucidate the tactics used to undermine belief in Mahdism in cyberspace provide appropriate solutions to protect audiences in this space. The most important tricks identified in this study include denial and fostering doubt, incitement and manipulation of emotions, inducing confusion, undermining beliefs, fostering division, and disrupting the unity.

Additionally, six counter-strategies are proposed, such as establishing a national information network, creating a dedicated network through the Iranian Broadcasting Corporation, developing websites, virtual networks, and multilingual software, and preventing adversaries from dominating information technology.

Keywords: Mahdism, knowing trickery, cyberspace, strategies, doubts, inducing doubt.

1 Student of level 3 at the Mahdism specialized Center in Qom; Shahidi.

The capacity of Cyberspace to create a context for the convergence of the Promised's expectant people

Khalīlullāh Aḥmadvand¹ | Pegāh Amīri² | Ḥamid-Rezā Shahbāziān³

The belief in the coming of a Savior is a common principle among various divine religions, serving as a potential uniting force for followers. Therefore, it is crucial to establish a platform for those anticipating this event to come together. Given its vast capabilities in facilitating information exchange, accessibility, and reaching a wide audience, cyberspace emerges as an ideal arena for influencing this convergence. This study, conducted in a descriptive-analytical manner, aims to explore the role of cyberspace in bringing together those awaiting the Savior, and how it can either strengthen or weaken this convergence. The findings suggest that cyberspace can have both positive and negative impacts, leading to either convergence or divergence among the waiting individuals. In other words, those concerned with establishing a global reformed government can, by utilizing the capacity of cyberspace, provide the possibility of convergence of those waiting for the Savior through the dissemination of a culture of future studies, explanation of the duties of those waiting, religious propaganda, etc. On the other hand, cyberspace can delay the convergence of those waiting or create divergence by casting doubt by confusing right and wrong, creating moral insecurities, etc.

Keywords: Messianism, convergence of those waiting, global government of the promised peacemaker, cyberspace, social networks.

1 The faculty member of Rāzi University in Kermānshāh; (Corresponding Author)

2 Graduate student of M.A in Fiqh and Uṣūl (Jurisprudence and the principles of Islamic law) from Rāzi University in Kermānshāh.

3 Graduate student of M.A in Fiqh and Uṣūl (Jurisprudence and the principles of Islamic law) from Rāzi University in Kermānshāh.

Cognitive examination of the concept of Awaiting the Deliverance from the viewpoint of the Supreme Leader (Imam Khāmenei)

*Sayyid Muḡtabā Ma 'nawī*¹

The present article examines the cognitive analysis of “Awaiting the Deliverance” from the perspective of Imam Khāmenei, aiming to present his strategic viewpoint and intellectual context on the topic. The importance of addressing this issue lies in dispelling cognitive biases and preventing mental errors related to belief in Mahdism. The research methodology employed in the article is descriptive-analytical, drawing from the Supreme Leader's speeches and written works. According to the research findings, his intellectual system is based on a cognitive system in the light of which Waiting for the Deliverance is a conceptual, finalistic and compatible category with the movement of Islamic civilization. Reflecting his mental characteristics about the Awaiting, he presents a roadmap that, by creating cognitive self-discovery on this path, creates insight stability and prevents a passive tendency towards the issue of the awaiting and the loss of this social capital.

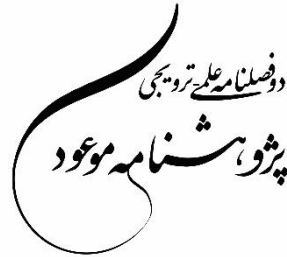
Keywords: Mahdism, cognitive analysis, Imam Khāmenei, awaiting the Deliverance, cognitive bias, new Islamic civilization.

1 Professor at the Mahdism Specialized Center; Researcher at the Research Center of Mahdism and Messianism (Mahdism and Messianism Research Ceneter).
sm.manvi@chmail.ir

Pursuant to letter No. 15728 dated May 17, 2022, issued by "Licensing and Scientific Ranking Council of the seminary of Qom", the semi-annual Journal Research on the Promised was promoted from number one to the scholarly-promotional rank.

According to the legislation of "Supreme Council for Cultural Revolution" No. 625 dated June 10, 2008, ranking seminary journals have the same validity as the journals of the "Ministry of Science Research and Technology."

**In the Name of Allah, the Most
Beneficent, the Most Merciful**



Two-Quarterly Scientific-Promotional Journal of Mahdism
THIRD YEAR, NO. 11, SPRING / SUMMER 2024

Magazine Owner:

Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya (Dynamic Awaiting), Specialized Center of Mahdism of Qom Seminary

Managing Editor:

Clergy of Islam Mojtaba Kalbasi **Editor in Chief:**

Clergy of Islam Mahdi Yousefian

Internal Manager and Editorial Staff:

Hujjat al-Islam Sayyid Ali Kazemi

Editor:

Abolfazl Alidoost

English Translator:

Hujjat al-Islam Hamid sa'adat

Editorial Board (Alphabetically Ordered):

Elahinezhad, Hussein (Associate Professor of Islamic Sciences and Culture Research Center)

Behrouzi Lak, Gholamreza (Professor at Baqir al-Ulum University)

Solaymani Behbahani, Abdul-Rahim (Professor at Qom Seminary)

Shakeri Zavardehi, Rouhollah (Assistant Professor at Tehran University)

Safari Foroushani, Nematollah (Professor at Al-Mustafa International University)

Erfan, Amir Mohsen (Assistant Professor at Islamic Maaref University)

Kalbasi, Mojtaba (Professor at University and Seminary)

Moravejji Tabasi, Najm al-Din (Professor at Qom Seminary)

Yousefian, Mahdi (Seminary Scholar, Assistant Professor Al-Mustafa International University)



Address: Mahdism and Messianism Research Center of Intezar Pooya, Specialized Center of Mahdism, Amar Alley, Shohada St. (Safaeyeh), Qom. Tel: 025-37841410, Fax: 025-37737160, P.O.B: 37135119

Website: <http://mouoodmag.ir>

Email: mouoodmag@gmail.com

Social network channel Address: @mahdaviatmag

ISSN: 2717-0241

Price: 3.000.000 Rials